

۴

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و توسعه آموزشی  
مقر: خیابان دانشگاه تهران  
تهران  
www.rodbf.ir  
ISSN 1666-9220

# آموزش و پرورش

شماره ۴

مادانهای آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای هیأت  
دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره ی شانزدهم، دی ۱۳۸۹، شماره ی بی دربی ۸۶  
۴۸ صفحه، ۳۲۰۰ ریال



وزارتخانه ی آموزش و پرورش  
خیابان یادگیری  
دانش آموز مسئول یادگیری  
مسئول ترجمانی



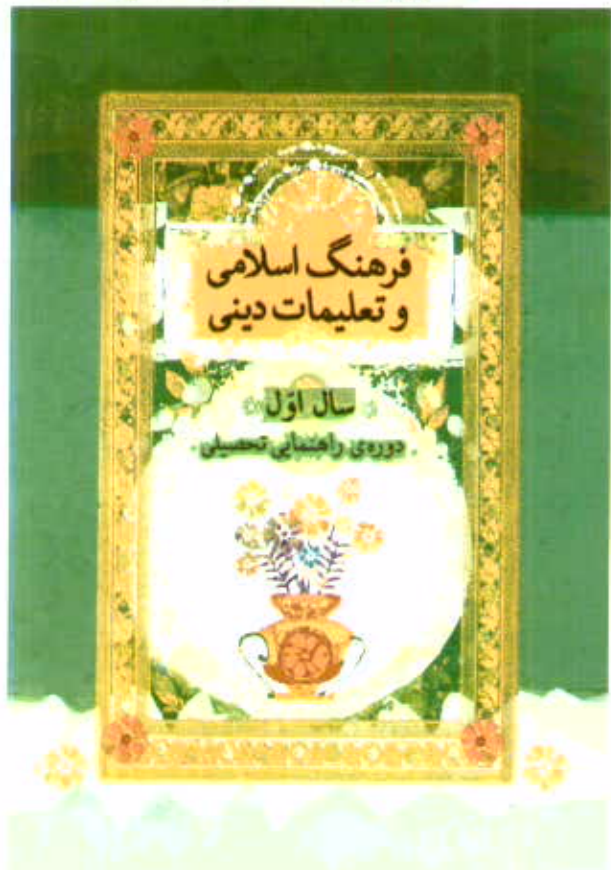
صفحات ویژه‌نامه‌ی هر شماره از رشد آموزش راهنمایی تحصیلی. به یک مبحث درسی می‌پردازد. در شماره‌ی یک، به نقش تصویر در آموزش و یادگیری اشاره کردیم و گفتیم که تصویر در متن کتاب‌های درسی چندین کارکرد دارد. در شماره‌های دو تا هشت، بسته به مبحث درسی مورد بحث، چند تصویر ارائه می‌شود تا ذهن خواننده به چالش کشیده شود.

جلد کتاب، غیر از پوشاننده‌ی کتاب و محافظ آن، حاوی اطلاعات کتاب‌شناسی مهم درباره‌ی «کتاب» است. جلد هر کتاب، سه جزء اساسی دارد: روی جلد، عطف و پشت جلد. آن چه در طراحی جلد بسیار مهم است، توجه به موضوع و محتوا (منظور از محتوا صرفاً اطلاعات محض نیست) و مخاطبان کتاب است. طرح جلد باید بتواند علاوه بر بیان محتوای کتاب، ارتباط معناداری با مخاطب نیز برقرار کند. مخاطب را درگیر کند، او را به دیدن دعوت کند و به تفکر وادارد. نه چنان ساده باشد که مخاطب سریع از آن عبور کند و نه چنان پیچیده که نتواند با مخاطب ارتباط منطقی برقرار کند. ترکیب بندی، رنگ، فرم و خطوط به کار رفته، همه در خدمت هدف اصلی کتاب باشد. داشتن ارتباط منطقی با صحنه‌های داخلی کتاب نیز از کارکردهای گرافیک جلد است.

تصویر ۱ مورد مشاهده، روی جلد کتاب «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی» چاپ سال ۱۳۸۸ و تصویر ۲، روی جلد همین کتاب در چاپ سال ۱۳۸۹ است. با توجه به نکات گفته شده، شما کدام یک از روی جلد‌ها را موفق‌تر می‌دانید و چرا؟ منتظر پاسخ شما همراهان صمیمی هستیم.



۲



۱



# ششصد و پنجاه و چهار

## شماره ۴

### سال همت مضاعف، کار مضاعف

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره‌ی شانزدهم - دی ۱۳۸۹ - شماره‌ی بی‌دری ۸۶

- یادداشت سردیو
- ابشار محبت / محمدرضا حشمتی / ۲
- مدرسه‌ی زندگی
- تمرین گفت‌و شنود / سعیده اکبری نظری / ۳
- مدرسه‌ی اعتمادساز / دکتر فریده براتی سده / ۴
- خیابان یادگیری / نمانه ایروانی / ۶
- همیاری / لیلی محمدحسین / ۸
- دانش‌آموز، مسئول یادگیری / دکتر یزاده سعیدیا / ۱۰
- این فصل را دوباره بخوانید / دکتر محمدعلی شامانی / ۱۳
- گفت‌وگوهای ما صدای بلند فکر کردن ماست؟ / کتابیون متین / ۲۶
- نیصکت و میز تحریر / دکتر احمد مختاریان / ۳۰
- خاطره
- نگاه معلمی / کتابیون رجی راد / ۱۴
- تجربه‌ها
- لیگ‌های ورزشی / نفیسه ثبات / ۲۰
- دنیای نوجوانان
- همسفر نوجوانی / بتول سبزی‌سنجانی / ۱۶
- دنیای ارتباطات
- فایده‌های آموزشی ویلاگ / سعیده شهیدی / ۱۸
- تاریخ ماندگار
- خانقاه / فاطمه محمودیان / ۲۲
- طنز
- مدرسه‌ی شاد / مهدی رضاییان / ۲۴
- آقای فوق‌مدرن‌نیسم! / احمد عربلو / ۲۸
- گفت‌وگو
- دوره‌ی راهنمایی؛ بی‌مسما و بی‌نشان! / نصرالله دادار / ۳۲
- ویژه‌نامه
- ارزش‌یابی اندیشیدن / سعید راصد / ۳۵
- گام به گام با پیام‌های آسمانی / بهناز پورمحمد / ۳۸
- تعلیم و تربیت دینی / پرویز آزادی / ۴۲
- درس آمادگی دفاعی چگونه به وجود آمد؟ / گروه درسی آمادگی دفاعی
- دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی / ۴۴
- با همراهان
- نامه‌های رسیده / ۴۸

مدیرمسئول: محمد ناصری  
سرمدار: محمدرضا حشمتی  
شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی‌رضا صادقی میاب  
منتصور ملک‌عباسی، علی‌امیر جعفریان  
فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین  
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان  
دبیرمسئول: گبری محمودی  
طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی  
نشانی دفتر مجله: تهران، آبرشته‌رستانی، پلاک ۲۶۶  
اسلوبی پستی: ۱۶۵۹۵  
تلفن: ۸۸۳۹۰۳۳۳  
تعمیر: ۸۸۳۰۱۳۷۸  
وبسایت: www.roshdmag.ir  
رایانه: roshdmag.ir / rahnamayis@roshdmag.ir  
تلفن پیام‌گم: شریک‌رشد: ۸۸۳۰۱۳۸۲  
کد مدیرمسئول: ۱۰۴ کد سرمدار: ۱۶۵ کد مشترکین: ۱۱۴  
نشانی امور مشترکین: تهران - اسلوبی پستی: ۱۶۵۹۵  
تلفن امور مشترکین: ۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۳۳۶۶۵۵  
شمارگان: ۱۸۰۰ صفحه  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: محمد گلچین از گیلان

#### فایل نوبت نویسنده‌گان و مترجمان مجله

مقاله‌هایی که برای طرح در مجله می‌فرستید باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید این موضوع را قید بفرمایید.  
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود.  
مقاله می‌تواند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلش و یا از طریق رایانه مجله ارسال شود.  
- ذکر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فن دقیق لازم ملاحظه شود.  
- محل قرار دادن جدول، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.  
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن چکیده و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.  
- کلمات دارای معنی مشابه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شود.  
- مقاله باید دارای تیرا اصلی، تیرهای فرعی در متن و سوبیت باشد.  
- معرفی علمی کوتاه‌ای از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.  
- مقاله در رد قبول و ویرایش و تخصص مقاله‌ای رسیده مختار است.  
- مقالات دریافتی بازنگری نشده نمی‌شود.  
- آرای مترجم در مقاله ضرورتاً متن رای و نظر مسئولان مجله نیست.



# ابزار محبت

محمدرضا حشمتی

رنده بودن انسان به آب بدن بستگی دارد. ریزی که آب بدن خشک و تمام شود و بدن اسفاد بدترس هیچ ابی را ندانسه باشد، انسان در خطر انهدام و نابودی قرار می‌گیرد.

اگر بخوایم «محبت» را تعریف کنیم و برای آن مثالی بیآوریم، هیچ مثال و تعریفی بهتر از تشبیه آن به آب نیست. شاید بتوان گفت، محبت همان آسانی است که خداوند به همه‌ی کوه‌ها و آسمان‌ها عرضه کرد که هیچ یک نتوانستند قبول کنند. اما انسان بدرفت و منصدی آن شد.

محبت امری جامع و همه‌خانه است که در تمام سطوح زندگی و خرابا اجتماعی جاری و ساری می‌شود. لذا نمی‌توان به بهانه‌ی خدا دوستی، نه خلق و جامعه و مردم و خانواده بی‌اعتنایی و پشت کرد. همواره تشنه‌یم. رضا و دوستی خدا را در رضا و دوستی خلق باید جست‌وجو کرد. ما معلمانی، به عنوان افرادی که وظیفه‌ی آن‌ها تعامل و گفت‌وگو با فرزندان این مریزوم است، باید بازار محبت را برای همسره داغ نگه داریم. محبت در جامعه‌ی ما فصلی، موضعی و موسمی نیست، بلکه همگانی، همه‌جانبه، فراگیر و هستیکی است.

نوسنان! «فدیت»، آفت و بسم مهنگ محبت است. اگر چه انجام هر گونه و کاری یا انگا به قدرت، راحت‌تر و سریع‌تر صورت می‌پذیرد، ما آن کار، الزاماً مانا نیست و نه تعمیری، کار کل است. حال آن که کار امیخته با محبت کار دل است و کار دل پایا و ماناست.

سال‌هاست اجزای و سازمان‌های سیاسی که بقای خود را در دانش قدرت و اعمال آن می‌دانند، منطق محبت و تعادل آن را در جامعه‌ی ما بر هم زده و به جای آن، بذر خستونت و اختلاف پراکنده‌اند. حتی دیگر در مکان‌های مقدس، مراکز علمی فرهنگی، رسانه‌های عمومی و... هم صدای محبت را کمتر می‌توان شنید و محبت ترویج نمی‌شود. مسافانه این روش ناصحیح، در ادارات آموزش و پرورش که باید ابزار محبت برای معلمان و دانش‌آموزان باشند نیز دیده می‌شود. به بهانه‌های متعدد، نظیر معایرت با فلاسین سیاست، فلاسین سلسله و... گاهی همکاران را دچار مشکلات زیادی می‌کنیم.

اگر ما معتقد به حکومت دینی هستیم، نه تعبیر بزرگان دین، یا نه‌های این حکومت حبری جز حب و محبت نیست. اگر اندک عطی به ترمیم ریشه‌ی و اصلاح اساسی داریم، بهترین مکان مقدس «مدرسه» است که باید در آن جا، کانه‌ی بی‌مهری و بیخ‌دویی را شکم و دلب‌دوستی به سوی خودمان قرار کنیم.

نوسنان! قراموش یکم که ریشه‌ی ولایت، حب و محبت است و چه قدر خوب است در روز «مدرسه» و ولایت، همه‌ی ما درباره‌ی این موضوع بیشتر فکر کنیم که چه نوع عطی می‌تواند ریشه‌های ولایت را در جامعه‌ی ما استحکام بخشد.

# تمرین گفت‌وگوشنود

## سعیده اکبری نظری

کمتری ایجاد می‌شود. تمرین دیگر این است که نظر دانش‌آموزان را درباره‌ی نحوه‌ی تدریس بخواهیم و طرح درس‌مان را براساس دیدگاه‌ها و نیازهای آن‌ها بنویسیم. مزیت این تمرین آن است که دانش‌آموزان احساس می‌کنند موضوع مهم، آن‌ها و نیازهایشان هستند نه چیز دیگر؛ به علاوه سطح علمی و بازده کلاس هم بالا خواهد رفت.

مانند این برنامه‌ها بسیارند که می‌شود در محدوده‌ی خانواده، مدرسه و جامعه به آن‌ها پرداخت تا همه‌ی فرزندانمان، با ویژگی‌ها و توانایی‌های گوناگون، بتوانند در حد نیاز، توانایی برقراری ارتباط مؤثر را پیدا کنند. البته مقوله‌ی مهارت‌های ارتباطی، تنها به توانایی برقرار کردن ارتباط مؤثر نمی‌پردازد بلکه به نحوه‌ی برقراری و ادامه‌ی ارتباط با دیگران نیز توجه می‌کند و این برعکس تصور جامعه است که افراد پر حرف و پر رفت و آمد را دارای این مهارت می‌دانند و به جزئیات این مهارت توجهی ندارند. در شماره‌ی بعدی، چند مورد از نکته‌هایی را که در برقراری ارتباط باید یاد بگیریم، بررسی می‌کنیم.

همه‌ی ما اولین روز مدرسه، ولی گفتگوگو با معلمان، اولین کنفرانس کلاسی، اولین روز دانشگاه، اولین تجربه‌ی کاری و خیلی از این اولین‌ها را خوب به یاد داریم. اما چرا این اولین‌های زندگی‌مان که باید خرو و شریب‌ترین خاطره‌هايمان باشند خیلی سخت گذشته؟ و ایجاد ارتباط با افراد جدید برای اکثرمان سخت بوده است؟ در حالی که اکثر ما دامنه‌ی ارتباطی گسترده‌ای داشته‌ایم و اغلب در خانواده‌های پر رفت و آمدی بزرگ شده‌ایم، یا این حال، در موقعیت‌های جدی که نیاز بوده است با کسانی خارج از محدوده‌ی آشنایان ارتباط برقرار کنیم، دچار مشکل شده‌ایم.

شاید عیش این باشد که هیچ تجربه و نمایی در این زمینه نداشته‌ایم. در دوران کودکی، خیلی کم پیش آمده است که از ما بخواهند در جمع درباره‌ی موضوعی جدی اظهار نظر کنیم. آخرین انشای خودمان را با صدای بلند برای جمع خانوادگی‌مان بخوانیم یا اگر حسن نام‌غویی را خریدیم، خودمان بدون دخالت بزرگ‌ترها آن را پس بدهیم. در مدرسه و سر کلاس هم فقط هنگام پرسش کلاسی محور به صحبت کردن بوده‌ایم که آن وقت هم حملات را دقیقاً شبیه کتاب حفظ می‌کردیم و تحویل معلم می‌دادیم. البته گاهی، بعضی از دبیران بحث کلاسی می‌گذاشتند که باز هم تعدادی از بچه‌ها که مهارت‌های ارتباطی قوی‌تری داشتند، به همراه دبیر وارد بحث می‌شدند و بقیه که اکثریت کلاس را تشکیل می‌دادند فقط گوش می‌سپردند.

این‌ها نمونه‌هایی از کم‌کاری‌های خانواده و مدرسه برای ارتقای مهارت ایجاد ارتباط مؤثر است، اما تمرین این مهارت‌ها کار چندان مشکلی نیست و به امکانات ویژه‌ای نیاز ندارد. در کنار خانواده، مدرسه می‌تواند بهترین فرصت‌ها را برای ایجاد این مهارت در اختیار دانش‌آموز بگذارد. چه خوب می‌شد اگر در همان روز اول کلاس، به جای این که متکلم‌وحده باشیم و تنها از برنامه‌ها و قوانین کلاس‌مان صحبت کنیم، اجازه دهیم هر کدام از بچه‌ها چند دقیقه‌ای از خودشان، علاقه‌ها و اهدافشان صحبت کنند. به این ترتیب، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی خودشان با دیگران حرف بزنند، ضعف‌های خود را بدون هیچ ترسی بیان کنند و از دوستان و معلمشان بخواهند در اصلاح عیوب کمکشان کنند. یا حتی در مورد نقاط قوتشان، بدون حس خودسای، توضیح دهند.

به این ترتیب، هم برای ایجاد ارتباط تمرین می‌کنند و هم در روابطی که بین خودشان با هم یا بین ما و آن‌ها شکل می‌گیرد، به این نقاط ضعف و قوت دقت می‌کنند و مشکلات برخوردی

نظر دانش‌آموزان را درباره‌ی نحوه‌ی تدریس بخواهیم و طرح درس‌مان را براساس دیدگاه‌ها و نیازهای آن‌ها بنویسیم





# کیا اعتماد ساز

دکتر فرید براتی سده

اما سؤال این است که معلم چگونه می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا اعتماد به نفس بسازی بنا کنند؟ چند راهکار زیر می‌تواند سودمند باشد:

۱. اگر لازم بود با اگر دانش‌آموزی کمک اضافی می‌خواهد، به او کمک کنید بسیاری از دانش‌آموزان در حالت می‌کنند از معلم خود کمک بخواهند این احساس گاهی از فشار هم‌کلاسی‌ها ناشی می‌شود که به دانش‌آموز القا می‌کنند معلم تمایل ندارد تا منی خواهد کمک بسیاری بکند؛ حتی گاهی هم القا می‌کنند که معلم نمی‌تواند بیشتر از این کمک کند اگر چه فشار کاری و مفهوم گران‌بازی یعنی (یعنی کار بیش از حد به دلیل تفاوت از حمله از حمله بیش از حد کلاس و) قابل ذکا است. ولی کمک گرفتن بیشتر به دانش‌آموزان (حتی برای وقت کلاس) را جزو مسئولیت‌های معینی بدانید.

فراموش نکنید یادگیری امری بیست که دانش‌آموزان در اولین بار با بهترین وضعیت در آن موفق شوند، بلکه فراموشی است با پس‌پس و بلندی‌های خاص خودش و کم است تعداد دانش‌آموزانی که با همان یک‌بار ترمیم شما، درس را می‌فهمند پس به دانش‌آموزان کمک کنید با درس‌ها را بهتر یاد بگیرند به این ترتیب اعتماد به نفس آنان را افزایش می‌دهید.

۲. میزان یادگیری و شناخت دانش‌آموزان را به دقت بررسی و دانش‌کنند یکی از جنبه‌های مشکل و سخت معلمی، نفس با شکری معلمان است دانش‌آموزان یادگیری دانش‌آموزان، کاری زمان بر است، برای این کار وقت بگذارید و بررسی از دانش‌آموزان، گرفتن امتحان‌های کلاسی و سایر راه‌هایی را که خود می‌دانید، امتحان کنید.

۳. دانش‌آموزان را به خاطر یادگیری با عدم یادگیری در حالت زده و شرمگین بسازید.

۴. به شکلی سازنده و تشویق کننده، بازخوردهای سریع، دقیق و جزئی به دانش‌آموزان ارائه دهید پس از آن و بررسی نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، دانش‌آموزان، معلم.

اشاره

در شماره‌های گذشته با روان‌شناسی مثبت‌گرا آشنا شدیم و دانستیم که در این گرایش، به جای پرداختن به نقاط ضعف و مشکلات افراد از دیدگاهی منفی، به ویژگی‌ها و توانمندی‌های مثبت آن‌ها پرداخته می‌شود. هم‌چنین در ادامه‌ی این بحث در باره‌ی راهکارهای ایجاد مدرسه‌ی مثبت، مؤلفه‌های ایجاد این محیط را معرفی کردیم و دو مؤلفه را شرح دادیم، اکنون در ادامه، مؤلفه‌ی سوم ایجاد مدرسه‌ی مثبت، یعنی «تقویت توانمندی‌های دانش‌آموزان» را بیان می‌داریم و راهکارهایی را به این منظور ارائه می‌دهیم.

توانمندی‌های دانش‌آموزان را تقویت کنید، به عبارت دیگر، کاری کنید تا دانش‌آموزان اطمینان پیدا کنند که می‌توانند یاد بگیرند. در بسیاری از موارد، معلمان با گفته‌ها یا کردار خود نوعی حس ناتوانی را به دانش‌آموزان القا می‌کنند. تحقیقات مربوط به خودکارآمدی (سنورا، ۱۹۹۷)، نشان می‌دهد اگر دانش‌آموزان به توانایی خود برای تأثیرگذاری بر کسب نتایج مطلوب باور داشته باشند، عملاً هم به آن نتایج دست می‌یابند. شوق‌انگیزی، امید‌فرینی، و جوش‌پس‌و امید برای پیشرفت و توسعه و رشد فردی و اجتماعی، نکته‌های مهم در فرایند یادگیری مثبت به شمار می‌روند، برای دست‌یابی به این هدف، حس اعتماد به نفس را در دانش‌آموزان افزایش دهید. بندورا (۱۹۹۷) در این باره معتقد است، اگر دانش‌آموزان باور نداشته باشند که می‌توانند کاری را انجام دهند، حتی اگر واقعاً و عملاً هم نتوانند، پس احتمالاً سعی و تلاش لازم را هم انجام نمی‌دهند و عملاً مطالب را یاد نمی‌گیرند و موفق نمی‌شوند.

فراموش نکنید، یادگیری امری نیست که دانش‌آموزان در اولین بار با بهترین وضعیت در آن موفق شوند، بلکه فرایندی است با پستی و بلندی‌های خاص خودش

مؤثرترین نوع بازخورد توضیح دادن سازنده این است که چرا پاسخ نادرست و غلط بوده است



سطح یادگیری دانش آموز، بلافاصله به او بازخورد بدهید. اگرچه می توان برای عدم ارائه بازخورد مناسب، عوامل و موانعی را مطرح کرد (دلایلی چون محدودیت زمانی، تعداد زیاد افراد کلاس و مسئولیت های کاری زیاد)، ولی بازخورد سریع، دقیق، توصیفی و جزئی، یک پیش نیاز بنیادین در آموزش مؤثر و افزایش حس اعتماد به نفس در دانش آموز است.

یک نکته در این باره حائز اهمیت است. برای بسیاری از معلمان، بازخورد دادن برای پاسخ های درست آسان است، ولی دادن بازخورد در مواقعی که دانش آموز اشتباه می کند، کار چندان ساده ای به نظر نمی رسد. تحقیقات نشان داده است، مؤثرترین نوع بازخورد، توضیح دادن سازنده درباره ی این است که چرا پاسخ نادرست و غلط بوده است. این اطلاعات به دانش آموز اجازه می دهد شناخت بهتری از خطاهایش به دست آورد و درصدد رفع آن ها برآید.

۵. بر فرایند یادگیری (تلاش و کوشش و شناخت فردی)، بیشتر تأکید کنید تا بر محصول یادگیری (عملکرد، به خصوص عملکردهای رقابتی).

بسیاری از معلمان هم از سوی نظام آموزشی، هم والدین و هم اولیای مدارس تحت فشار قرار می گیرند تا دانش آموزان را برای رقابت و تست زدن یا امتحانات رقابتی آماده سازند (یعنی برای عملکرد موفقیت آمیز در تحصیل)، اما تحقیقات زیادی نشان داده است، دانش آموزان در کلاس هایی که بر فرایندهای یادگیری، تلاش فردی و شناخت شخصی تأکید می شود، بیشتر سعی و تلاش می کنند، بهتر یاد می گیرند، انگیزه های درونی قوی تر و حتی خطر پذیری بالاتری از نظر تحصیلی دارند.

از راهکارهای ناگید بر فرایند یادگیری می توان به: کاهش تأکید بر مقایسه های دانش آموزان از نظر نمره و موفقیت تحصیلی، مشارکت دادن دانش آموزان در ارزیابی خود از خود و بایش کار هم کلاسی توسط هم کلاسی اشاره کرد.



#### منابع

۱. برای سید فرید (۱۳۸۸) اثر بخشی مداخلات روان شناسی مثبت گرا در افزایش نشاط و شادی، خشنودی از زندگی و معناتاری زندگی و کاهش افسردگی: مدلی برای اقدام پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۲. Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. NY: Worth Publishers.
۳. Fredrickson, J.L. & Jömer, T. (2002). Positive emotions trigger upward spirals toward emotional well-being. Psychological Science, 13, 172-175.
۴. Fredrickson, J.L. (2009). Positivity. New York: Crown publishers.
۵. Peterson, C. (2006). A Primer in Positive Psychology. NY: Oxford University Press.
۶. Seligman, M.E.P. & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive Psychology: An Introduction. American psychologist, 55, 5-14.
۷. Snyder, C. R. & Lopez, S.J. (2007). Positive Psychology: The Scientific and Practical Exploration of Human Strengths. USA: Sage Publications.
۸. Watson, M. & Eckerman, L. (2003). Learning to trust: Transforming Difficult Elementary Classrooms Through Developmental Discipline. San Francisco: Jossey-Bass.



# معماری اثر بخش

مانده ایروانی

# خیابان یادگیری

کلیدواژه‌ها: راهرو، یادگیری، دانش آموز

اشاره

وقتی از محیط یادگیری صحبت می‌شود، این چه به ذهن خطور می‌کند، مدرسه، کلاس، از ما پیشگاه، کارگاه و به عبارت دیگر، محیط‌های رسمی آموزش است. در حالی که محیط یادگیری می‌تواند معانی گسترده‌تری را در بر بگیرد. در این نوشته، به یکی از پررفت‌وآمدترین فضاهای یادگیری (راهروهای مدرسه) توجه می‌کنیم.

بسیار است. غالباً همه در آنجا نهار و آب و کباب می‌خورند.

از آن‌ها خوانند که هر روز مدرسه را برای این طرح کنند و پاسخ این بوده که: «هر وقت کار آمدن من است به چهار به کلاس‌ها برساند البته کتله‌های بچه‌ها سر راهرو قرار دارند، ما هم هر سال می‌کوشیم کتله‌ها را برگردانیم تا فضای راهرو شادتر شود. به آن‌ها می‌توانیم تابلوهای اطلاعاتی نصب می‌کنیم و پوسترها و دستورالعمل‌ها یا بخش‌هایی از آن‌ها می‌توانیم با بچه‌ها بخوانیم»

عصی دیگر گفت: «ما تابلوهای آموزشی خود بچه‌ها در راهروها نصب کرده و به بچه‌ها اجازه داده‌ایم. خودمان آن‌ها را می‌سازیم و نمونه‌ها را هم به بچه‌ها می‌دهیم تا خودشان آن‌ها را نصب کنند. حتی دیگر هم گفتند: «ما هم راهروها را تغییر فکری‌هایی کوچک می‌ماند طافچه داریم که ما می‌سازیم. آن‌ها به قصه‌های بزرگی کتاب‌خانه‌های کوچک تبدیل کنیم»

این‌ها تمام کارهای من بود که شروع و عمل می‌توانست از راهرو بگذرد.

چندی پیش، من از معلمان و مدیران مدرسه در زمینه طراحی فضاهای مدرسه سوالی پرسیدم. سوال کرده که مدارس ما چه شکلی هستند کنار سراج سراج دارند؟ یک راهروی مدرسه و طولانی با چند کلاس در دو طرف آن. و اضافه کردند: «البته کتابخانه و نمازخانه‌های نیز می‌تواند در آن بیاید اگر هم قبلاً کمی برای مدرسه آن فکر شده باشد. اما دانشگاه‌های خوبی می‌تواند در مدرسه تبدیل کند، حیاط هم که در جلوی مدرسه واقع است، بعضی عرصه‌ها حیاط نشیمن نیز دارند که مناسب است و حیاط آن توسط عارضه‌ها نیز

معماری خوب فضا، تاثیر بسیار زیادی در عملکرد کاری شما خواهد داشت





بایست با هم سه موضوع «راهرو» نگاه می‌موسکافانه‌تر  
بسناریم. اگر فضاهای مدرسه را به فضای بسته (ساختمان) و  
فضای باز (حیاط) تقسیم کنیم، در پلان‌های مرسوم ساخته شده  
و با در حال طراحی برای مدرسه، فضاهای بسته را کلاس‌ها و  
اتاق‌های جانبی و راهرو تشکیل می‌دهند. اگر متری را در دست  
بگیرید و کمی در مدرسه بچرخید متوجه خواهید شد که راهروها  
و فضاهای مشاعات آن، چیزی حدود ۳۵ درصد مساحت فضای  
بسته‌ی هر مدرسه را تشکیل می‌دهند. خوش‌بینانه که نگاه کنیم،  
تمام فعالیت‌های «یادگیری و آموزش» در مدرسه، در کلاس‌ها  
و آزمایشگاه‌ها انجام می‌شود. این یعنی ما از ۱۰۰ درصد فضای  
بسته‌ی هر مدرسه، از چیزی حدود ۶۵ درصد آن استفاده می‌کنیم.  
یعنی ۳۵ درصد مدرسه، مناسب فعالیت‌های آموزشی است و  
بقیه‌ی ساختمان به نوعی برای ما معلمان و دانش‌آموزان مفید  
نیست. آن‌ها فقط فضاهای مسقف هستند که ما را به جاهایی که  
می‌خواهیم، می‌رساند؛ جاهایی شبیه کلاس‌ها، آزمایشگاه‌ها و یا  
اتاق‌های مربیان و مدیران. نگهداری چنین راهروهایی، هزینه‌های  
گزافی نیز دارد، مثلاً در زمستان هزینه‌های گرم کردن آن‌ها و  
در تابستان نیز هزینه‌ی سرد کردن آن‌ها. از همه مهم‌تر، غالباً این  
راهروها به دلیل نداشتن نور طبیعی خورشید، بسیار تاریک‌اند و ما  
مجبوریم در ساعات کاری مدرسه، همیشه لامپ‌های زیادی را  
برای روشن نگه داشتن آن‌ها استفاده کنیم.

اگر چند دوری در رفتارهای بچه‌ها در راهرو وقت کنیم،  
متوجه می‌شویم آن‌ها در عین این که راهرو را دوست دارند، از  
کیفیت فضای آن ناز می‌کنند. بارها بچه‌هایی را دیده‌اید که  
در گوشه‌های راهرو و یا در پله‌ها می‌نشینند و غرق در تصاویر و  
عکس‌هایی می‌شوند که روی دیوار نصب شده‌اند. بارها بچه‌ها را  
در لبه‌های زیر پله دیده‌اید که مشغول غذا خوردن هستند و شاید  
بارها به آن‌ها تذکر داده‌اید که آن‌جا نینشینند. حتی بچه‌هایی که  
در طول راهرو راه می‌روند و درس را مرور می‌کنند و چندین بار  
هم حین مطالعه و راه رفتن، به دیگران برخورد می‌کنند. اما باز  
این کار را انجام می‌دهند چرا؟

بچه‌های ما در طول ساعات حضور در مدرسه، دوست دارند  
دیگر فضاهای مدرسه را نیز تجربه کنند. آن‌ها دوست ندارند تمام  
پنج شش ساعتی که در مدرسه هستند، فقط در فضای بسته‌ی  
کلاس، روی صندلی‌های خود بنشینند. بعد هم خیلی منظم به  
حیاط بروند و دوباره به کلاس برگردند. آن‌ها دوست دارند در  
برخی از زمان‌های کوتاهی که مال خودشان است، در جایی  
خلوت و یا استراحت کنند. در راهروها بنویسند و یا گپی دوستانه  
و چند نفری داشته باشند. در حالی که معماری معمول مدرسه‌ها  
که شامل راهرویی ساده و چند کلاس است، این حق را از آن‌ها  
گرفته است.

فرض کنید راهروهایی داشتیم که نور طبیعی را وارد فضا  
می‌کردند؛ چه از سقف و چه از دیوارها؛ با سایه‌بان‌های خوبی

راهرویی خوب است که  
سرشار از نور طبیعی، فضاهایی  
برای یادگیری و جاهایی برای  
نشستن بچه‌ها با مبلمان  
راحت و نرم باشد

samaneh@irvani.com

# همپاری

لیلی محمدحسین

## آموزش و پرورش در جهان

کنند معمولاً مورد توجهی بالایی برخوردار می‌گردد. معلمان باید الگوهای ارتباطی متقابل بین دانش آموزان را متشکل دهند. این ساختار بر میزان یادگیری دانش آموزان، احساسات نسبت به مدرسه و معیاد احساسات نسبت به هم و غیره متغیر است. تاثیر زیادی می‌گذارد. دانش آموزان هنگام یادگیری به سه روش اساسی با هم ارتباط برقرار می‌کنند می‌تواند به هم رفتار کند یا مسدود کند. یکی «پهلوین» است؛ ممکن است بدون توجه به دانش آموزان دیگر، برای رسیدن به هدف، به طور فردی کار کنند؛ ممکن است با علاقه به یادگیری با یکدیگر، به شیوه‌ی همپاری کار کنند.

تیرخال خامبر، در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، شیوه‌ی رقابتی بر روابط دانش آموزان حاکم است. البته تحقیقات نشان می‌دهند، اکثریت وسیعی از دانش آموزان تیر خالات متحده‌ی آمریکا، مترس را چون مؤسسه‌ی می‌دانند که در آن هر فرد می‌کند کار را از دانش آموزان دیگر بهتر انجام دهد. این انتظار رقابتی، وقتی دانش آموزان وارد مدرسه می‌شوند، وسیع است و همین است که در مدرسه پیش می‌روند این انتظار، منتهی هم می‌شود. خاسون و جاسون، ۱۹۹۱] همپاری بین دانش آموزان که به موفقیت‌های یکدیگر خوش‌حال می‌شوند، هم‌دیگر را به انجام تکلیف تشویق می‌کنند و نادمی‌گیرند و وجود تفاوت‌ها، تا هم کار کنند، هنوز بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد.

استفاده از روش‌های ساختاردار همپاری، علاوه بر غویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات بین فردی دانش آموزان، بسرعت تحفیلی آنان را نیز غویت می‌کند. در مدارس ژاپن، آموزش زبان انگلیسی با مشکل جدی مواجه است. کلاس‌ها با روش ترجمه‌داره می‌شوند و توانایی دانش آموزان ژاپنی در صحبت کردن و درک مطلب از راه گوش خیلی خوب است. به همین علت، وزارت آموزش و پرورش ژاپن با کاری تحقیقاتی، معلمان زبان انگلیسی را به استفاده از روش‌های همپاری تشویق کرده است. تحقیقات نشان داده است استفاده از این روش‌ها، در تقویت مهارت‌های مکالمه‌ی دانش آموزان بسیار اثر بخش بوده است. چارچوب استفاده از این روش در کلاس‌های زبان انگلیسی ژاپنی بر این صورت است: ابتدا از این قرار است تا استفاده از کتابی که به زبان می‌تواند معنی صحبت از این موضوع‌ها، دارد از ابتدا دانش آموزان مطلع می‌شوند. به زبان

کلیدواژه‌ها: کار گروهی، همپاری، دانش آموزان

اشاره

از آثار و برکات کار گروهی می‌توان به تبدیل شدن فضای «رقابت» به «رفاقت» نام برد؛ فضایی که در آن یادگیری با انگیزه‌ی درونی و نشاط همراه است. اما کار گروهی زمانی می‌تواند اثربخشی لازم را داشته باشد که بر اساس ساختار و روش مشخصی طراحی و پیاده شود. در نوشته‌ی زیر، با چند قاعده‌ی مهم کار گروهی انسانی شویم.



کاری که امروز بجهت ما چه می‌تواند انجام دهند. فردا به تهرانی انجام خواهند داد. الب و کوسکی، ۱۹۶۲]

مزوری بر ادبیات استفاده از روش‌های همپاری در کشورها نشان می‌دهد. معمولاً در نظام‌های آموزشی، برای آموزش معلمان در ارائه‌ی مواد آموزشی (کتاب‌های درسی، برنامه‌های آموزشی و از این قبیل) و همچنین در فرایر از با ما معلمان دانش آموزان، وقت زیادی صرف می‌شود این که دانش آموزان چه طور با هم ارتباط برقرار





**استفاده از روش‌های ساختاردار همیاری، علاوه بر تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات بین فردی دانش‌آموزان، پیشرفت تحصیلی آنان را نیز تقویت می‌کند**

این تمرین‌ها انجام نشوند، دانش‌آموزان آماده‌ی انجام فعالیت‌های یادگیری در گروه نخواهند بود.

۳. قبل از انجام فعالیت‌ها، دانش‌آموزان باید بدانند عواقب عدم پیروی از قوانین چیست. مثل این که اگر نتوانند در گروه رفتار مورد انتظار را داشته باشند مجبورند کار را به تنهایی به اتمام برسانند در واقع می‌تواند دانش‌آموزان نوعی قرارداد رفتاری کتبی نیز داشته باشید. ممکن است از دانش‌آموزان بخواهید همه این قرارداد رفتاری را امضا کنند و بعد آن را به دیوار کلاس نصب کنید.

۴. بعد از اتمام هر فعالیت، از دانش‌آموزان بخواهید کار گروهی‌شان را بررسی کنند. این بررسی نشان می‌دهد که آیا همه‌ی اعضای گروه در انجام فعالیت همکاری کرده‌اند و اعضای گروه این فرصت را می‌یابند تا همدیگر را ارزیابی کنند و برای کار گروهی اثربخش‌تر به هم کمک کنند؟

۵. حتماً برای این که به دانش‌آموزان اطلاع دهید زمان انجام فعالیت به اتمام رسیده است، از وسیله‌ی دیگری به غیر از صدای خودتان استفاده کنید. می‌توانید از صدای زنگ خاموش و روشن کردن چراغ‌های کلاس و از این قبیل نشانه‌ها استفاده کنید. وقتی دانش‌آموزان مشغول گفتگو در گروه هستند، ممکن است متوجه صدای شما نشوند.

۶. زمانی که دانش‌آموزان مشغول کار در گروه هستند، حتماً در کلاس قدم بزنید و کار گروه‌ها را کنترل کنید. این زمان، بهترین فرصت برای مشاهده‌ی کار دانش‌آموزان و ارزیابی فعالیت‌هایی است که طراحی کرده‌اید. این فرصت ارزشمند را صرف کارهای دیگری مانند تهیه‌ی طرح درس برای جلسه‌ی آینده و یا تصحیح اوراق نکنید.

**پی‌نوشت**

1. Let Vygotsky
2. Multi-level Models
3. Third International Mathematics and Science Study

**منابع**

1. Gilfert Susan & Croker Robert, Dialog Performances: Developing Effective Communication Strategies for Non-English Majors in Japanese Universities, published in The Aichi Gakuin Research Journal, General Education faculty #45, Volume 2, pp. 33-49 November, 1997, neshj.org/Techniques/Gilfert-DialogPerform.html

2. Frempong George, EXPLORING EXCELLENCE AND EQUITY WITHIN CANADIAN MATHEMATICS CLASSROOMS, [http://www.emis.de/proceedings/PME29/PME29RRPapers/PME\\_29Vol2Frempong.pdf](http://www.emis.de/proceedings/PME29/PME29RRPapers/PME_29Vol2Frempong.pdf)

3. <http://www.brighthub.com/education/k-12/articles/19616.aspx>

جلسه‌ی کلاس، به کدام موقعیت و گفتگو می‌پردازند. دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک دو نفره یا بیست‌نفر، در کلاس درس حداقل به مدت ۳۰ دقیقه برای ساختن گفتگو کار می‌کنند و با استفاده از هدایت معلم و معانی که در اختیار دارند می‌کوشند مکالمه‌های کتاب را به میل خود تعبیر دهند و به کمک هم طوری آماده شوند که بتوانند گفتگو ساخته شده را برای دانش‌آموزان دیگر اجرا کنند [۱].

معلمان و دانش‌آموزان ژاپنی از این روش لذت می‌برند. این روش مشکل کار کردن با کلاس‌هایی را که تعداد دانش‌آموزان آن زیاد است حل می‌کند. در عین حال، به معلم امکان می‌دهد که با تک تک دانش‌آموزان ارتباط برقرار کند. دانش‌آموزان در سطح توانایی و علاقه‌شان، به زبان انگلیسی کار می‌کنند. روش‌های برقراری ارتباط، به زبان انگلیسی تمرین و تقویت می‌شود. زبان مورد استفاده در کلاس نیز معنادار و برای برقراری ارتباط است.

مثال دیگر از کشور کانادا است که برای ایجاد فرصت‌های برابر در یادگیری آموزش ریاضی برای دانش‌آموزان، کاری تحقیقی درباره‌ی اثربخشی «الگوهای تدریس چندسطحی» انجام داد. البته این کار تحقیقی بعد از گزارش عملکرد دانش‌آموزان کانادایی در آزمون نمره‌ی سال ۱۹۹۵ انجام گرفت. نتیجه‌ی تجربه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق نشان می‌دهد کلاس‌هایی از همه موفق‌تر بودند که معلمان ریاضی متخصص داشتند و اتفاقاً معلمان آن‌ها از گروه‌بندی بنویس ساختار کمتر استفاده می‌کردند و فرصت تعامل با تک‌تک دانش‌آموزان را داشتند. بنابراین، استفاده از کار گروهی بدون ساختار می‌تواند اثر معکوس داشته باشد. در بهترین حالت از این نوع کار گروهی، دانش‌آموزان پاسخ‌هایشان را در اختیار هم قرار می‌دهند. در حالی که درک آنان از مواد آموزشی عمیق‌تر نمی‌شود اما در روش‌های هم‌سازی، معلم قبل از کلاس درس، ساختار کار گروهی را به دقت تدوین می‌کند. به طوری که هر عضو نیم برای یادگیری مواد آموزشی مسئول است [۲]. ارتباطات متقابل با سطح بالایی از مشورت درباره‌ی مسائل، هنگامی رخ می‌دهد که معلمان به طور روشن مسائل را توضیح می‌دهند. راهمایی‌های خاص ارائه می‌دهند و نقش اعضا را در گروه مشخص می‌کنند.

همان‌طور که در این تحقیق نیز روشن شده است، برای اجرای روش‌های هم‌سازی در کلاس درس (کار گروهی یا ساختار) باید قبل از کلاس طراحی آموزشی به طور دقیق انجام شود و در حین کلاس، دانش‌آموزان با راهنمایی‌های دقیق معلم هدایت شوند. آن‌چه در زیر می‌آید، توصیه‌هایی برای مدیریت مؤثر کلاس به هنگام استفاده از روش‌های هم‌سازی است [۳].

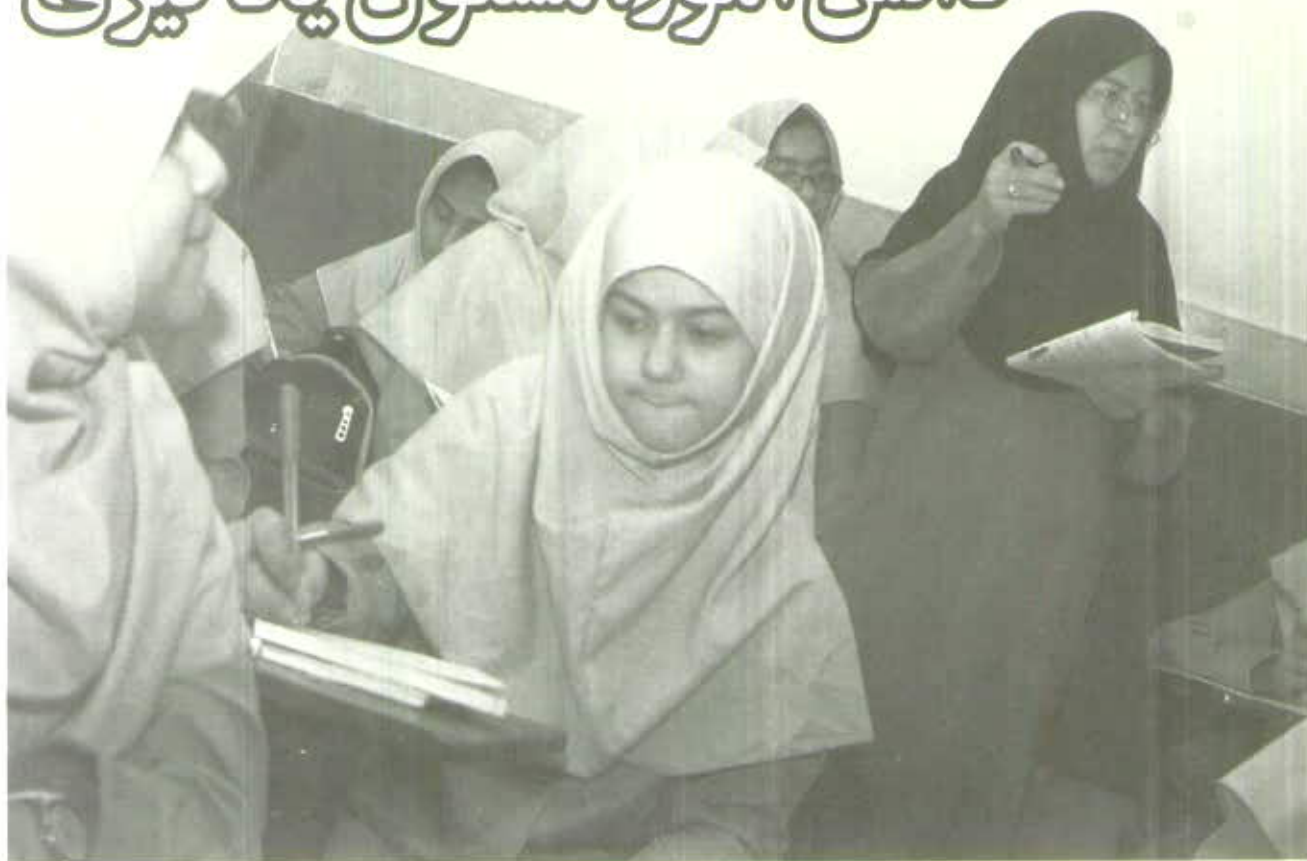
۱. قبل از این که هر نوع کار گروهی را شروع کنید، دقیقاً به دانش‌آموزان بگویید چه نوع رفتاری را از آن‌ها انتظار دارید. به آن‌ها بگویید چه قدر بلند می‌توانند صحبت کنند و آیا اجازه دارند ضمن کار از سر جایشان بلند شوند؟ نشانه‌های زمان پایان فعالیت را نیز برایشان توضیح دهید.

۲. بعد از این که دانش‌آموزان از انتظارات شما مطلع شدند، آن‌ها را تمرین کنید. آن‌ها را گروه‌بندی کنید و بگذارید با بلند کردن صدای مورد انتظارشان، با هم صحبت کنند. به خاطر داشته باشید تا

دکتر یدالله سعیدنیا

## نقدروش‌های جاری در مدارس

# دانش آموز، مسئول یادگیری



کلیدواژه‌ها: آموزش، تدریس، یادگیری.

قبل از شروع به این کار باید امروزی‌باشد که نظری به بازبختی تشکیل نظام‌های آموزشی بنگریم. قطعاً نظام متمرکز که در آن آموزش همگانی باشد و برابری باقی بماند، یافته‌های تخصصی متکی باشد قدمتی بیش از چند سال ندارد (۱). در واقع، جوامع متمسک به وضع قوانین پس از اکتشاف کوشش‌های حقوق کودکان و بوجوه آن در برخی موارد، کند و چولنه‌ها مویلف‌سند که به کمک به نتایج آموزشی یا توسعه‌ای آموزش، عدالت اجتماعی و رفاه کشور (۲).

### اشاره

در ادامه‌ی مطالب شماره‌های قبلی، می‌خواهیم در این شماره، به کمک شما به تدوینی متفاوت از آموزش دست بزنیم. عناصر اصلی این رویکرد بر نیاز فرد، وراثت، توانایی‌های ذاتی، فطرت، حق انتخاب و انگیزه‌ی درونی متکی هستند.



این حرکت جهانی نتایج بسیار درخشانی در پی داشته. تعداد باسوادها زیاد شد، سطح فرهنگی بالا رفت و توان انسان‌ها برای رشد فردی افزایش یافت. اما روی دیگر سکه‌ی این آموزش همگانی، یکسان و اجباری، وقتی ظاهر شد که این نظام‌ها با انسان عصر جدید هم با همان سازوکار برخورد کردند. در عصر جدید، نیازهای متعالی‌تری نسبت به سواد و دانش بروز کرده بود. نظام‌های آموزشی که قرار بود عدالت اجتماعی را با فراهم ساختن امکان تحصیل برای همه فراهم کنند، به تدریج به ابزارهایی برای واداشتن کودکان به یاد گرفتن موضوعات خاص و یکسان در زمان مشخص تبدیل شدند. در واقع، انسان‌های عصر جدید که دیگر موضوع سواد و دانش برای آن‌ها به آسانی قابل دسترسی بود و نیازهای دیگر و متفاوت پیدا کرده بودند، باز مقید به چارچوب تعیین شده بودند. در واقع می‌توان گفت حق آموزش برای همه، به وظیفه‌ای همگانی تبدیل شد.

هنوز هم سازمان ملل شعار «آموزش برای همه» [۳] را دنبال می‌کند. این نشان می‌دهد که هنوز درصد بسیاری از کودکان از امکان تحصیل محروم‌اند. یعنی دولت‌ها باید امکان آموزش را برای آن‌ها فراهم کنند تا به حداقل سواد دست یابند. سوتفاهم از این‌جا آغاز می‌شود که دولت‌ها این نسخه را به مجوزی برای مجبور کردن همه‌ی کودکان به آموزش مورد نظرشان تبدیل کرده‌اند؛ حتی برای آنان که سواد موضوعی بسیار پیش پا افتاده شده است. زیرا در فضای مملو از تجارب آموزشی، سواد به راحتی، حتی بدون آموزش مستقیم، حاصل می‌شود.

دسی و رایان [۴]، یادگیری خود راهبر و خودانگیخته را رفتاری طبیعی برای کودک می‌دانند. آن‌ها دنبال کشف حقایق و فهمیدن معنی در دنیای اطرافشان هستند. اما هنگامی که وارد مدرسه می‌شوند، نسبت به یادگرفتن مقاوم می‌شوند و تنها در هدایت انگیزه‌های بیرونی و تیروی خارجی که از معلم و مدرسه می‌آید، قرار می‌گیرند.

برای کودک امروز در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مهارت‌های بالاتری مطرح است که بر نیازهای پیشرفته‌تر، فرهنگ و شرایط زندگی واقعی، و تفاوت‌های فردی او مبتنی است. از این بالاتر، کودک امروز می‌تواند براساس نیازهای منحصر به فرد و استعدادهای شخصی خود رشد کند.

کوتاه سخن این که برای کودکان عصر پیش، آن نوع نظام آموزشی که نسخه‌های از پیش تعیین شده را به طور برنامه‌ریزی شده اجرا کند، مزیت تلقی می‌شد، ولی اگر امروز، تغییرات مطابق با شرایط روز در آن داده نشود، به ابزاری برای نابودی استعدادهای، گشش انگیزه‌های درونی، تولید انسان‌های

ناتوان، غیر خلاق، و ناکارآمد تبدیل می‌شود. اینشتین می‌گوید: این که نظام‌های مدرن آموزشی امروزی تاکنون نتوانسته است به طور کامل روحیه‌ی مقدس جست‌وجوگری را نابود کند، پدیده‌ای کمتر از معجزه نیست.

حال به بحث اصلی برمی‌گردیم که قرار بود اصولی جدید را تدوین کنیم، در این راه می‌کوشیم قدم به قدم جلو برویم. یعنی به جای نوشتن اصولی جدید و متفاوت، با طرح نوعی نگرش متفاوت، نتایجی را بررسی کنیم که در روش آموزشی می‌توان گرفت.

شاید یکی از ابتدایی‌ترین قدم‌ها این باشد که اساساً خود را از مقام مسئول آموزش کودکان بودن خلع کنیم. همواره معلمانی وجود دارند که فکر می‌کنند باید کودکان را آموزش دهند و هر راهی را که مؤثرتر می‌دانند به کار برند تا آنان را به مقصد برسانند. بگذارید اصل را بر این بگذاریم که کودک خودش مسئول یاد گرفتن است و معلم خود را کمک کار او می‌داند. ممکن است اصل خیلی مهمی به نظر نیاید و تعبیر زیادی را در روش موجود ایجاد نکنند، ولی اگر نتایج این تعبیر نگاه را که باید در رفتار معلم ظاهر شود، در نظر بگیریم، شاید موضوع مهم‌تر جلوه کند.

این نتایج عبارت‌اند از:

- معلم هرگز از درس نخواندن بچه عصبانی نمی‌شود، زیرا خود بچه مسئول است.
- کودکی که تکلیف نمی‌نویسد، تحقیر نمی‌شود، زیرا خودش مسئول پاسخ‌گویی در مورد یادگیری خود است.
- معلم همواره دلسوزی می‌کند و از خودش و بچه می‌پرسد «چگونه می‌توانم کمکت کنم؟»
- موفقیت بچه‌ها، یا احساس محترم بودن نزد معلم متناظر نیست. بنابراین، موفق نشدن بچه‌ها باعث پرخاش به آن‌ها نمی‌شود.
- معلم عنصر اصلی و مورد توجهی در نظام کنونی است و نقش پررنگی در آموزش دارد. در تغییر نگاه باید گفته **معلم بسیار مهم است، ولی در آموزش نباید نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، در ایجاد زمینه برای یادگیری نقش مهمی دارد.** به زبان ساده، معلم در این نگاه جدید باید:
- آن چه را که دانش‌آموزان می‌توانند خودشان با خواندن منابع یاد بگیرند، تدریس نکند.
- موضوعات آموزشی را طرح کند و جزئیات را به دانش‌آموزان بسپارد.
- مسئله را ایجاد کند و کنار برود تا دانش‌آموزان آن را بیابند.

کودک خودش مسئول یاد گرفتن است و معلم خود را کمک کار او می‌داند

معلم می‌کوشد موضوع یادگیری را با مسائل واقعی زندگی مرتبط کند

### ۳. هر دانش آموزی براساس نیاز و شرایط شخصی خود یاد می گیرد.

برای هر سوال، یکی از گزینه های زیاد، متوسط، کم یا اصلاً را انتخاب کنید و مقابل آن بویسند.

۱. طرح درس دقیقی می نویسم و مطابق زمان بندی پیش می روم.

۲. در جلسه ی اول درس قوانین را بیان می کنم و سرانجام موفقیت در درس را توضیح می دهم.

۳. سعی می کنم همه ی کلاس با هم پیشرفت کنند و فاصله درسی پیدا نکنند.

۴. با تعیین تجربه برای فعالیت های متنوع، آن ها را به درس خواندن تشویق می کنم.

۵. به آن ها می آموزم که معلم صلاح آن ها را می خواهد، عریضاً حفظ نظم و آرامش کلاس، شاکردان را زیر نظر گوش دادن به درس کمک می کنم.

۶. هر جلسه تکلیف می دهم با درس ها بررسی شوند.

۸. درس را تا تفهیم کامل تکرار می کنم.

۹. برای ایام تعطیل و عید نکالقی را تعیین می کنم تا درس ها فراموش نشوند.

۱۰. دانش آموزانی را که همیشه در کلاس آرام هستند، تشویق می کنم.

۱۱. از دانش آموزان می خواهم به دقت به درس گوش دهند و سپس آن را تکرار کنند.

۱۲. از دانش آموزان می خواهم از روی درس بخوانند و دیگران گوش بدهند.

۱۳. دانش آموزان قوی را بابت نحوه می برم تا جواب درست را بویسند و دیگران از آن ها یاد بگیرند.

۱۴. تأکید می کنم که در جواب سوالات مانند کتاب بویسند و یاد بگیرند و بگویند.

۱۵. نمرات دانش آموزان را به ترتیب و بلند در کلاس می خوانم.

۱۶. به دانش آموزان حرف گوش کن بادانش می دهم.

۱۷. به دانش آموزان می آموزم که هر چه معلم می گوید درست است.

منابع  
1. <http://www.warkkaton.org.uk/history-of-public-schools.html>  
2. <http://www.unesco.org/en/efi/efi-goals> <http://www.hyperhistory.net/epch/issac/cour06a200education.htm>  
3. <http://www.unesco.org/en/efa>  
4. K. L. & R. J. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. New York: Plenum.

ش. محمدی، رهنمون نظام تربیالی استثنای آموزش و آموزش محسوب می شود. ۱۳۸۶

● رسیدن به نتایج کاملاً یکسان را از دانش آموزان نخواهد.  
● با کمک خودشان مسائل مورد نیازشان را بیابند و برای حل آن ها صانع و مواد لازم را معرفی کند.

● از تبدیل شدن به شخصیتی مقتدر بهره بردار در عین این که باید در موضوع درسی خود تبحر بسیار داشته باشد.  
در واقع، اصول نگاه جدید، با هم بارادامی جدید را می سازند که یکپارچگی دارد با طرح قدم به قدم و اقتصادی، به تدریج این بارادامی روست بر می شود.

اصل دیگر این است که: هر دانش آموزی براساس نیاز و شرایط شخصی خود یاد می گیرد. یعنی معلم به اعمال برنامه ی منون و دقیق تشویق و سبیه نیاز ندارد. هر موضوع یادگیری که مطرح می شود، اگر در حوزه ی نیازهای دانش آموز قرار گیرد، او آن را می آموزد. اگر برای دست یافتن به تشویق مقرر به سراغ آن برود، در واقع آن را نمی آموزد، بلکه نوعی یادگیری سطحی برای کسب تشویق رخ می دهد. به سخن ساده، در چنین کلاسی:

● معلم می گویند موضوع یادگیری را با مسائل واقعی زندگی مرتبط کند.

● دانش آموزان با موضوعات به صورت های متفاوت برخورد می کنند و برخی آن را زیاد و سریع، و برخی کم و کند یاد می گیرند.

● معلم برای کسانی که موضوع درس را خوب و سریع یاد گرفته اند، تشویقی به جز بوجه ادینه شناسی و دادن احساس توانمندی در نظر نمی گیرد و هیچ واکنشی هم در برابر دیگر دانش آموزانی که چنین نبودند، نشان نمی دهد.

● برناصهی کلاس این اجازه را به دانش آموزانی می دهد که هر یک در زمان متفاوتی یاد بگیرند مثلاً لازم نیست بعد از یک ساعت یا یک روز و یک هفته، حتماً یاد گرفته باشند. در واقع اگر این اصول به تمامی اجرا شود، منبرسه ها با شکل کنونی فاصله ی غیرقابل توری می گیرند (هر اصل در سطحی مطرح شد که تا حدی قابلیت اجرا در مدارس کنونی را داشته باشد).

شاید آموزنده باشد، با فرض این که این سه اصل را پذیرفته اند، دوباره بررسی نامه ای را که در شماره ی یک مجله آوردیم، مرور کنید این سه اصل دوباره می آیند:

### ۱. خود را از مقام مسئول آموزش کودکان بودن خلق کنیم.

۲. معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، معلم در ایجاد زمینه برای یادگیری نقش پررنگی دارد.



# افضل را دوباره بخوانید

دکتر محمدعلی شامانی

کلیدواژه‌ها: برابری، حق، قانون.

اشاره

یکی از نیازهای اولیه انسان‌ها «امنیت» است. «قانون» چتر امنیت برای همه مردم جامعه است. آشنایی ما با حقوق فردی و اجتماعی، عامل بسیار مهمی برای جلوگیری از تنش‌ها به شمار می‌رود. امید است با تأمل در نوشته‌ی زیر، همه در برابر قانون متواضع و تسلیم باشیم.

بارخوانی فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صراحت از حقوق مربوط به امنیت فردی و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندی سخن به میان آورده است. و البته پیش از آن در فصل اول، بند چهاردهم، اصل سوم چنین آورده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»، از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران شمرده شده و دولت موظف شده است برای نیل به آن اهداف - هدف‌های اصل سوم - همه‌ی امکانات خود را به کار برد. فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - با تبیین حقوق ملت - راه را بر هرگونه استبداد و خودکامگی بسته و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و حقوق شهروندی را در حدود قانون تأکید کرده است.

● همه‌ی مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند (اصل نوزدهم). «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد زبان و مانند این‌ها، سبب امتیاز نخواهد بود.»

این اصل چنان روشن و واضح است که راه را بر هر دریافت نازوایی بسته است.

● همه‌ی مردم در حمایت قانون قرار دارند (اصل بیستم). «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

به نقطه‌ی تأکید این اصل و اصل پیشین توجه کنید... از هر قوم و قبیله - همه‌ی افراد... هیچ استثنایی پذیرفته نیست.

● دادخواهی حق مسلم هر فرد است (اصل سی و چهارم). «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی، به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه‌ی افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»

هر کس می‌تواند به ناگاه مراجعه کند و با طرح دادخواست، حق یا تکلیفی را بخواهد حق مراجعه به دادگاه و طرح شکایت، از حقوق طبیعی هر فردی است.

● حکم به مجازات و اجرا فقط به موجب قانون است (اصل سی و هشتم).

«حکم به مجازات و اجرای آن، باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

● هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است (اصل سی و هفتم).

«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اخبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است.» در پایان، این اصل متخلف را مستحق کیفر می‌داند: «متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

وظیفه‌ی اصلی دادگاه‌ها، احقاق حق و رفع ظلم است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با درک درست از حقوق ملت، برای برهیز از هرگونه انحراف در مسیر اجرای عدالت، اصل علنی بودن دادگاه‌ها را نیز مورد توجه قرار داده است (اصل یکصد و شصت و پنجم).

«محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است. مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

واضح است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با دقت تام و تمام، حقوق ملت را مورد توجه قرار داده است.

به نظر می‌رسد ما بیشتر از همیشه نیازمند آشنایی با قانون هستیم. فصل سوم قانون اساسی را دوباره مطالعه کنیم.



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با دقت تام و تمام، حقوق ملت را مورد توجه قرار داده است

# اینگاه در حجاب



سنگری ۸۹

کتابون رجبی راد

امروز من هم همکار شما هستم. اما اگر بشنید و اندکی جورچین مرا این طرف و آن طرف کنید می بینید من بر هضم از معلمان که مرا پروردند و باعث شد امروزه تصمیم بگیرم این گونه باشیم. من را خاطر خودم برای خودم می نویسم و از معلم معلمان دوباره و چند باره درس می گیرم. من بر اساس می نویسم تا شما هم در این جورچین یا ما شریک شوید. شما هم از تجربه خود برای ما بگویند. در آن جا خاطره های از یک معلم یا برایش نقل می کنم و با بیری را که پس از سال ها بر من دانشه است. من خودی از عمل یک نعمت و شجاعتی از عمل بر خودم - پس از گذشت سال ها - هستم.



امتحان علوم داشتیم. دو نفر تقلب‌کننده‌ی حرفه‌ای، در دو ردیف آخر کلاس و سر میزهای سه نفری نشسته بودیم. امتحان سربوشت‌ساز آخر سال؛ یعنی یا قبولی خرداد می‌خورد نوی کارنامه‌مان یا باید مهمان امتحان‌های شهریور می‌شدیم.

\*\*\*

- «هی، سؤال دو جی می‌شه؟»

با دست جواب را به صورت عدد نشانش دادم. نه خیر، انگار متوجه نمی‌شد دوباره صدام زد: «حسیس بازی درنما! جواب رو بگو!»

نمی‌شد حرف بزنم. راست چشم‌های معلم بودم. معلم علوم مدام می‌رفت بیرون و برمی‌گشت و وقتی برمی‌گشت سرش را می‌انداخت پایین. این دفعه اما یگراست چشم دوخت به چشم‌های من و دوباره نگاهش را برداشت و رفت بیرون. این بار خیلی بیرون ایستاد. راحت می‌شد همه‌ی سؤال‌ها را رساند اما من انگاری خشکم زده بود. یخ کرده بودم. خانم معلم با این‌که می‌دانست دارم تقلب می‌کنم، اما هیچ چیز نگفت و تنها با نگاهش، بدترین کنک‌های دنیا را نثارم کرد. همه‌ی دنیا روی سرم خراب شد. حس تکان خوردن نداشتم. از طرف دیگر، شریک تقلب من، دانشم زیر زیرکی صدایم می‌کرد یا چشم‌های غصه دارم، به او فهماندم که: «دیگر تقلب نخواهم کرد.»

این عهد ناگفته‌ی میان دو جفت چشم، تا هم اکنون نیز ادامه دارد. حالا که من هم معلم، خیلی به رفتار معلم علومم فکر می‌کنم و برایش دعا می‌کنم. یک روز که سر کلاس درس می‌دادم، یکی از بچه‌ها مژه پراند که: «زبان خارجی‌ها به چه درد ما می‌خوره؟» گفتم: «هیچی» و به درس دادن ادامه دادم.

\*\*\*

موقع امتحان، هیچ وقت به دانش‌آموزان نمی‌گویم که بین برگه‌های امتحانی‌تان کیف بگذارید. به آن‌ها اطمینان دارم. اما یک روز مثل روزهای دیگر امتحان، برگه‌ها را که پخش کردم، همان بچه‌ای که از فایده‌ی درس زبان یا بهتر بگویم، از نظر خودش، از بی‌فایده‌ی درس زبان گفته بود، شروع کرد به زیر زیرکی بی‌چیز کردن یا بغل دستی‌اش و در

حالی که برگه‌اش را نشان او می‌داد، سعی داشت سؤالی از دوستش بی‌رسد. من که خودم در سن و سال او با یک نگاه معلم به هم ریخته و عهد کرده بودم تا ابد، در صورت داشتن امکان تقلب هم تقلب نکنم، خیال کردم حتماً دانش‌آموزم هم با یک نگاه متوجه می‌شود.

امتحان کردم، اما فایده‌ای نداشت. نمی‌دانم نگاه کردن من نگاه کردن معلم دوران مدرسه‌ام نبود یا دانش‌آموز امروزی من القباتی کلام صامت را نمی‌دانست. خیلی غیرمستقیم و آرام آرام صدایم را بلند کردم و گفتم: «بچه‌ها جان! نمره‌ای که خودتان بگیرید برایم ارزش دارد، نه نمره‌ی مسورتی. این کتاب درسی‌تان را می‌بینید توی دست من، تا زمانی که باعث تشوید شما دروغ‌نگوید و خطا نکنید، به هیچ دردی نمی‌خوردم.»

صدایی ضعیف از بین بچه‌ها بلند شد که گمان می‌کنم صدای همان کسی بود که داشت تقلب می‌کرد: «خانم، اگه راست می‌گین، پاره‌اش کنین!»

لای کتابم را باز کردم و دو تا از برگه‌های وسط آن را پاره کردم و ریختم زمین. هیچ صدایی جز صدای پاره شدن برگه‌های کتاب به گوش نمی‌رسید. نفس‌ها هم توی سینه‌ها حس شده بود. می‌شد رد صدا را گرفت که ته حلقوم آن دانش‌آموز گیر کرده و مثل یک توپ گنده که برگشته باشد و یگراست تو صورتش خورده باشد، او و تمام بچه‌های کلاس را می‌حکوب کرده بود.

\*\*\*

«اگه لحظه لحظه‌های مدرسه او ملدن توتنه به شما سالم زندگی کردن رو یاد بده، تک تک خاطراتش و کتاباش رو پاره کنین و بریزین دور!»

این آخرین توصیه‌های من برای اولین و آخرین بار به دانش‌آموزانم بود. پشت میزم نشستم. سرم را روی کتابم انداختم و گفتم: «حالا امتحان بدین!»

\*\*\*

برگه‌های بچه‌ها را صحیح کردم. هر کس نمره‌ی خودش را گرفته بود. هرگز ندیدم در کلاس من، یا حتی کلاسی که مراقب جلسه‌ی امتحانی‌اش باشم، کسی تقلب کند. نمی‌دانم، شاید این بار نگاه مرا باور کرده بودند.

# ممسفر نوجوانی

دریغ کلام از دلان

بتول سبزی علی سنجانی

کلیدواژه‌ها: سلامت، تجربه، نوجوانی.

اشاره

مردم، تورهی سرکسی و عیان سینه تلاش نوجوان برای رسیدن دوباره‌ی خویش است و وقتی این کمی به از این می‌رسد، نوجوان روح دمی آغاز می‌شود. نوجوانی که در استان روح نوجوانان از جنس‌ها و تدریجی عظیم همراست است، اما باران سینه مهریانی و تفاوت به بار می‌آورد.

نوجوانی رود خروشان است که هیچکدام از آنها و افتخوس‌ها را دارد به و میر است. اما با خویش به زندگی همه را دارد به جنگ نبرد است به با خویش، نه با دیگران. هر چند ظاهر این نوجوان چون در می‌تواند و جانی به بار می‌آورد. نوجوانی به دنبال بهترین است و شکوفه کردن و رویش به جلاله آن چه می‌بهرد، نوجوانی تورهی نادانی و نشاط است. نوجوان می‌خواهد گوناوی از زندگی را کشف و تجربه کند. تجربه‌ی سادی و بی‌شکوه، کمترین زندگی نوجوان است. هر چند کسانی که در کنار او هستند، تغییرات از عبور سلاب و بود هراس است و ویرانی و عیان و می‌کنند.

انسان برای نادرین حق سینه و تمام لوازم سادی رسون را بی‌نیاز اختیار دارد. اگر مرده موافق دارد که سادی، از این خاسته و رضایت مطلق است. سادی آن گفت زندگی است که همه آرزوی باقیان را دارند و هر کس می‌داند که از آن نوجوانان سینه به نوجوان پیش از هر کس و نوجوانی پیش از هر تورهی زندگی به دنبال تجربه‌ی سادی است. سادی که از این منظر به نوجوان و نوجوانی نگاه کنیم، خواهیم دید نوجوان می‌خواهد تجربه‌ی سادی را با انتخاب‌های خویش و به دست خویش بدست آورد.

هرگاه به یاد نوجوانی می‌افتیم یا نوجوانی را می‌بینیم، انرژی، فعالیت‌ها، تحرک، سرزندگی و خنده در وجودمان جان دوباره‌ای می‌گیرد. امکان تصویر نوجوانی بدون نشاط و شادابی، ممتنع است. مدرسه یکی از بهترین محیط‌هایی است که می‌توان به نشاط و انرژی نوجوان توجه خاص کرد و با شادکامی و رضایتمندی، فضای آن را عطراکین ساخت.

بند سینه یک بار همه به این موضوع فکر کنید که نوجوانان برای چه به مدرسه می‌آیند و از ما چه می‌مورند؟ سینه به فاضله‌ی ورودی‌ها و خروجی‌های مدرسه بستند. فاضله‌ی استهلا، انرژی و شایخ و سینه‌های تلاش‌های جانی و آموزشی مان. به سینه یک بار دیگر به اتفاقی به نام نوجوانی فکر کنید. اتفاقی که جاذبه‌ها و هراس‌هایی تل شعوت‌مان می‌کند.

همان که همواره تجربه‌ی سادی کرده‌ایم و هنوز می‌توانیم نوجوانی تولد دوباره‌ی انسان است. من به عنوان معلم این روش را هزار بار دیده‌ام. اما تنها زمانی حس می‌کنم که این نوجوانان باز شد که بر هراس‌های خویش جسم سینه من پاره‌سینه بیایدی گرم این سینه را ناب آورده با سروار روانه را اثرات کجور در نوم انسان با به زندگی معمولی می‌گذارد. تولد دوباره‌ی انسان به جیرین روح آدمی همه را است. نوجوانی بر جلاله باور عموم

نوجوانان برای زندگی کردن و تجربه‌ی شادکامی و شادابی یا به مدرسه می‌گذارند و رنج و تعب تحصیل را بر خویش هموار می‌سازند







**نوجوان می خواهد تجربه‌ی شادی را با انتخاب‌های خویش و به دست خویش بدست آورد**

امادگی بیشتری پیدا می‌کند و اعتماد به خویش و امید به آینده در او افزون‌تر می‌شود. اما وقتی غمگین است، زندگی در نظرش تیره و تار، تأثیرآمیز، پزیشان‌کننده و حتی بی‌پوده جلوه می‌کند. از مردم روی‌گردان و در کارها سست و بی‌اراده است و آن‌ها را به انجام نمی‌رساند.

شادکامی باعث نشاط روحی، سلامت بدنی، رشد علمی، تحصیلی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی می‌شود. شادکامی احساسی است که همه خواهان آن هستند، اما تعداد کمی از ما به آن دست می‌یابیم. نشانه‌ی مشخصه‌ی چنین احساسی، قدردانی، احساس درونی، احساس رضایت و علاقه به خود و دیگران است. شادی حالتی پایدار است که فرد میان امیال ارضا شده و کل امیال خود، مطلوب‌ترین نسبت را می‌یابد. به شرط آن که امیال ارضا شده به طور غیرمنتظره اتفاق افتاده باشد. یعنی ما از مصاحبت با فردی که انتظار دیدن آن را نداشته‌ایم، شاد می‌شویم. شادی و شادکامی همانند خوش‌بختی امری نسبی است. اکثر مردم آن‌چه را که با آن برخورد می‌کنند، به صورت بد یا خوب مورد ارزش‌یابی قرار می‌دهند. این امر اتفاقی تربیتی است. ناگهانی به وجود نمی‌آید. تدریجی شکل می‌گیرد. در خلال ارتباطات اجتماعی می‌یابد و می‌رود. در خانه پایه‌ریزی می‌شود. در مدرسه توسعه پیدا می‌کند. در جامعه به کار بسته می‌شود.

انسان می‌تواند از راه نگرش‌ها و افکارش، باربک‌ترین و دقیق‌ترین جنبه‌های بیوشیمیایی و فیزیولوژیایی جسم خود را تنظیم کند. هر چند عوامل ژنتیکی ظاهراً از مهار و کنترل ما خارج هستند، اما در واقع امر، بیماری‌های ژنتیکی نیز به اعتقادات و روش زندگی ما بستگی زیادی دارد. شادکامی می‌تواند انسان را برای ادامه‌ی زندگی به راه‌های مثبت‌تر رهنمون کند، زیرا هیجان مثبت ناشی از شادکامی، به مسئله‌گشایی موفق و تأمل بیشتر در زندگی می‌انجامد. هم‌چنین، شادکامی اثرات مثبتی بر ادراک، شناخت و تعاضل اجتماعی دارد و در افزایش خلاقیت و عمر طولانی نیز مؤثر است. تجربه‌ی معلمی من گواهی صادق است. بر این‌که: نوجوانی که شادکامی را تجربه می‌کند، بهتر تحصیل و زندگی را از سر می‌گذراند و راه خویش را به آینده باز می‌کند.

شادکامی نوعی ارزش‌یابی است که فرد از خود و زندگی‌اش دارد و مواردی از قبیل خسودی از زندگی، هنجاری و خلق مثبت، فقدان افسردگی و اضطراب را شامل می‌شود و جنبه‌های مختلف آن نیز شکل شناخت‌ها و عواطف است. یکی از روش‌های برخورداری از شادکامی که به عنوان حمایت‌کننده‌ی عاطفی و وسیله‌ای برای تفسیر مثبت رویدادهای زندگی در نظر گرفته شده است، دانشن مهارت برقراری ارتباط مؤثر و مناسب است. روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی و دوست داشتن دیگران و طبیعت، از اجزای شادکامی است.

شادکامی و نشاط به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر، به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر مجموعه‌ی زندگی انسان دارد، همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. افراد می‌توانند زندگی‌شان را به صورت قضاوت کلی (مانند رضامندی از زندگی یا احساس خرسندی) یا به صورت ارزیابی از حیطه‌های خاص زندگی‌شان با احساسات هیجانی اخیر خود را در رابطه با آن‌چه برایشان رخ داده است (هیجانان خوشایند که از ارزیابی مثبت تحریبات فردی ناشی می‌شود و سطوح پایین احساسات ناخوشایند که از ارزیابی‌های منفی تحریبات فردی ناشی می‌شود) بررسی و ارزیابی کنند.

مدرسه فرصت مناسبی برای شکل دادن به این ماحراست. درست است که مدرسه آموزشگاه است، درست است که این آموزشگاه آموزش و یادگیری آموزشگاهی را در اهداف خویش قرار داده است، اما نوجوانان برای زندگی کردن و تجربه‌ی شادکامی و شادایی پایه مدرسه می‌گذارند و رنج و تعب تحصیل را بر خویش هموار می‌سازند. این فرصت را باید لایه‌لایه درس و تحصیل برای آنان فراهم کرد. باید گذاشت آنان تجربه کنند زندگی را، نشاط را و شادمانی را.

هر کسی در موقعیتی از زندگی تعبیر متفاوتی از شادمانی دارد. با این همه، میزان شادمانی ما به واکنش‌های هیجانی‌مان در برابر هزاران رویدادی بستگی دارد که زندگی روزمره را بر می‌کنند. بسته به وضعیت زندگی، شادمانی فرد از عوامل زیادی تأثیر می‌پذیرد.

ناکامی‌ها جلوی زندگی سالم را سد نمی‌کنند. کمبود شادی است که راه را بر جریان زندگی سالم می‌بندد. افراد شاد به گونه‌ای متفاوت از افراد غمگین فکر می‌کنند. آن‌ها نگرش مثبتی درباره‌ی مسائل دارند. اهداف واقعی و زندگی هدفمندی دارند. آن‌ها می‌توانند بخش جذاب موضوعات را مورد توجه قرار دهند. خود را سرزنش نمی‌کنند. وقتی اتفاق بدی پیش می‌آید، معتقدند که می‌توانند آن را کنترل کنند.

احساس شادی، احساس نسبی در ارتباط با خود و از سوی دیگر در فرایند اجتماعی است. هر کس از چیزی و از راه و روش خاصی شاد می‌شود. وقتی انسان خوش‌حال است، دنیا را دل‌پذیر می‌یابد. انسان‌تر و بهتر تصمیم می‌گیرد. روابط او با مردم صمیمت‌آمیزتر و استوارتر می‌شود. برای باری رساندن به دیگران،



# فایده‌های آموزشی وبلاگ

سپیده شهیدی

## اشاره

و پس از گذشت مدت زمانی، به دلایلی چون عدم یادگیری عمیق، ممکن است دوباره دچار همین اشکال شود. مثلاً اگر دانش‌آموز پس از اعلام نتایج امتحان، هنگام مشاهده برگه‌اش، جواب‌های غلط را پاک کند و صحیح آن‌ها را بنویسد، در مراجعه‌ی بعدی به برگه، نمی‌تواند در یاد کجای جواب را اشتباه نوشته بوده است، درحالی‌که اگر بر قسمت‌های اشتباه را فقط جمع بکشد و باین‌ان جواب صحیح را بنویسد، در دفعات بعدی، بوجهش به اشتباهالی که کرده بود، جلب می‌شود و این صبح از بروز توبیخ‌های این‌اسیاه می‌شود.

بعضی دانش‌آموزان در هنگام یادگیری، برای آن‌که جلوی هم‌پس و سالان خود نخل شوند، ترجیح می‌دهند اشتباهات خود را بدون آن‌که تصحیح کنند، فقط از دفتر یا ذهن خود و دیگران پاک کنند و این امر مستحلاتی را در یادگیری آنان به وجود می‌آورد. هنگامی‌که از وبلاگ استفاده می‌کنیم، دانش‌آموز آن‌چه را که اموخه است، در پاسخ به سؤالات یا هنگام شرکت در بحث‌ها مطرح می‌کند و معلم این فرصت را دارد که ضمن ارزیابی این اموخه‌ها، هرکجا که لازم بود، آن‌ها را تصحیح کند. گاهی نیز ممکن است این اختلالات توسط اعضای دیگر وبلاگ، اما با نظارت معلم انجام شود. به آن‌ها تخطات اشتباهات دانش‌آموزان پاک نمی‌شود، بلکه به تدریج تصحیح می‌شود که توجه دانش‌آموز به آن‌ها جلب شود و باز دیگر تکرار نشوند.

در شماره‌ی قبل بیان شد، استفاده از وبلاگ در کنار درس، باعث می‌شود دانش‌آموز همواره خود را در فضای علمی کلاس احساس کند و درس خواندن او تنها به فضای مدرسه محدود نشود. دیگر مزیت این امر آن است که در وبلاگ، دانش‌آموز دائماً در معرض ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین، درس خواندن او تنها به شب امتحان موقوف نمی‌شود و این موجب یادگیری عمیق‌تر مطالب می‌شود. هم‌چنین، از آن‌جا که دانش‌آموز باید مطالب خود را در وبلاگ بنویسد، مهارت‌های نوشتاری او بهبود می‌یابد و نیز چون عمل نوشتن به تمرکز و دقت بیشتری نیاز دارد، این امر باعث ماندگاری بهتر مطالب در ذهن او می‌شود.

## تصحیح مستمر اشکالات دانش‌آموزان و بایگانی آن‌ها

دانش‌آموز در روند آموزشی، گاه مطالب کاملاً جدیدی می‌آموزد و گاه دسته‌های قبلی خود را کامل می‌کند. بدیهی است که او در این مسیر ممکن است دچار خطاها یا اشتباهاتی شود. تصحیح به موقع این اشتباهات توسط فردی آگاه مانند معلم، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بخش مهمی از فرایند یادگیری به شمار می‌رود.

بسیاری مواقع، پس از تصحیح اشتباهات دانش‌آموز به کلی فراموشی می‌کند که در آن مقطع اشکال داشته است



از سوی دیگر، روند تغییرات دانش آموز، به صورت تدریجی در وبلاگ ثبت و ضبط می‌شود و برای معلم، دانش آموز یا والدین او به راحتی قابل دسترسی و استناد است. یکی از مواردی که در این خصوص باید به آن توجه بسیاری معطوف کرد، نحوه اصلاح اشتباهات دانش آموزان است. چون در وبلاگ همه چیز ثبت می‌شود و مورد مشاهده‌ی سایرین قرار می‌گیرد، این تصحیح مطالب باید به گونه‌ای یا دقت صورت گیرد تا از ایجاد سرخوردگی در دانش آموز یا آسیب به اعتماد به نفس او جلوگیری شود.

### استفاده از وبلاگ، آموزش را غیررسمی می‌سازد.

همان گونه که بسیاری از ما تجربه کرده‌ایم، یادگیری در محیط‌های غیررسمی، معمولاً برای دانش آموزان دل‌پذیرتر است و مطالبی که در چنین محیط‌هایی آموخته می‌شوند، معمولاً پایداری و دوام بیشتری در ذهن دارند. گاه این محیط غیررسمی ممکن است یک گردش علمی باشد که در آن، دانش آموز بدون آن که خود متوجه باشد، در حال فراگیری مطالب از محیط بیرونی است. گاه این اتفاق در هنگام صحبت و یا خنده و شوخی با گروهی از همسالان یا بزرگ‌ترها رخ می‌دهد و گاهی هنگام بازی یا کاری ساده، بسیاری از ما بعضی از عمیق‌ترین آموخته‌های خود را در کلاس‌های درس رسمی کسب نکرده‌ایم، بلکه آن‌ها را به صورت غیررسمی و در جریان زندگی آموخته‌ایم.

از طرف دیگر، حضور در محیط‌های رسمی آموزشی، برای بعضی افراد تنش‌زا است و این خود مانعی برای یادگیری محسوب می‌شود. گاهی اوقات، افراد در محیط‌های رسمی دچار خودسانسوری می‌شوند. سوالات خود را نمی‌پرسند یا به بعد موکول می‌کنند و پاسخ‌های خود را از ترس غلط بودن بیان نمی‌کنند. گاهی نیز در چنین محیط‌های رسمی، ترس از احتمال یاد نگرفتن مطلب، خود باعث یاد نگرفتن آن می‌شود.

شیوه‌های رسمی هم‌چنین می‌تواند به صورت آموزش‌های غیرمستقیم به کار روند. مثلاً از دانش آموز خواسته می‌شود در مورد مطلبی خاص، در کتاب‌ها یا اینترنت به جست‌وجو بپردازد. در این حالت، دانش آموز در ضمن جست‌وجو برای یافتن مطلب مورد نظر، مطالب دیگری را نیز دربارهی موضوع می‌آموزد. آموختن از راه تحقیق، خود یکی از شیوه‌های مؤثر آموزش است.

با وجود این که بیشترین میزان یادگیری در محیط‌های غیررسمی اتفاق می‌افتد، بیشترین بودجه‌ی یادگیری صرف

راه‌اندازی محیط‌های رسمی می‌شود. برای انتقال موفق اطلاعات، باید به سمت محیط‌های غیررسمی گام برداشت. ایجاد وبلاگ، یکی از بهترین راه‌ها برای رسیدن به این هدف است. در وبلاگ، مانند بعضی دیگر از پدیده‌های آن‌لاین، دانش آموزان و معلمان در تماس مستقیم با یکدیگر نیستند و از این‌رو ارتباط آنان با رعایت بعضی حدود، می‌تواند شکلی متفاوت از آن‌چه در کلاس هست، داشته باشد. وقتی در وبلاگ، محیط کمی غیررسمی‌تر از کلاس درس باشد، دانش آموز راحت‌تر به بیان سوالات و مطالب خود می‌پردازد و از این که مبادا اشتباه کند، کمتر می‌ترسد. از سوی دیگر، در بسیاری از صحبت‌ها یا بحث‌هایی که میان اعضای وبلاگ درمی‌گیرد، دانش آموز به طور غیرمستقیم مطالبی را می‌آموزد. این نوع آموزش غیرمستقیم، هم‌چنین می‌تواند از طریق گفت‌گویی مستقیم (Chat) میان دانش آموزان و معلمان، در وبسایت‌هایی که چنین امکاناتی را دارد، صورت پذیرد. موضوعی که در این بخش باید به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد، این است که در محیط‌های غیررسمی، احتمال به بیراهه رفتن بحث زیاد است. از این‌رو، معلم باید نقش هدایتگر مؤثری را داشته باشد که ضمن حفظ این فضای غیررسمی، دائماً بحث‌ها را به سمت موضوع مورد نظر هدایت و از اتلاف وقت یا پراکندگی ذهن دانش آموزان با طرح مطالب غیرضروری، جلوگیری کند.

هنگامی که از وبلاگ استفاده می‌کنیم، دانش آموز آن‌چه را که آموخته است، در پاسخ به سوالات یا هنگام شرکت در بحث‌ها مطرح می‌کند و معلم این فرصت را دارد که ضمن ارزیابی این آموخته‌ها، هر کجا که لازم بود، آن‌ها را تصحیح کند.

وقتی در وبلاگ، محیط کمی غیررسمی‌تر از کلاس درس باشد، دانش آموز راحت‌تر به بیان سوالات و مطالب خود می‌پردازد و از این که مبادا اشتباه کند، کمتر می‌ترسد.

آموزش غیرمستقیم	آموزش مستقیم	
انجام یک جست‌وجوی (Search) اینترنتی، مثال: Google	آماده‌سازی، انجام، مشاهده یا گوش کردن یک ارائه‌ی مطلب، مثال: slideshare Blogger	آموزش رسمی
چت کردن با معلمان یا دانش آموزان دیگر، مثال: skype	نوشتن کارهای انجام شده توسط دانش آموزان، پرسش و پاسخ، به بحث گذاشتن مطالب، مثال: Blogger	آموزش غیررسمی

# گایگای ورزشی



گردآورنده: نفیسه ثبات

## اشاره

ورزش و بازی از مهم‌ترین روش‌ها برای ایجاد نشاط، شادابی و امید به زندگی است. ازادگان سرافراز میهن اسلامی‌مان، با وجود کمترین امکانات و بیشترین محدودیت‌ها، توانستند با برنامه‌ریزی دقیق و قانونمند، امکان بهره‌مندی از نشاط و شادابی حاصل از ورزش و بازی را هم برای بازیکنان و هم برای تماشاگران مهیا کنند؛ تجربه‌هایی ارزشمند که می‌تواند برای ما آموزه‌هایی فراوانی داشته باشد.



**عبدالرزاق موسوی**، مسئول ورزش اردوگاه، با **محمود شرافتی**، فرماندهی اردوگاه، توی افاق فرمانده نشستند. بودند روی پاکت یودر لباس شویی برنامه‌ی لیگ‌ها را می‌نوشتند. چهار پنج تا توپ بیشتر نداشتیم. قرار شد هر آسایشگاه یک تیم بدهد، هر تیم فقط هشت نفر، با یک مربی.

همان جا این‌نامه‌ی داوری را نوشتند عبدالرزاق معلم ورزش بود و کارت داوری داشته این چیزها را بلد بود. خودش داور شد تا کم‌کم بقیه هم آموزش ببینند قانون‌هایی که می‌نوشت، مخصوص اسارت بود؛ اگر سرباز عراقی آمد توپ را از وسط زمین برداشت و رفت، کدام تیم باید بازی را شروع کند. اگر پنج دقیقه‌ی اول بازی توپ را گرفتند چه کنیم؟ اگر در پنج دقیقه دوم بود چه‌طور. اگر توپ بخورد تو خط دروازه، چه‌قدر بالاترش گل حساب می‌شود. دروازه که نداشتیم، دو تا دیوار این طرف و آن طرف زمین بود که رویش خط کشیده بودیم.

حسی این همه کار هم جواب‌گوی بچه‌ها نبود. از یک آسایشگاه ۱۴۰-۱۳۰ نفری، هشت نفر خیلی کم بود. تیم دوم برای هر آسایشگاه گذاشتیم. بعضی از تیم‌ها خیلی ضعیف بودند یکی ۱۰ تا گل می‌خورد تا یک گل بزنند این‌طوری کیفیت بازی می‌آمد پایین. عبدالرزاق، تیم‌های دسته ۱ و دسته‌های ۲ و ۳ برای هر آسایشگاه گذاشت، دسته ۱ها با هم مسابقه می‌دادند و ۲ها با هم. گاهی بعضی‌ها پیشرفت می‌کردند از دسته ۳ می‌رسیدند به دسته ۱، برعکسش هم بود، خیلی‌ها وقت نمی‌کردند تمرین کنند، بدنشان افت می‌کرد از دسته ۱ می‌رفتند دسته ۲. یک گروه برای انتخاب بازیکن‌ها گذاشته بود، از آن‌ها تست می‌گرفتند. یک گروه فنی - داوری هم بود که آموزش داوری هم می‌دادند. کم‌کم دسته‌ی ۴ هم راه افتاد.

برای هر آسایشگاه یک مسئول ورزش گذاشتیم که همه زیر نظر عبدالرزاق بودند. چند وقت بعد، صلیب سرخ چند تا توپ والیبال هم به ما داد همین کارها را برای والیبال هم کردیم، بسکتبال و یینگ‌پنگ و هندبال هم همین‌طور. آخر کار نزدیک ۱۷۳ تا تیم داشتیم. زمان بازی‌ها باید هماهنگ می‌شد. یک لحظه هم زمین خالی نمی‌ماند. هنوز این بازی تمام نشده، تیم بعدی لباس پوشیده پشت زمین

خودشان را گرم می‌کردند تا بیایند تو. داورهاشان آماده، سوت به دست منتظر بودند. جا کم بود. همه هم دلشان می‌خواست بازی یا نگاه کنند. مسئول رسیدگی به تخلفات داورها هم داشتیم که گاهی رأی می‌دادند یک داور یا یک تیم حذف می‌شد.

دهه‌ی فجر فقط دسته ۱ها با هم مسابقه می‌دادند هر روز مسابقه داشتیم. آن قدر بالا می‌گرفت که خود عراقی‌ها هم می‌آمدند تماشا. بعد از ۱۰ روز، قهرمان اردوگاه معلوم می‌شد.

با پتو برانکار درست کرده بودیم. دو تا از بهیاریا همیشه پای زمین بودند. آن‌ها که ضرب می‌دیدند، یا سرپایی کنار زمین روبه‌راه می‌شدند یا می‌بردندشان بیمارستان پیش دکتر فرهاد. بچه‌ها با مقوا یک آمبول بزرگ قد یک آدم درست کرده بودند. تا داور بهیاریا را صدا می‌کرد، این‌ها هم با آمبولشان می‌دویدند توی زمین، روده بر می‌شدیم.

بچه‌ها با همین گیوه‌ها بازی می‌کردند. بعضی وقت‌ها گیوه‌هایشان پاره می‌شد توپ‌ها هم پاره می‌شد. از چرم توپ‌ها گیوه درست می‌کردند.

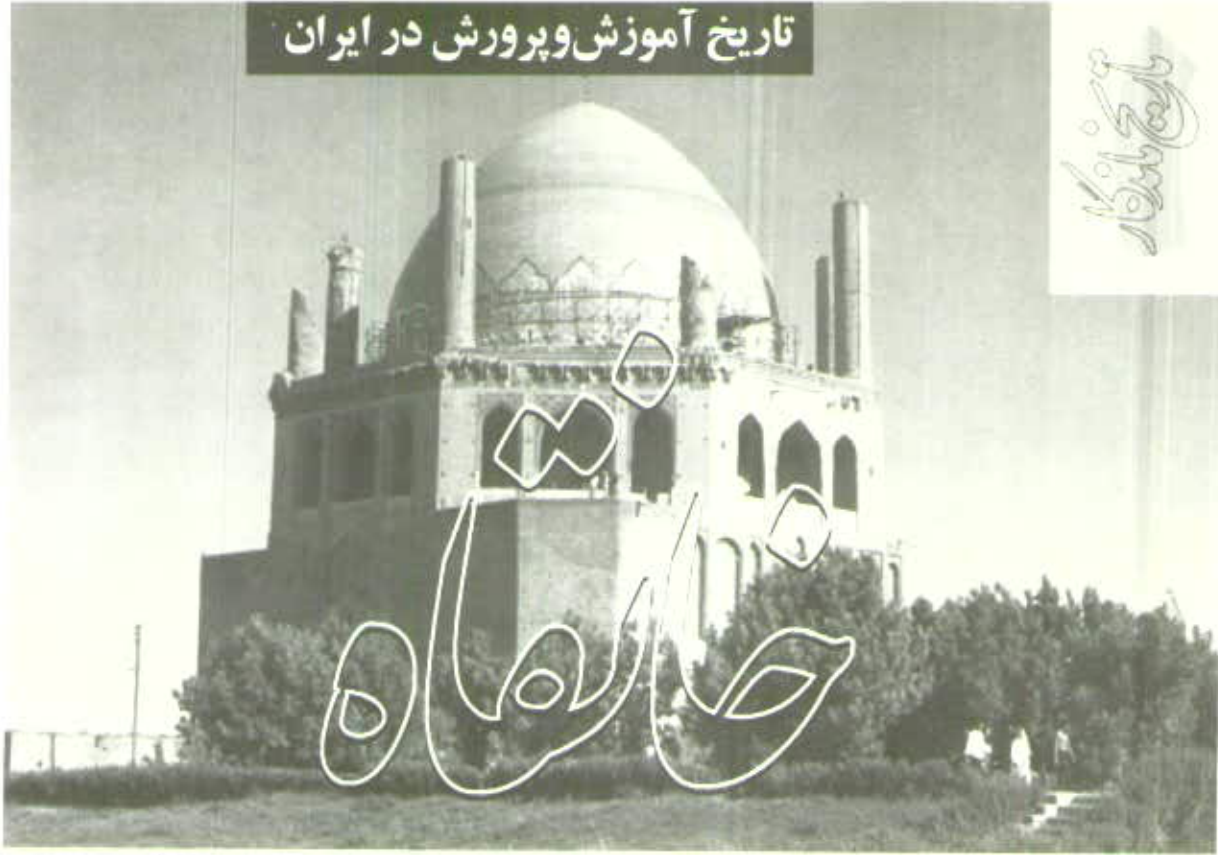
خیلی از ورزش‌ها ممنوع بود ورزش‌های رزمی، کشتی، تکواندو و... ولی بچه‌ها کوتاه نمی‌آمدند. مخفیانه از تمام این‌ها تیم داشتند. **روح‌الله ندرلو و رسول ملابری** مربی‌های کشتی بودند. توی مسابقه‌ی دهه‌ی فجر، بعد از فوتبال، کشتی خیلی شلوغ می‌شد. وزن کشتی‌شان تو آشپزخانه با روح‌الله بود. می‌رفتند روی باسکول گوشت، چند تا تشک را به هم می‌چسباندند، رویش پتو می‌کشیدند. بچه‌ها دورتادور می‌ایستادند. پشت دو تا راکت امتیازها را نوشته بودند. داورها راکت‌ها را بالا و پایین می‌بردند، امتیاز می‌دادند.

یک روز **مقداد**، سرباز عراقی، توی حیاط پشت یکی از آسایشگاه‌ها داد و بی‌داد راه انداخته بود. سرگرد **طاها** را آورده بود و می‌گفت: «سیدی، والله خسته عشر دقیقه انا شوقو... والله جودیو». «به خدا ۱۵ دقیقه خودم با چشم‌های خودم دیدم که داشت تو آسایشگاه تمرین جودو می‌کرد. تا من رو دید، گفت الله اکبر و ایستاد به نماز.»

نمی‌توانستند چیزی را ثابت کنند، ولی حساس می‌شدند، گیر می‌دادند.

**مسئول رسیدگی به تخلفات داورها هم داشتیم که گاهی رأی می‌دادند یک داور یا یک تیم حذف می‌شد**

**خیلی از ورزش‌ها ممنوع بود. ورزش‌های رزمی، کشتی، تکواندو و... ولی بچه‌ها کوتاه نمی‌آمدند**



فاطمه محمودیان

کلیدواژه‌ها: علم‌پرستان، دوره صفویه، دوره قاجار، دوره پهلوی

اشاره

پس از رشد و گسترش روزافزون اسلام، بیش از پیش به تاسیس مراکز علمی و فرهنگی، احساس نیاز شد. حکومت‌ها و فرقه‌های مذهبی در اکثر شهرها و مراکز جمعیت، به تشکیل مدارس و موسسات آموزشی اقدام کردند. اکثر مساجد بزرگ یا مراکز علمی، در کنار خود کتابخانه‌ای مجهز و قابل استفاده در اختیار داشتند. در قرن چهارم، برای تعلیم علوم دینی و ادبی، اماکن خاصی به نام مدارس معمول شدند. یکی از مهم‌ترین اقدامات در امر آموزش و تاسیس مدارس حکومتی، توسط خواجه نظام‌الملک انجام گرفت. وی با تاسیس مدارس نظامیه در سراسر قلمروی اسلامی، تاثیر بسزایی در توسعه و گسترش مدارس در جهان گذاشت.

۱- خطای قوم مغول و تیموریان، آثار فاجعه‌آفرینی در زندگی مردم این سرزمین به جای ماند بعدها بعضی از بنیادین مغول به اسلام روی آوردند و تحت تاثیر تعالیم اسلامی، آسایش و نگرانی ایران کردند مانند خاقان، مشاهد و غیره.

مراکز علمی این دوره عبارت بودند از: رستخانه‌های مسافران، مسجدها، شب‌خانه‌ها و سلطانیه

## ویژگی‌های فرهنگی دوره صفویه

۱- روی کار آمدن صفویه، آثار قوی العاده‌ای در فرهنگ دینی و علوم گسترده‌ای در زمینه علم‌پرستان به وجود آمد. بعضی خصوصیات این دوره عبارت است از:

۱- شاهان این سلسله مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کردند و زبانی عریضی را برای اجازت و گسترش وحدت مس و روح و برخی مذهب شیعه فراهم آوردند.

۲- به مذهب شیعه بیش از هر نهاد و اجتماع دیگری توجه شد و به تبع آن، علمای دینی از مقام و موقعیت ویژه‌ای برخوردار شدند که تا آن زمان سابقه نداشته بود. علوم غالیه صرفاً به فقها اطلاق می‌شد.

۳- تعداد مدارس دینی روز به روز افزایش یافت و فعالیت دینی چند برابر شد و روحانیان، محتاج نبود و قدرت قوی العاده‌ای پیدا کردند.

۴- مساجد زیادی باسقف، تکمیل و ترمیم شدند و توسعه دادند، زیادی را به خود اختصاص دادند.

۵- شاه‌کتابخانه‌های مذهبی که تا قبل از این بوده به زبان عربی نوشته می‌شد، به زبان فارسی نوشته می‌شد.





در این دوره، هنر معماری، خطاطی، نقاشی و کاشی کاری به اوج خود رسید و اصفهان به صورت موزه‌ای از آثار هنرمندان این دوره درآمد.

از مدارس و مراکز علمی این دوره می‌توان مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه‌ی چهارباغ اصفهان و مدرسه‌ی ملاعباده را نام برد. از جمله مدارس عهد صفویه عبارت‌اند از: مدرسه‌ی نواب در مشهد، و مدارس هاشمیه، حکیم، مجید، مقیمیه، خان امامیه، اعیانیه و... در شیراز.

### تعلیم و تربیت در دوره‌ی صفویه

با تدوین کتاب‌های جسم‌گیری دربارهی تعلیم و تربیت و آموزش‌های دینی، زمینه برای گسترش این شاخه فراهم آمد. این کتاب‌ها که اکثراً با استنباط از قرآن و استفاده از احادیث معتبر به رشنه‌ی تحریر درآمدند، در رابطه‌ی اسناد و شاگرد، نحوه‌ی آموزش، و گزینش نوع محتوا، نحولی شگرف به وجود آوردند. یاد دادن و یاد گرفتن صرفاً برای قرب به پروردگار بود. هدف مسلمانان از تربیت این بود که کودکانی معتقد به تشیع و علاقه‌مند به ائمه‌ی معصومین بار آورند.

از محدودیت‌های آموزش و پرورش ایس دوره می‌توان به سخت‌گیری‌های غیرمعمول مریبان، بی‌توجهی به نیازهای متعلمان (کودکان از بازی و تفریح محروم بودند)، تأکید بر حافظه در یادگیری و انتظارات غیرواقع از شاگردان اشاره کرد. در زمان صفویه، هدف تعلیمات در مدارس علمیه‌ی ایران، معتقد ساختن جوانان و سالمندان به مذهب جعفری بود و به دلیل توجه بسیار سلاطین به علوم دینی، تفسیر، فقه و علم حدیث، این علوم به اوج ترقی خود رسید و علمای بزرگی نیز در این رشته‌ها به ظهور رسیدند.

### پیدایش خانقاه

در قرن اول هجری، گروهی به نام صوفی وجود نداشته است. این نام در قرن دوم پیدا شده است و ظاهراً در همین قرن، این جماعت به صورت یک گروه خاص درآمدند. تا قرن‌های هفتم و هشتم که فرقه‌های صوفیه به اوج خود رسیدند و در ابتدا که تصوف گسترش پیدا نکرده بود، شاید خانقاه‌ی نیز وجود نداشت، ولی از هنگامی که تعداد آن‌ها فزونی گرفت و در گرد هر مرادی و پیری، مریدی چند جمع شد، به ناچار به تدریج محلی برای این اجتماع‌ها نیز پدید آمد که به خانقاه یا زاویه موسوم گشت.

روش تربیتی تصوف بر فقر مبتنی است؛ فقر در لغت «درویشی» و در اصطلاح «ترک ما سوی الله و از سر همه چیز در گذشتن برای رسیدن به همه چیز» است. فقر سه ویژگی دارد: شفق، تواضع و سخاوت.

تربیت صوفیه، تربیتی عملی و درست نقطه‌ی مقابل آن تربیت نظری و عملی بود که در مدارس صورت می‌گرفت. در این‌جا، خانقاه کاملاً حکم مدرسه‌ی طالبان علم و شیخ، حکم

مدرس را داشت و مواد تربیتی آن به جای کتاب‌ها یا علوم معین، مراحل مخصوص از سلوک و تزکیه‌ی نفس بود که هر یک با شرایط خاص تربیتی تحت نظر شیخ خانقاه انجام می‌پذیرفت. اجازه‌ی احتیاج در این‌جا خرقة است که با تشریفات معین از طرف شیخ داده می‌شد.

#### منابع

۱. الماسی، علی محمد، تاریخ آموزش و پرورش ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.
۲. کمال، دران، تاریخ آموزش و پرورش ایران: قبل و بعد از اسلام، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۳. راوشی، مرتضی، سیر فرهنگ و تاریخ و تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، انتشارات نگاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
۴. نصیری، علی اکبر، تاریخ آموزش و پرورش ایران، انتشارات لوی بورتهران، ۱۳۸۴.
۵. وکیلان، منوچهر، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، انتشارات پیامنور، تهران، ۱۳۷۸.

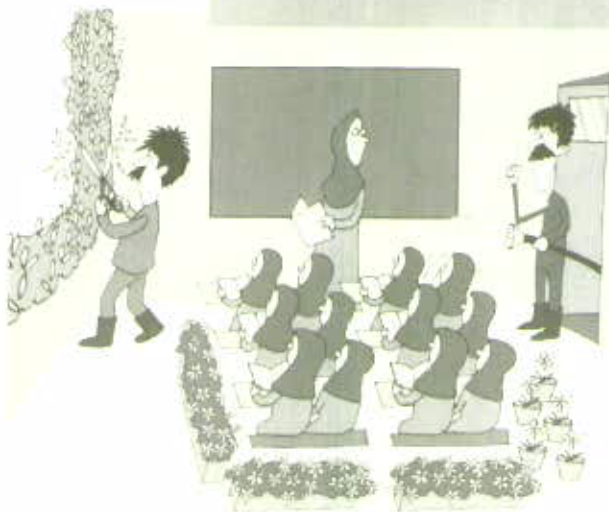
از محدودیت‌های آموزش و پرورش دوره‌ی صفویه می‌توان به سخت‌گیری‌های غیرمعمول مریبان، بی‌توجهی به نیازهای متعلمان (کودکان از بازی و تفریح محروم بودند)، تأکید بر حافظه در یادگیری و انتظارات غیرواقع از شاگردان اشاره کرد.

# دروس‌های شاد

مهدی رضاییان

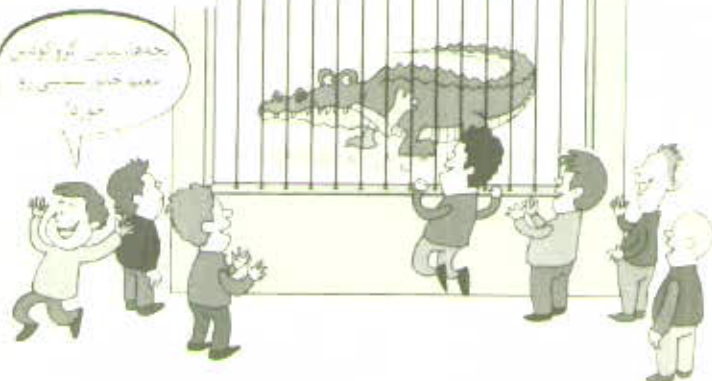


کارکنان مدرسه‌ی شاد، خود افرادی شاد هستند.



برای شادتر شدن مدرسه،  
استفاده از فضای سبز بیشتر  
موثر است.

جغد خاکی کوچکتر  
معمولاً کبوتر سیاه  
را می‌خورد.

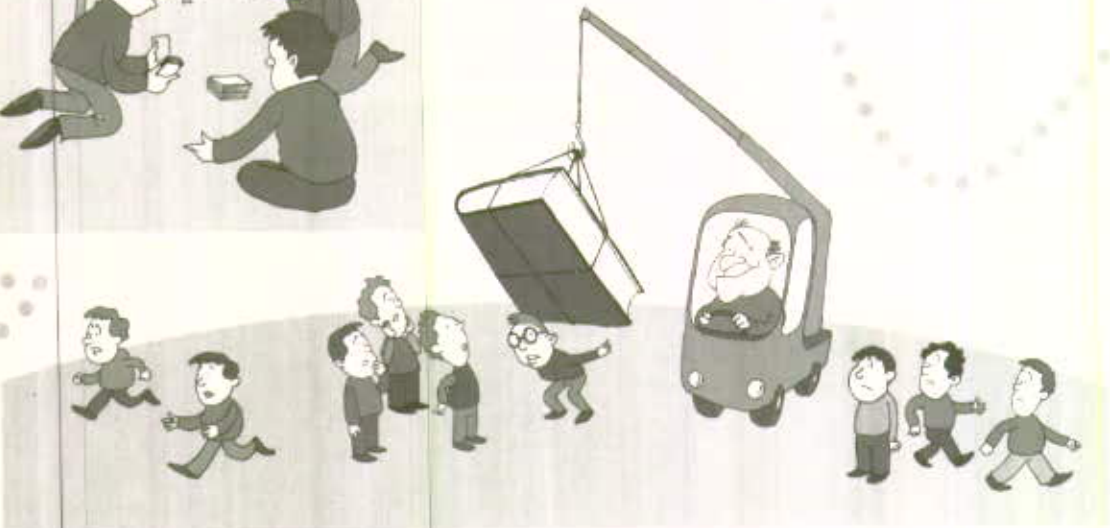


نگهداری حیوانات در مدرسه هم می‌تواند به  
شاد شدن دانش‌آموزان کمک کند.





اگر دانش آموزان در مدرسه احساس آزادی داشته باشند شاداب و سر حال می شوند و درس را بهتر فرا می گیرند.



تناسب حجم تکلیف و توانایی دانش آموز، با شادی و نشاط در مدرسه رابطه مستقیم دارد.



استفاده از روش های خلاق تدریس باعث شادتر شدن دانش آموزان می شود و در فرایند یادگیری تأثیر مثبت دارد.



استفاده از همه فرصت ها برای شاد کردن دانش آموزان مفید است.

# گفت و گوهای ما

## صدای بلند فکر کردن

### ماست!

کتابون مشین

عکس: رضا بهرامی

از زمان طرح عسکری تا پایان خلل آل سلیمان، آن دو همسایه را در عین باطنی یافتند که او پیش از این با موقعیتهای موازی با مساله برخورد کرده است. اما برجسته‌سازی وی از این موقعیت‌ها با این بار که خودش نیز این موقعیت قرار گرفته، بسیار متفاوت است. این بار او است که باید انتخاب کند تا موقعیت منحصر به فرد خود را با دو برجسته‌سازی شده، مساله دهد. درست در زمانی که وی دانش با خودش توپو تا چهارتا می‌کند که از کدام رنگ حسود برای به تصویر کشیدن ذهنی بر کار خود استفاده کند، او عکس گرفته‌ای (عکس ۴)

امیر، ما با تعریف خود می‌نویسد:

«جناب آقای شاهین از نیت افانیر ناراحت بوده و نمی‌خواست ناراحتی خود را نشان کند و اقامت به این موضوع می‌کرد و به سمت «اراجه» می‌شود. آخر این دو دوست با هم دوستی‌های خیلی صمیمی بودند و به خاطر این که از خل دوست خود تراشیدند می‌روند و از دوست خود اقامت‌گرمی کمک می‌گیرد و او به اقامت می‌گوید که بهترین راه دادن هدیه است. روز بعد و برای هفتاد یک هدیه می‌برد و از خل و ترسی و زده و تودره، هم میل قبل دوستی‌های خیلی صمیمی می‌نویسد.»

حاجی از جهانی در جن اختلاف نشان دهنده و مستقل از آن به قول او قاضی‌ها و اقامت‌ها را از فرد دیگری به عنوان راهنما و مشاور کمک می‌گیرد و او را وارد محضر می‌کند. اما چون این مسورت بی‌پایانی صورت گرفته است، او هم از دنیا ما بیخا می‌کند و فقط به نتیجه‌ی مسورت اکتفا می‌کند. امیر، ما چون حرف و را قبول داریم، صحبت و در جیبی بر گمانه‌زنی می‌نویسد. وی حتی برای آن که تن دهد تا دلیل تمیحه دوستی را قبول نکرده است، به سلول کارگاد جیب جویح می‌دهد. «اطمان معلوم ما نیز همین کاره‌ها داشتیم. سفارش کرده‌اند هر چند ما را به مسعن که به دفعش می‌نماند، ارجاع می‌دهد، اما با گفتن امام معلوم، می‌خواهد آن‌ها را از انکون در سکوت نه‌ال می‌اندیشیده و به عنوان یک سده قبول داشته است و خلاصه دارد بلند بلند فکر می‌کند، مستند کند.

بویه جویی نظایر و نواری نشان و مقام دو دوست است. کار ترسی با خود کار موازی و تقریباً متوازی است. آن‌ها در مساله داده‌اند، برای مسن دانش قبلی از رنگ قرمز سفید از تصویر



دوستان و همکاران گرمی از کار کدهای گفت‌وگو به این جا رسیده که مین دایره و مستقل خود، با همی ایجاد شده بود. امیر رضا حاجی از جهانی، یکی از جده‌هایی است که در کار که ما حضور دارد. وی مستقل و دایره را کاملاً اتم فرس کرده و برای آن‌ها نیت، با چشم‌ت، دهان و می‌کشد است و حتی برای بخش‌های خودش اسم هم انتخاب می‌کند. دایره را شاهین و مستقل را امیر نام گذاری می‌کنند. عکس ۵

او مسله‌ای را که ما در این کارگاه پیش رویم کمال‌ساز، بر ذهن خود به شیوه‌ی یک زبانه حسود می‌کند. او به مثال فرس‌های مشابه در ذهن خود می‌گذرد، برای همین هم خود را از موقعیت یکی از این دو نفر، یعنی مستقل و دایره می‌گذارد و موقعیت حسود را در ذهنش برجسته‌سازی می‌کند. برای آن که مسان دهد خودش خیلی هم در معرض نقد شده از خود به نام ستار و راهنما مد می‌کند و این را در جویحی که برای مسول کارگاه می‌دهد، مطرح می‌کند. موقعیت دایره و مستقل از آن به قول امیر رضا، شاهین و امیر، حتماً برای امیر، دایره از آن‌ها، برای امیر است. ی ذهنی او قوی‌تری ایجاد که وی براساس خودش



شکل قلب را فقط برای مستطیل قائل شده است. وقتی از او در این باره سؤال کردم، گفت: «چون دایره قلش بر از خشم و نفرت شده، از شکل قلب در آمده است.»

حرفی که بسیار می‌گذرد و هنوز بسیاری از آدمها بدان نرسیده‌اند؛ چون هرگز تصویری از آن خلق نکرده‌اند، به کهنه و دات دردناک آن نرسیده‌اند.

او دلیل خود را در استفاده‌ی عمدی از خطوط شکسته برای رنگ قرمز (در قلب نداشتی دایره)، خشم و عصیانیت عنوان می‌کند و تازه کلمه‌ی کینه را هم به شکل یک منحنی باز سیاه رنگ، دور قلب دایره نشان می‌دهد، این منحنی به روی دایره که نسبت به او تصور غلط روا داشته شده، بسته شده است که نشان می‌دهد کینه، مسیر ارتباطی قلب دایره به مستطیل را سد کرده است.

استفاده‌ی نمادین او از رنگها، فقط برای حل مسئله‌ی کارگاه و نه برای اجزای بدن دو دوست، نشان می‌دهد، او بیشتر از آن که روی ویژگی‌های شخصیتی و ظاهری دو دوست متمرکز شود، روی مسئله‌ی ما که همان رفع سوء تفاهم بوده است متمرکز شده و این نشانگر موفق بودن یک کارگاه در طرح مسئله و تشویق افراد کارگاه در حل آن است.

جالب است بدانید که در کارگاه‌های گفتگو، کمتر افرادی بوده‌اند که برای دو شکل دایره و مستطیل لب و دهان قائل شده باشند. همین امر در کار امیررضا مبین این حقیقت است که او گفتگو را در ذهن خود یک پیش فرض می‌داند. چرا که معمولاً افراد در کارگاه‌ها به خاطر محدودیت وقت، جامع و مانع کار می‌کنند و می‌کوشند آن چه را لازم تر می‌دانند، به کار ببرند و از سه کار برش آن چه اضافه است و وقت آن‌ها را می‌گیرد و در راستای نشان دادن تصویر ذهنی آن‌ها نیست، بیهیزند. پس قطعاً امیررضا از به کار برش لب به عنوان نماد دهان، هدف یا هدف‌هایی داشته است که در این کار تو نای آن‌ها را نشان داده است: یکی حرف زدن، و دیگری بوسیدن که از نظر او به منزله‌ی آشتی کردن دو دوست است. خوب است که متوجه باشیم، از نظر او این دو دوست در رسیدن به مرحله‌ی خوبی چون آشتی، به یک اندازه سهیم‌اند.

داشتن یک روال منطقی، یعنی از طرح مسئله‌ی سوء تفاهم تا حل آن، موضوعی است که تقریباً تمام کسانی که در یک کارگاه حضور دارند، به آن می‌پردازند؛ اما هر کدام به شیوه‌ی خودشان. کسی قرار نیست سوء تفاهم را برای نفر کنار دستی اش برطرف کند. هر کسی مسئله‌ای را که خودش طرح کرده است، حل می‌کند. هر کسی نمادهای خود را درباره‌ی موضوعی که همه به آن فکر می‌کنند، معرفی می‌کند. شاید این نمادها در یک فرهنگ، در یک سن، در یک طبقه‌ی اجتماعی و... مشترک باشند؛ اما قطعاً نماد امیررضا با نماد دوست هم فرهنگ و هم طبقه‌ی اجتماعی اش، متفاوت است. شاید هر دو هدیه خریدن را راه رفع سوء تفاهم بدانند، اما هر کدام به شکلی این کار را انجام می‌دهند. گاهی نخست حرف می‌زنند و بعد گل می‌دهند. گاهی فقط ترجیح می‌دهند این کار را، یعنی این گفتگو را با ارتباط چشمی و دادن گل نشان دهند. شاید یک گل از نظر کسی کفایت کند، اما حتی یک دسته

گل، از نظر یک نفر دیگر و در طبقه‌ی فرهنگی و اجتماعی او، کفایت نکند. همین متفاوت تصویر کردن‌هاست که متفاوت گفتن‌ها را موجب می‌شود و همین متفاوت اندیشیدن‌هاست که متفاوت تصویر کردن‌ها را باعث شده است. همین متفاوت شدن‌هاست که دانش‌آموزان را در نظر ما متفاوت می‌کند.

آن چه تمام این صاحبان تفاوت را زیر یک موضوع و در یک کارگاه جمع می‌کند، نسبتی است که هر کدام از افراد کارگاه میان خود و آن مفهوم کلی برقرار می‌کنند؛ نسبتی که برای دیده شدن و شنیده شدن نیاز دارند تا با کمک گرفتن از نمادها، رنگها، شکل‌ها و نظایر آن و ربط دادن آن‌ها به گفتارهای نغز و آموزه‌های فکری، اعتقادی و نظایر آن، و نیز به افکار صامت، میان دانسته‌های صامت خود و ندانسته‌های ناطق خود ارتباطی برقرار کنند. مجهولات پر سر و صدا، بلندتر از معلومات بی‌صدا شنیده می‌شوند. ما با ناطق کردن یک مجهول، توجه آن‌ها را به مجهولی جلب می‌کنیم که شاید او پیش از این فکر می‌کرده جزو معلوماتش است و اصلاً به عنوان معضل به آن فکر نمی‌کرده است. حتی اگر این مسئله برای او معضل ذهنی هم نباشد، با کمک به او در یافتن راه‌حل مناسب با خودش، به او می‌فهمانیم که هر چه بهتر بتواند آن چه را نمی‌داند به آن چه می‌داند پیوند بزند، بهتر می‌تواند ارتباط را برقرار کند. گفتگو نیز هر چند صامت و بی‌صدا از این قاعده مستثنا نیست.

دانش‌آموزان نیز چون ما، گفتگو‌هایی بی‌صدا در ذهنشان می‌گذرد که گاهی با آن که به صدا تبدیل نمی‌شود، نیازمند اصلاح و پیرایش است. گاه باید شاخه‌های اضافه را از آن‌ها زدود و گاه باید مسیر رسیدن به دانستن را طوری از لابه‌لای این شاخه‌ها به آن‌ها نشان داد که خود آن‌ها باز کردن مسیر خود را یاد بگیرند. ما در این کارگاه به صورت ناخودآگاه به آن‌ها یاد می‌دهیم که در گفتگو‌های صامت ذهنی‌تان می‌توانید از این شیوه‌ها نیز کمک بگیرید، در این کارگاه دیدید که امیررضا حاجی‌انزهایی، صورت مسئله یعنی سوء تفاهم پیش آمده میان مستطیل و دایره را به یکی از کلیشه‌های ذهنی خود که باور او به اتمه‌ی اظهار(ع) است پیوند می‌دهد. و می‌تواند یکی از ندانسته‌های خود، یعنی جواب این مسئله را پیدا کند. او خودش از جایی که برایش روشن است، یعنی از فرمایش امام معصوم(ع)، به جایی که برایش ناشناخت، یعنی به جواب مسئله می‌رسد. این کارگاه باعث شد تا او از دانسته‌های خود برای رسیدن به ندانسته‌هایش استفاده کند و این گونه، این مسیر، یعنی مسیر رسیدن به مجهولات، با بهره‌گیری از معلومات باز شود. این سؤال باقی می‌ماند که آیا همگی ما نیز آن گونه که می‌اندیشیم، می‌گوییم؟ آیا مثل امیررضا همان راه‌حلی را که به ذهن مان رسیده، با همان مسیر منطقی اش بی‌عی گزینیم؟ و آیا راه را برای دانش‌آموزان خود به یک نسبت باز می‌گذاریم تا آن‌ها بتوانند به همان زبان که می‌اندیشند، حرف نیز بزنند؟ این‌ها سؤالاتی هستند که وقتی به کارگاه می‌رویم، باید بارها و بارها از خودمان بپرسیم.

بی‌نوشت

۱. عکس‌های این مطلب به دلیل رنگی بودن، در صفحه‌ی سه جلد آمده‌اند.

دانش‌آموزان نیز چون ما، گفتگو‌هایی بی‌صدا در ذهنشان می‌گذرد که گاهی با آن که به صدا تبدیل نمی‌شود، نیازمند اصلاح و پیرایش است



«نه جعفر»، مادر جعفر بریشان، در یک وقتی وارد دفتر مدرسه شد که آقای مدیر مشغول صحبت کردن با مرد جوانی بود که برای دادن مشاوره‌ی روان‌شناسی به والدین، به مدرسه آمده بود. او قرار بود چند وقتی را در مدرسه بماند تا به مسائل و مشکلات روان‌شناسی دانش‌آموزان بپردازد. آقای مدیر با دیدن نه جعفر، خیلی متذکرانه از آقای شعاری، روان‌شناس جوان، عذرخواهی کرد و از پشت میز بلند شد و نزدیک‌تر آمد و با احترام به نه جعفر گفت: «سلام خانم بریشان، یک ساعت بیشتر است که منتظر شما هستیم.»

نه جعفر، مثل این که خانه‌ی خودش باشد، روی یکی از صندلی‌های دفتر نشست. نفسی تازه کرد و گفت: «ای آقای مدیر، چه کنم از دست این جعفر جز جگر گرفته که آسایش برام نگذاشته. کاش این یک بچه‌ی نفع‌آوری را هم ندانستم و راحت گویی مرگم را می‌گذاشتم روی زمین. به خدا حسنه شدم از بس می‌آمدم خدمت شما و معذرت‌خواهی کردم و تعهد دادم.» آقای مدیر با لحن مهربانی گفت: «شکال ندارد خانم بریشان، الحمدلله برخورد‌های ما و کمک شما خوب دارد نتیجه می‌دهد. خیلی بهتر شده است.»



احمد عربلو

# آقای فوق‌مدرنیدم!



خدا از دهانتان بشنود آقای مدیر. تمام زحمت این بچه افتاده گردن شما. پدرش که صبح تا شب سر کار است. کی وقت می‌کند به اوضاع این بچه برسد؟ اصلاً نمی‌داند کلاس چندم است! شما لطف می‌کنید.

آقای مدیر به سرایدار گفت که برای تته جعفر جای بیاورند. بعد رو به او کرد و گفت: «تجربه‌ی چهل ساله‌ی من در آموزش و پرورش می‌گوید که به این جور دانش‌آموزانی که پرخاشگرند و کمتر توی قاعده و قانون می‌توانند قرار بگیرند، بهتر است مسئولیت کوچکی بدهیم تا آرام آرام مسئولیت‌پذیر شوند. از وقتی که جعفر را گذاشته‌ایم مسئول انتظامات صفا شود، عجیب اخلاق و رفتارش در حال تغییر است. حتم دارم که روز به روز هم بهتر می‌شود. شما را امروز به مدرسه خواستیم تا مشورتی هم با آقای شعاری بکنید. تجربه‌ی من نشان می‌دهد که...»

آقای شعاری که تا این لحظه ساکت بود و از بالای عینک درمی‌نشان با دقت به تته جعفر و آقای مدیر نگاه می‌کرد، ناگهان با صدای بلندی گفت: «ای آقای! ول کنید این حرف‌ها را. همه‌اش تجربه، تجربه، علم روان‌شناسی به سرعت نور دارد. پیشرفت می‌کند. آن وقت شما تجربه‌ی چهل ساله‌ی خودتان را به رخ مادر طفل معصوم می‌کشید؟»

تته جعفر جا خورد. خواست حرفی بزند که آقای مدیر گفت: «بله، البته ایشان روان‌شناس هستند حرف‌هایشان علمی است. می‌توانند حسابی کمک کنند که جعفر آقای شما از این خالت پرخاشگری و مسئولیت‌ناپذیری بیرون بیاید. تجربه‌ی ما می‌گوید که...»

آقای شعاری مثل این که روی آتش نشسته باشد، بکپو از جا پرید و تقریباً با حالت فریاد گفت: «ای آقای! من از علوم جدید روان‌شناسی حرف می‌زنم، باز هم شما مدام از تجربه می‌گویید؟ بیندازید کنار این حرف‌های نخ نما شده را! باید با مخاطب با زبان علوم جدید حرف بزنید. باید سراغ اینترنت بروید و مقاله‌های جدید روان‌شناسی را سرچ کنید و با زبان جدید با والدین صحبت کنید. تجربه‌های چهل ساله‌ی شما در این موارد محلی از اعراب ندارد! این همه دانشمند خارجی نشسته‌اند. عمرشان را گذاشته‌اند، چشمشان را گذاشته‌اند، خودشان را کور کرده‌اند تا علوم جدید روان‌شناسی را برای ما به ارمغان بیاورند. آن وقت شما حرف از تجربه می‌زنید؟»

آقای مدیر نمی‌دانست چه بگوید. از تته جعفر خجالت می‌کشید که در حضور او، آقای شعاری بر سرش داد زده است. خواست حرفی بزند، اما آقای شعاری چنان دور برداشته بود که دیگر کسی جلودارش نبود. او به تته جعفر کرد و با لحنی جدی گفت: «خانم پریشان! بنده از همان چند جمله‌ای که بین شما و آقای مدیر ردوبدل شد، متوجه شدم که فرزند شما دچار نوعی عارضه‌ی روحی

به نام انرژی‌های اضداد روحی شده است که برای مقابله با آن باید از قواعد فوق پروگروبیستی که جان آن در آخرین شماره‌ی هفته‌نامه‌ی آرژور! چاپ کرده است، پیروی کرد. این عارضه غالباً در محیط‌هایی که محاسبه‌های دقیق رئالیستی در آن انجام نشده است و اکسیون و کنش و واکنش آن محیط به درستی در سیستم‌های والریک و مدرنیزاسیون محاسبه نشده، قابل درک است. این جور دانش‌آموزان چون در محیط‌های پولیتکی کاملاً متعادل رشد کرده‌اند، برخلاف نظریه‌های قبلی، از گرافیک روحی بالائی برخوردار نیستند و باید حداکثر کوشش صورت گیرد تا فرصت کافی برای رسیدن به نقطه‌ی سوروبستانسیون روحی برای آن‌ها ایجاد شود!»

تته جعفر با دهان باز زل زده بود به دهان آقای شعاری و هاج‌وواج او را نگاه می‌کرد. آقای شعاری آب دهانش را قورت داد و نفسی تازه کرد و از تته جعفر پرسید: «این یک مقدمه بود که ساده‌اش کردم تا شما متوجه شوید. اگر سوالی دارید بپرسید و گرنه بحث را ادامه بدهیم!»

تته جعفر گفت: «و!ا! به حق چیزهای نشنیده‌ا!»  
آقای شعاری با همان شور و حرارت ادامه داد: «بسیار خوب! بعد از این مقدمه عرض می‌کنم که در مورد فرزند شما، باید نوعی رئالیسون پارامتر دار نوع A صورت بگیرد. طبق نظریه‌ی روان‌شناس انگلیسی، یعنی آنجلا مانچال، در تمام لحظات پاورلوزی، کودک باید تحت حمایت نوعی آفمایش سرعتی قرار بگیرد تا بعد از محاسبات سمبولیزه‌ی کورداسیونی، فوراً به مرحله‌ی B برسد تا در آینده بتواند فرد مفیدی برای جامعه شود. ضمناً با توجه به نظریه‌ی کوانتوم از نوع روان‌شناسی، چنین کودکی باید تحت مطالعات اولابوسونی ویژه قرار بگیرد تا افسردگی‌های پیش‌فعالی فوق روحی آن‌ها با پروتکل‌های شیمیایی آلزایمری، بافت عصبی روحی آن‌ها را تحت تأثیر اکیژوفرنی رهایی یابنده‌ی اکزابینوزی قرار ندهد.

ضمناً همان‌طور که عرض کردم، در این فرایند ساده، اما پیچیده، تجربه نقشی ندارد و باید پیرو نظریه‌ی کوانتوم یاژیرو پیازه باشیم و از متد حرکتی نمودار موشیرو میشونه استفاده کنیم. و گرنه در آینده این احتمال خطر وجود دارد که این گونه کودکان موجوداتی عصبی باز بیابند و تعادل کارناوالی آن‌ها والدین را آزاد بدهند!»

آقای شعاری چشمانش را بسته بود و یکسری حرف می‌زد. آن قدر حرف زد و زد تا این که احساس خشکی گلو کرد! چشمانش را که باز کرد، دید داخل دفتر تک و تنها مانده و برای خودش حرف می‌زند. از پنجره بیرون را نگاه کرد.

تته جعفر، دست پسرش را گرفته بود و دوان دوان در حال خارج شدن از مدرسه بودند!

دکتر احمد مختاریان  
دبیر منطقه ۲ تهران

## نیمکت و میز تحریر

ایران به بنهده می گرفت. امروزه این وظیفه از آن ها گرفته شده و به میز تحریر و نیمکت و کدر شده است. این اجزای میز تحریر بسیار با اهمیت است اما اگر به درستی شناخته نشود و به طور صحیح مورد استفاده قرار نگیرد، به نفع سودمند نخواهد بود. بلکه عوارض سوء جسمانی و روانی را به دنبال خود می آورد. بار اجزای میز تحریر مانند کاهش قدرت دماغ، گریش درد کمر، درد شانه ها، اختلال در تنفس، خنده به دستگاه گوارش و صدمه به سیستم گردش خون در پاها، یعنی بیماری هایی مانند ضعف شش چشمها، اعصابی تنبلی، آرتروز گریش، سیاتیک، ناراحتی گوارش و واریس، آرتروز روحی - روانی نیز باعث افتردگی، خشکی روتدریس، بی حالی و... خواهد شد.



ماتوجه به نکات بالا، ضرورت توجه ریند و وقت کافی تر

تحریر و نیمکت، به خوبی روشن خواهد بود.

هر میز و نیمکت به طور معمول از روی میز و پایه تشکیل شده است. اما میز و نیمکت استاندارد و بهداشتی، اجزای دیگری نیز دارد که عبارت اند از:

- مسه ای در جلو که محل قرار گرفتن پاهاست.

- بیج هایی که ارتفاع را تنظیم می کند.

- بیج هایی که فاصله می نیمکت تا میز را تنظیم می کنند.

- قابلیت شیب پیدا کردن روی میز.

هنگام انتخاب میز تحریر و نیمکت، حتما چهار بخش اصلی بالا را در نظر داشته باشید اهمیت این وقت، در نیمکت مدرسه بیشتر است و همکاری و توجه بسیار زیاد مدیران مدرسه را الزامی می سازد.

میز و صندلی زمانی با هم هماهنگ هستند که پاها به راحتی در زیر میز جا بگیرد و کمر حالت خمیده و یا کشیده پیدا نکند.

### طرز تنظیم میز و نیمکت

آنچه در این بخش آورده می شود، از قسمت بسیار زیادی برخوردار است و هر گونه سهل نگاری و ساده سازی در تنظیم میز تحریر و نیمکت، می تواند عوارض جسمانی و روانی را به دنبال خود بیاورد.

یکی از مهم ترین اجزای میز تحریر، نیمکت مدرسه و میز تحریر است. هر چند قیمت میز تحریر بیشتر از نیمکت است، اما امروزه استفاده از هر دوی آن ها، به ویژه در شهرهای بزرگ، رواج یافته است. در گذشته به دنبال توریس دو وسیله وجود نداشت و وظیفه میز تحریر را یکسخت جد و گاهی بر پای می گذاشتند.



می‌کند گمان نکنید تنها یکی از آن بیماری‌ها برای شما رخ خواهد داد، بلکه در کوتاه مدت، همه‌ی آن‌ها - تأکید می‌شود همه‌ی آن‌ها - به سراغ شما خواهند آمد.

۱. در قسمت جلوی هر نیمکت و میز تحریر، حتماً باید میله‌ای وجود داشته باشد این میله علاوه بر این که باعث استحکام وسیله می‌شود، محلی است که باید پاها در تمام مدت روی آن قرار گیرد. حتماً عادت کنید که پنجه‌ی پا روی میله و پاشنه‌ی پا روی زمین قرار گیرد. فاصله‌ی میله تا زمین باید به اندازه‌ای باشد که زاویه‌ی ۴۰ تا ۴۵ درجه را ایجاد کند توجه کنید که هر چند دقیقه یک بار، کف پاها را روی میله حرکت دهید تا ماساژ کف پا انجام شود.

این میله اصلی‌ترین عامل سلامت بدن شماست، زیرا با استفاده از آن، خود به خود کمر راسته گردد در روپه‌ی مناسب، جریان خون پاها صحیح، معده و روده و شش‌ها آزاد و فاصله‌ی چشم‌ها با نوشته در حد استاندارد قرار می‌گیرد. باز هم تأکید می‌کنم، این بخش از میز را با اهمیت تلقی کنید. میزهایی که فاقد چنین جزئی باشند، یا محل قرار گرفتن میله‌ی آن‌ها نامناسب باشد، خطرناک محسوب می‌شوند.

این کمبود ممکن است به وسیله‌ی زیر پای ناخوشی جبران شود، اما کارایی زیر پای مانند میله نیست.

۲. تنظیم ارتفاع میز کار ساده‌ای است. کافی است بیج‌های مربوط به آن را تنظیم کنید.

تنظیم ارتفاع نیمکت دو بخش دارد: تنظیم ارتفاع قسمت جلو و تنظیم ارتفاع قسمت عقب. این تنظیم باید به وسیله‌ی خدمه‌ی مدرسه و زیر نظر مدیر یا مربی بهداشت انجام شود. در هر حال، ارتفاع این دو قسمت باید به اندازه‌ای باشد که پاها پس از قرار گرفتن روی میله‌ی جلوی نیمکت، به راحتی در فضای نیمکت جا بگیرند و کمر حالت خمیده یا خیلی کشیده (صاف) پیدا نکند. متأسفانه غالب میزهای تحریر از این قابلیت برخوردار نیستند. به همین دلیل، انتخاب میز تحریری با ارتفاع مناسب بسیار مشکل است. آن‌چه در این جا مهم می‌نماید این است که هنگام انتخاب میز تحریر، باید صندلی را نیز انتخاب کرد. صندلی انتخاب شده را نباید عوض کرد، مگر با مشابه آن، زیرا صندلی‌ها ارتفاع‌های متفاوت دارند. میز و صندلی زمانی با هم هماهنگ هستند که پاها به راحتی در زیر میز جا بگیرد و کمر حالت خمیده و یا کشیده پیدا نکند.

۳. در قسمت پایین نیمکت‌های مدرسه، بیج‌هایی وجود دارد که فاصله‌ی صندلی نیمکت (نشیمنگاه) تا روپه‌ی آن را تنظیم می‌کند. این تنظیم نیز باید به وسیله‌ی خدمه‌ی مدرسه و زیر نظر مدیر و یا مربی بهداشت صورت پذیرد. این فاصله باید به حدی باشد که پاها روی میله‌ی جلویی قرار گیرد، زانو‌ها با سطح زیرین



نیمکت تماس نداشته باشد، کمر حالت طبیعی خود را حفظ کند و موقع نوشتن، بدن روی نیمکت نیفتد و در یک کلمه، دانش‌آموز احساس راحتی کند.

۴. شیب روپه‌ی میز معمولاً قابل تنظیم نیست، هر چند بهتر است سازندگان تمهیدات لازم را مشابه آن‌چه برای ارتفاع و... در نظر گرفته می‌شود، به کار گیرند.

در هر حال، شیب روپه‌ی میز باید بسیار ملایم باشد، به طوری که کتاب و دفتر روی آن نلغزد (لیز نخورد).

صندلی نیز از ارکان مهم لوازم تحریر محسوب می‌شود. در استفاده از صندلی، این نکات را رعایت کنید:

• صندلی‌های دسته‌دار، از بدترین نوع لوازم تحریر دانش‌آموزی در مدارس هستند.

• تا حد امکان از صندلی چرخان فاقد دسته استفاده کنید.

• هنگام استفاده از صندلی، فاصله‌ی خود را تا میز تنظیم کنید نه خیلی نزدیک و جسیده، و نه دور.

• هنگام استفاده از صندلی چرخان، از چرخاندن بی‌دری آن خودداری کنید.

• سفتی فنر نشیمن صندلی چرخان را تنظیم کنید، به طوری که حالت معمولی داشته باشد تا بتواند حرکت نرم و آسان کمر را به عقب تأمین کند.

• ارتفاع صندلی را مانند آن‌چه در بالا گفته شد، تنظیم کنید.

در پایان، توجه شما را به دو نکته‌ی ظریف جلب می‌کنیم: - هر چند وقت یک بار، میز و نیمکت را مجدداً تنظیم کنید، زیرا دانش‌آموز مدام در حال رشد است. علاوه بر آن، وزن نیز تغییر می‌کند پس با تغییر هر یک از این دو عامل، یعنی قد و وزن، باید میز و نیمکت را مجدداً تنظیم کرد.

- طول و پهنا‌ی میز باید به گونه‌ای باشد که فضای لازم را برای وسایل فراهم کند. پهنا یا طول زیاد، سلامت را با مشکل مواجه خواهد کرد.

# دوره‌ی راهنمایی بی‌مسما و بی‌نشان!

دوره‌ی راهنمایی  
بی‌مسما و بی‌نشان

بای صحبت دکتر علی اصغر احمدی  
مسئول کمیته‌ی ساختار تدوین برنامه‌ی درسی ملی

گفت‌وگو: نصرالله دادار



## ○ آیا بین «برنامه‌ی درسی ملی» با «سند ملی آموزش و پرورش» تفاوتی وجود دارد؟

● برنامه‌ی درسی ملی در حقیقت یک برنامه است؛ برنامه‌ای که ما به آن احتیاج داریم. برنامه‌ای که یاددهی - یادگیری، یعنی بهترین هدف ما در آموزش و پرورش را در بر دارد. اما سند ملی آموزش و پرورش یادآور تلاش‌های گوناگونی است که در رصده‌ی مسیر نظام، یوسه در آموزش و پرورش اتخاذ شده و به نتیجه‌ی مطلوب ناقل تسده است. مثلاً تغییر نظامی که در زمان آقای اکرمی شروع شد بسیار ناقص و نامسجحه به جرات باید از بعد از این برنامه‌ی سند ملی در ادامه‌ی همین موضوع است که تاکنون نتیجه‌ی در بر نداشته است.

## ○ مهم‌ترین نقده‌ی که بر وضع موجود دوره‌ی راهنمایی دارید، چیست؟

● سؤال شما در راستای کاری است که ما در «کمیته‌ی ساختار» انجام می‌دهیم. شورای تدوین برنامه‌ی درسی ملی را چند کشته تشکیل می‌نمود که کمیته‌ی ساختار به مسئولیت‌سده دراز می‌نمود. در این کمیته، یکی از مسئولیت‌های ما تعیین دوره‌هاست. در باره‌ی دوره‌های تحصیلی نخت‌های بسیاری شد. یکی از بحث‌ها در مورد دوره‌ی بیست‌دسدهی بود و این که باید جریه دوره‌های رسمی آموزش و پرورش باشد و در مسئولیات ما هم آمده است. در مورد دوره‌ی متوسطه هم قائل به آن بودیم که صحبت درباره‌ی بحثی در این دوره بعداً نیاز به مطور از تخصص، یعنی تحصیلی، مثلاً رشته‌ی ریاضی یا رشته‌ی انسانی است. اما پیشنهاد ما برای دوره‌ی راهنمایی این بود که می‌توانیم به نام راهنمایی بدانشه باشیم، بلکه برای تیرسدهی دو دوره‌ی متوسطه‌ی اول و دوم قائل شویم. این تغییر داخلی است. پیشنهادها را هم ما برای این دوره بود.

## اشاره

عنوان «دوره‌ی راهنمایی» بی‌مسما و بی‌نشان است. این جمله را دکتر علی اصغر احمدی، عضو برجسته‌ی «کمیته‌ی ساختار برنامه‌ی درسی ملی» گفت. حدود یک ساعت و اندکی بای صحبت دکتر احمدی، استاد دانشگاه و متخصص روان‌شناسی عمومی نشستیم تا ایشان ضمن ارائه‌ی دیدگاه خود درباره‌ی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، جایگاه این دوره‌ی تحصیلی را در برنامه‌ی درسی ملی و تغییر و تحولاتی که بر اساس برنامه‌ی درسی ملی پیدا می‌کند، شرح دهد. وی گفت: «قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که دوره‌ی راهنمایی تحصیلی تشکیل شد، هدف این بود که ضمن استعدادسنجی دانش‌آموزان، آن‌ها به رشته‌های خاصی هدایت شوند. ولی در طول سال‌های گذشته این هدف تحقق نیافت و ما در عمل هیچ‌گاه در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توفیقی نداشته‌ایم...»

متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه تقدیم شما مخاطبان عزیز مجله‌ی «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» می‌کنیم.



## ○ دلیل پیشنهاد حذف عنوان راهنمایی و تبدیل آن به دوره‌ی متوسطه‌ی اول چه بود؟

● عنوان دوره‌ی راهنمایی بی‌سماست. زمانی که دوره‌ی راهنمایی تشکیل شد منظور این بود که بچه‌ها در این دوره استعدادسنجی شوند قابلیت‌هایشان مشخص شود و هویت اولیه پیدا کنند بر همین اساس هم به سمت رشته‌های خاصی هدایت شوند که مسیر زندگی‌شان را تا انتها مشخص کند ما معتقدیم چنین برنامه‌ای در سال‌های گذشته محقق نشده است و قابلیت‌های نوجوانان مخصوصاً در سراسر امروز، این اجازه را نمی‌دهد تا چنین برنامه‌ای صورت گیرد. ما معتقدیم تعیین خط سیر زندگی، تحصیل و شغل نوجوان، تا زمان ورود به دانشگاه هم امکان‌پذیر نیست، یعنی اگر فردی در دوره‌ی رشته‌ی ریاضی را می‌خواند، به این معنا نیست که در همین زمینه قابلیت، استعداد و توانمندی دارد، بلکه ممکن است به سایر زمینه‌ها گرایش پیدا کند.

بحث «هویت‌یابی» که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره‌ی نوجوانی است، یعنی فرد باید بداند کیست، چیست، و کجا می‌رود، امروز به تأخیر افتاده است. بعضی می‌گویند دوره‌ی نوجوانی طولانی شده است و برخی نیز می‌گویند ویژگی‌های این دوره تا انتهای تحصیلات دانشگاهی استمرار پیدا کرده است. نوجوانی پل گذار از کودکی به بزرگسالی است. این پل در زندگی‌های ساده‌ی گذشته خیلی کوتاه مدت بود، اما الان طولانی مدت شده است. یکی از ویژگی‌های دوره‌ی بزرگسالی، استقلال فردی است، اما استقلال بچه‌های ما، مخصوصاً آن‌هایی که خوب درس می‌خوانند، به تأخیر افتاده است. برای مثال، فردی در سن تمام شده و آزمون کنکور را هم داده، اما خانواده نگران است که مبادا اگر این فرزند وارد جامعه شود، مشکل برایش به وجود آید. یعنی خانواده اعتماد نمی‌کند که فرد در سن ۱۰ ساعت شب به خانه برگردد. یعنی این نوجوان یا جوان را به قدر کافی مستقل نمی‌دانند.

خلاصه می‌توان گفت، با توجه به شرایط امروز، «هویت‌جویی» بین نوجوانان به تأخیر افتاده است. بر همین مبنا گفتم که دوره‌ی راهنمایی، بی‌نشان است. در سال ۱۳۴۶، رشته‌ی مشاوره که اولین دوره‌ی آن در دانش‌سرای عالی، یعنی دانشگاه تربیت معلم دایر شد، با دوره‌ی فوق لیسانس مشاوره آغاز شد.

تربیت فوق لیسانس مشاوره برای این بود که هدایت تحصیلی را سازمان دهی کنند، اما رشته‌ی مشاوره بعد از انقلاب اسلامی تعطیل شد البته آموزش و پرورش دوباره آن را احیا کرد.

در حال حاضر انتخاب رشته به دوره‌ی دبیرستان مربوط است. سال اول را عمومی می‌خوانند و بعد از یک سال، یعنی در سال دوم دبیرستان، انتخاب رشته می‌کنند یعنی ما نتوانسیم انتخاب رشته را در دوره‌ی راهنمایی انجام دهیم و به همین دلیل، آن را به دبیرستان آوردیم پس ما در عمل هیچ‌گاه در کار هدایت تحصیلی دانش‌آموزان توفیقی نداشتیم و نام دوره‌ی راهنمایی با مسما نبود به همین دلایل گفتم که دبیرستان و دوره‌ی ما قبل آن پیوسته‌هایی داشته باشند.

## ○ در برنامه‌ی فعلی، زمان انتخاب رشته مشخص است؛ سال دوم دبیرستان. براساس برنامه‌ی درسی ملی، دانش‌آموزان در چه سالی و چگونه انتخاب رشته می‌کنند؟

● در برنامه‌ی درسی ملی هم چنین روندی وجود دارد، یعنی به مرور زمان بین دانش‌آموز تفکیک اتفاق می‌افتد. شخصیت‌های متفاوت شکل می‌گیرند و تمایز ایجاد می‌شود این تمایز در روند عادی و طی دوره‌ی تحصیلی، بدون این که اسم آن را راهنمایی بگذاریم، تحقق پیدا می‌کند. برای مثال، دانش‌آموزی ریاضیات را بهتر درک می‌کند و با دیگری به مسائل فیزیک علاقه‌مند است. این‌ها به خودی خود مشخص و در نمرات دانش‌آموز منعکس می‌شوند.

ما در این ساختار معتقدیم، دانش‌آموزان حتی به این مقدار تفکیک که بگوییم گروهی به رشته‌ی ریاضی و فیزیک و عدای



زمانی که دوره‌ی راهنمایی تشکیل شد، منظور این بود که بچه‌ها در این دوره استعدادسنجی شوند، قابلیت‌هایشان مشخص شود و هویت اولیه پیدا کنند

ما دیپلم عمومی بود، نه دیپلم اختصاصی. دیپلم عمومی یعنی این که شخصی وارد رشته‌ی ریاضی می‌شود که نمره‌ی درس ریاضی خوبی دارد اما در درس فیزیک ضعیف است؛ در حالی که فیزیک هم از دروس اصلی رشته‌ی ریاضی است. یا در درس ریاضی، دانش‌آموز ریاضی گسسته را به خوبی درک می‌کند اما در هندسه ضعیف است. یعنی تفکیک‌ها این طور نیستند که الزاماً تمامی دانش‌آموزان را در پنج رشته - سه رشته‌ی نظری و دو رشته‌ی فنی و حرفه‌ای و کار دانش - قرار دهیم بلکه تفکیک بسیار زیادتر است.

بچه‌ها باید دروس مشترکی را بگذرانند و گرایش‌هایی پیدا کنند، اما گرایش‌ها به تعداد پنج رشته محدود نشوند. اگر به این شکل باشد، فرد درمی‌یابد که علاقه‌اش را دنبال کرده، نه این که رشته‌ای به او تحمیل شده است.

## ○ در ساختار جدید، جایگاه دوره‌ی راهنمایی، دوره‌ی اول متوسطه است. این دوره چه ویژگی‌های دارد و در آن چه کارهایی انجام می‌شود؟ آیا تغییر مورد بحث شکلی و ظاهری نیست؟ آیا اهداف مشخصی دارد؟

● ببینید، عنوان راهنمایی معنا نداشت. وقتی از ما می‌پرسند چرا اسم این دوره راهنمایی است، دلیل قانع‌کننده‌ی نداشتیم و نداریم. نکته‌ی بعد این است که این دوره، به علاوه‌ی یک



سال دبیرستان را به عنوان دوره‌ی آموزش عمومی در نظر گرفته بودیم. آموزش عمومی رسالت اصلی وزارت آموزش و پرورش است. آموزش عمومی به این معنای است که ما باید به هر فردی، بی‌توجه به نژاد، قومیت، جنس، اما در این عوالم عمومی.

انتقادی که در سال‌های اخیر زیاد مطرح می‌شود این است که چرخه‌ی درس می‌خورد، ولی برای ورود به حتماً مشغول می‌ماند معتقدیم که امروزه باید زمان خیلی زیادی را صرف آن کنیم که بچه‌ها برای زندگی واقعی و اجتماعی آماده شوند. آن‌ها باید در حیطه‌ی اجتماعی، نحوه‌ی رفتار، به نوبت، نحوه‌ی رفتار با جامعه و با خانواده را آموزند. در حال حاضر از یک طرف رشته عین می‌گیریم و از طرف دیگر بچه‌ها برای زندگی واقعی تربیت می‌شوند.

ما طبق مصوبه‌ی خودمان دوره‌ی آموزش عمومی را شش سال بدادیم. سه سال متوسطه‌ی اول و دو سال دبیرستان در نظر گرفتیم که جمعاً ۱۱ سال می‌شود. اما به این نسخه رسیدیم که آموزش عمومی امروز باید خیلی متفاوتی باشد. به خصوص به توجه به رشد فناوری، بیدار شدن روحه اجتماعی و مسائلی که این قبیل، به زمان بیشتری نیاز داریم. از نظر کلی، همه‌ی دانش آموزان، چه دانش اموزی که حیثیت درس می‌خواند و چه برعکس، برای زندگی کردن آماده نیستند. خصوصاً پسران که قربانتان این نظام هستند و به اشکال گوناگون استعدادهای متفاوتی این مشکل به دختران می‌رسد. پس ما نیاز داریم که آموزش عمومی را تقویت کنیم. به این که دانش مور را از دوره‌ی ابتدایی برای دانشگاه آماده کنیم. در این رسالت آموزش و پرورش آماده کردن فرد برای زندگی اجتماعی و به آماده کردن مادی خام برای دانشگاه‌هایی است که می‌خواهند تربیت کنند.

در شرایط کنونی، همه‌ی دانش آموزان، چه دانش اموزی که خوب درس می‌خواند و چه برعکس، برای زندگی کردن آماده نیستند. مخصوصاً پسران که قربانیان این نظام هستند و به اشکال گوناگون آسیب می‌بینند. دامنه‌ی این مشکل به دختران نیز می‌رسد. پس ما بیشتر احتیاج داریم که آموزش عمومی را تقویت کنیم.

### ○ آیا مسئولیت معلمان دوره‌ی راهنمایی با برنامه‌ی درسی ملی تغییر می‌کند؟

● اگر این برنامه عملیاتی شود، حداقل این برنامه به این حدت و به این سازگاری عملیاتی نمی‌شود. لازم به ذکر است، گذشته‌ی ما در مورد ساختار موجود قرار است جلسه‌ی سنجش دهد و نظر بهایی را بیان کند. یعنی از نظر گذشته‌ی تقوین، کار به انتها نرسیده است.

### ○ در صورت عملیاتی شدن برنامه و یا نظام جدید، چه تغییراتی در برنامه‌ی درسی و محتوای دوره‌ی راهنمایی انجام می‌شود؟

● بهترین تغییرات متوجه دروس و در جهت تقویت افراد با زندگی واقعی‌شان خواهد بود. یعنی به جای آن که درس آموزش فقط در فضای مدرسه‌ی درس خودمان در فضاهای گسترده‌تر می‌گذرد حتی ممکن است برنامه‌ها را تعیین باشد که به چه جاهای می‌تواند در آن شرکت کند. آن در مسائل شهری، آموزش‌های ما بریده از مسائل شهری جامعه است و به تغییراتی نیاز دارد.

### ○ بخش ساختار اتراتی روی سایر بخش‌ها دارد. فکر می‌کنید معلمان دوره‌ی راهنمایی چگونه باید برای برنامه‌ی جدید آمادگی و آگاهی پیدا کنند؟

● این دوره‌ها فراتر از برای زندگی واقعی آماده می‌کنند. یعنی معلم باید آموزش‌هایی در این جهت ببیند. چرخه‌ی برخی بخش‌ها، چگونگی، از معلمان خبرگت می‌کنند. علاوه بر خود، برای زمان آینده خودشان را آماده کنند. قطع می‌باید از برنامه‌ی دبیرستانی به فناوری‌های جدید استفاده می‌تواند. حتی با استفاده از ابزارهایی به ظاهر ساده، این بچه‌ها تا حد کم، به این استفاده از این ابزارها را کشف می‌کنند. ما معلمان داریم به آن می‌رسیم معلمان به زمان خاصی برای کار کردن با فناوری‌های جدید احتیاج دارند. معلم آینده می‌باید در زمینه‌ی کارگری‌های دانش مور با خانواده‌ها، شکل خانواده‌ها و مطالعاتی داشته باشد. معلم باید با فضاهای مجازی مثل اینترنت آشنا باشند.

### ○ آسان‌سازی کردید، عنوان برخی دروس تغییر می‌کند. این تغییر شامل چه دروسی می‌شود؟

● به طور مثال، مهارت‌های زندگی به عنوان درس اصلی در نظر گرفته می‌شود. خلاقیت، بدین‌دلی است که در آینده، به دور آموزش به آن احتیاج داریم. خلاقیت در کتاب‌های درسی بسیار سخت مطرح شده است. امروزه ما نیاز اطلاعات به بچه‌ها را حدت می‌دانیم. چون مشکل ما اطلاعات نیست. علاوه بر این، مباحث تخصصی دینی و مذهبی، متخصصان دینی ما باید پاسخ دهد. معلم آینده نمی‌تواند فقط اطلاعات داشته باشد. باید فنی را به دانش آموزانی آموزش دهد. ما از اطلاعات به خوبی استفاده کنند یا یاد بگیرند چگونه و از کجا اطلاعات کنند. دست



# ارزش‌یابی اندیشیدنی

سعید راصد

کارشناس گروه دینی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

به همین لحاظ از آنان می‌خواستم در ارتباط با مباحث و مفاهیم مطرح شده، به گونه‌ای توجه کنند که موضوع را دریابند و بفهمند و این اطمینان را به آن‌ها می‌دادم که حتی می‌توانند برگه‌های امتحان را برای پاسخ‌گویی به منزل ببرند و با کمک دیگران و دیگر کتاب‌ها فهم خود را روی کاغذ بیاورند؛ به گونه‌ای که اگر از آنان همان سؤالات را پرسیدم، بتوانند به نحو مطلوب و شایسته، آن‌ها را پاسخ دهند. بیان چنین مطالبی چند حسن را دربرداشت: - دانش‌آموزان دیگر مجبور نبودند مطالب درسی را خط به خط حفظ کنند.

- با آرامشی دل‌پذیر در مباحث کلاس شرکت و یادگیری خود را تقویت می‌کردند.

- مطمئن بودند چنان‌چه هر کدام بسته به توان خود تلاش شایسته‌ای نشان دهند می‌توانند نمره‌ی کامل این درس را دریافت کنند، و هیچ‌گونه اضطراب و استرسی برای امتحان نداشته‌باشند.

- جو اعتماد و حسن‌خوشایندی نسبت به معلم و مباحث دینی به وجود آمد که ارتباط بین معلم و دانش‌آموز را تقویت می‌کرد. جو عاطفی حاصل و دیگر مسائل ذکر شده، موجب می‌شد علاوه بر دست‌یافتن بر اهداف کتاب درسی، فراتر از آن، در گسترش معارف دینی، توأم با عشق و علاقه و ایمان، توفیق حاصل کنم.

در زیر، نمونه‌ی سؤالات به همراه پاسخ‌های تعدادی از دانش‌آموزان ارائه می‌شود.

برگه‌ی سؤالات دانش‌آموزان این‌گونه آغاز می‌شد:

**«آموزش و پرورش یعنی یادگیری اندیشیدنی.»**

سؤال ۱. با استفاده از کلمات زیر، عبارت، شعر، جمله یا جملاتی بنویسید که در عین پر معنا بودن، مفهوم توحید و خداشناسی را برساند (پارک، توپ، قیل، راصد، بشکه).

**پاسخ‌ها**

**علی‌رضا وزوایی:** رفتن به پارک، بازی با توپ در آن، صحبت‌های بسیار مفید آقای راصد در کلاس و در پارک و همه و همه فقط بهانه‌ای بودند تا کمی به خدا و آفریده‌هایش توجه

جرا واژه‌ی امتحان همواره یا اضطراب، ترس، وحشت، دل‌پیره و استرس مرادف است؟ آیا با امتحان می‌توان در فراگیرندگان، عشق به یادگیری، شوق به آموختن و علاقه به پاسخ دادن به سؤالات را فراهم کرد؟

مگر ارزش‌یابی یکی از عناصر برنامه‌ی درسی نیست؟ چرا نسبت به دیگر عناصر، این مقدار پر رنگ و پر اهمیت شده است؟ دانش‌آموزان توفیق خود را در عبور از سد امتحان یا تمسک به هر وسیله‌ای (تقلب، معلم خصوصی و...) ممکن می‌سازند. آیا امتحان و ارزش‌یابی نباید در جهت هدف برنامه‌ی درسی باشد؟ چرا به واژه‌ی ارزش‌یابی به معنای واقعی توجه نمی‌شود؟

این سؤالات، پیوسته در ذهنم به عنوان معلم دینی، این مسئله را به وجود آورده بود که چگونه می‌توان با امتحان، به مفهوم ارزش‌یابی دست یافت. چرا که یادگیری مفاهیم دینی، صرفاً برای گرفتن نمره نیست، بلکه ماهیت موضوع دینی با دیگر موضوعات درسی کاملاً متفاوت است و آموزه‌های آن می‌تواند یک عمر در رفتار، کردار، اندیشه و شخصیت فرد اثر گذار باشد.

**ارزش‌یابی یعنی یافتن ارزش‌های وجودی دانش‌آموزان، و امتحان وسیله‌ای برای کشف این ارزش‌ها و استعدادهاست.** در حالی که در جامعه‌ی امروز، این معنا با اندازه‌گیری و دادن نمره‌ی کمی به دانش‌آموز، استنباه گرفته شده است.

با توجه به توضیحات ذکر شده، روش مرسوم ارزش‌یابی و امتحانات دینی، به تنها برایم قانع‌کننده نیست، بلکه در بسیاری از موارد پس از مشاهده‌ی رفتار و نگرش دانش‌آموزان، نگران‌کننده نیز است.

بدین منظور، به دنبال راه‌حلی می‌گشتم و باید نحوه‌ی ارزش‌یابی را تغییر می‌دادم. پس از جست‌وجو و کنکاش بسیار، دریافتم که می‌توان با طرح **سؤالات زیبا، خلاقانه، و همسو با علاقه‌ی دانش‌آموز**، این فضا را تغییر داد به همین سبب، سؤالات متفاوتی را برای امتحان دینی پایان سال، طراحی و آن را اجرا کردم.

البته در طول سال به بچه‌ها گوشه‌زد می‌کردم که امتحان، صرفاً به شکل امتحان یابانی معمول و بیان محفوظات نخواهد بود.

کنیم. تا کمی هم به آفرینش اسرار امیر خودمان بی نیریم و کمی هم به کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم و سهم فکر کنیم. به این که ما انسانیم و مانند یک فلز یا سنگه نسیم. این گونه می‌توان به آفرینش بزرگ خود بود و توحید بی برد.

**سپهر زین العابدین تهرانی:** جسم‌هایی را روی هم می‌گذاریم در خیالیم تصور می‌کنیم بزرگ جسم چه قبلی تر خالی که با خردتوش به توب می‌گویند و به دنبال آن راه می‌روند ناگهان به داخل تک‌تکه‌ی خالی می‌افتند اسرار خدا را در بدن این صحنه، به کمک او رفته و جبهه قبل را از این گرفتاری نجات می‌دهد فیرت خداوند یگنا را به ما می‌لورم که چگونه انسانی یا کمک به موجودی دیگر، او را زها می‌جارت.

**سؤال ۲:** عبارت بربر را بخوانید و به سؤال پاسخ دهید.  
می‌خواهم به بهیست بروم می‌خواهم عزیز و دوست‌داشتنی باشم همه به من آفرین بگویند و حلقه‌های کل به گردنم ساورند از خود سؤال می‌کنم، چه باید بکنم تا لایق چنین چیزهایی باشم؟

**پاسخ‌ها**

**محمدعلی جعفریان:** بدانیم که این دنیا مانند مزرعه‌ای است که باید در آن برای اجرتیم برداشت کنیم پس برای این که

**امیررضا فرحزادی:** مهم‌ترین چیز، حواسمن نماز این‌هاست و قدم بعدی این است که اول خودم را اصلاح کنیم. نوع حرف‌های خود را بسنجیم و بعد تازه شروع می‌شود هیچ وقت نباید با مردی کنیم نباید کسی را قریب دهیم. باید کسرها را از قلبم دور کنیم. اگر بخواهیم همه ما دوست داشته باشیم باید اول همه را دوست داشته باشیم به همه کمک کنیم همه چیز را برای همه بخواهیم یا خداوند آن‌ها را برتری می‌جویند.

**سؤال ۳:** چه کنیم که صبریم؟

**پاسخ‌ها**

**علی فرساد:** مرگ و نابودی جسم را گریزی نیست. اما می‌توان کاری انجام داد که تا خداوندگی، همسند در دنیا باشیم. در این صورت به منزل انسان‌هایی که ما را به یاد دارند و از امورهای ما استفاده می‌کنند، رسیده خواهیم بود. همین باعث می‌شود که می‌گویند مهم این نیست که چند هزار سال زندگی می‌کنی، مهم این است که تا هزاره‌ی جدید فراموشت نمی‌کنند»

**علی‌رضا کریمی:** برای این که صبریم، بسیار داریم به انجام کارهایی که خوب باشد و برای بشریت باقی بماند. مانند دکتر حسینی که باعث بسیاری از دست‌فرشته‌ها شد. کار خوب بکنیم. دکتر حسینی برده است، ولی نامش برده است.

سعیدیا مرد بکونام میرد هرگز

مرد آن است که نامش به تکوی بیرون

اما هرگز نمرد آن که دلش زنده شد به عشق

نیت است بر جرده‌ی عالم نوم ما

به این خاطر، انسان‌هایی که با عشق به خداوند و انسان‌ها زندگی کرده‌اند، هیچ وقت مرده حساب نخواهند شد.

**سؤال ۴:** آیا نامه حال به این نکته که چگونه ابهای درون زمین از افعال آن به بالاترین نقطه‌ی درختان جنگل می‌رسند. توجه کرده‌اند؟ چرا صدای این موجودهای بالا برنده‌ی آن‌ها گوش نمی‌رسد؟ سکوت ربیای جنگل چه نامی در درون خود بهفته دارد؟ پیام را بیاید و در قالب جملات زیبا، شعر، حدیث و با مثل بنویسد.

**پاسخ‌ها**

**امیراشکان توحیدپور:** جنگل می‌گوید من در آرامش و سفاک با پذیر فرو رفته‌م و می‌دانم خدایم همه چیز را از جایی که فکرش را نمی‌کنم برای ربیای من و رفیع تبارهایی به من خواهد داد. و من را از خود راهبان جو هم کرده و گویی به این راه بی خواهند بود که گویی شیوا و جسمی بینا داشته باشند تا آن را ترک کنند.

**محمد مهدی دشتی:** این عظمت خدا را می‌دانند که تا آرامش و لطافت بسازی، سخن آن را احساس زمین به بالاترین نقطه‌ی درختان می‌رسد. اما اگر انسان این کار را انجام دهد، سرو صدایی تولید می‌شود که حتی یک دقیقه هم قابل تحمل نیست.



لایق همه‌ی این‌ها باشیم. باید در این دنیا یعنی در این مزرعه، جانی خوب کشاورزی نکنیم تا لایق بهترین‌ها باشیم.



برگ درختان سبز در نظر هوشیار  
هر ورقش دفترى است معرفت کردگار

سؤال ۵: تصاویر خود را از زمان تولد تا کنون کنار هم قرار دهید.

ایا تصاویر شما زیباتر شده است یا زشت‌تر؟  
چه کارهایی برای زیباتر شدن خودتان باید انجام دهید؟  
زیبایی ظاهر مهم است یا زیبایی باطن؟  
چه مقدار وقت و هزینه صرف ظاهران می‌کنید؟  
چه مقدار وقت و هزینه صرف باطنان می‌کنید؟  
کدام یک ماندگار است؟  
چرا این سؤال از شما شده است؟

### پاسخ (تصاویر دانش آموزان به لحاظ کمی جا حذف شده است)

**آریا مظلومی:** زیباتر - باید با کارهای نیک باطنمان را زیبا کنیم تا ظاهرمان نیز زیبا شود - زیبایی ظاهر - وقت بسیار زیاد و هزینه‌ی بالا و زیبایی باطن - وقت بسیار کم و هزینه‌ی کم - می‌خواهد - ما باید بتوانیم خود را بشناسیم.

سؤال ۶: دانه‌های زیبای برف بر سر و رویم می‌باریند و با رقص و حرکات دل‌انگیز، درختان را سفیدپوش می‌کردند یکی از دانه‌ها را صدا کردم و از او پرسیدم از کجا می‌آیند؟  
با نگاه ملیح و مهربانی پاسخ داد از آن‌جا که بکرنگی وجود دارد؛ از آن‌جا که همه لباس سفید بر تن کرده و دلشان مانند ظاهرشان سفید است؛ از آن‌جا که همه برای یک کار برخاسته‌اند؛ از آن‌جا که...

صدایش ناگهان در میان دیگر دانه‌ها گم شد. سراغ دانه‌ای دیگر را گرفتم که به سرعت در تلاش بود تا خود را به برادرش برساند از او پرسیدم؟ به کجا چنین ستابان؟ با عجله پاسخ داد، می‌جویم به برادرم برسیم. پرسدم برای چه؟ گفت: برای این که اگر با هم باشیم، زودتر به مقصد می‌رسیم و با این کار می‌توانیم دانه‌های زیادی را با هم یکدست کنیم. پرسیدم هدفشان از به هم پیوستن چیست؟ با لیخندی زیبا و دوست‌داشتنی پاسخ داد، برای این که دیگران را، زمین را، انسان‌ها را، درختان را، رودخانه‌ها و... را از وجود خود سیراب سازیم. در دل به همه‌شان افرین گفتم و با تکان دادن دست، از آن‌ها جداحافظی کردم.

راستی دانه‌های قشنگ برف و یاران چه پیام‌های دیگری برای ما انسان‌ها دارند؟ آیا درختان و سنگ‌ها و حیوانات هم این پیام‌ها را دریافت می‌کنند؟ تفاوت ما با دیگر موجودات در چیست؟ دانستن این موضوع چه مسئولیتی را به نوش ما می‌گنارد؟

### پاسخ‌ها

**سید امیرسالار ابطحی:** صاف، تمیز، آراسته بودن و یاد خدا بودن آدم را رؤسفيد می‌کند و این سفیدی زیباست - خیر -

فهم و شعور ماست و ما اشرف مخلوقات هستیم و خدا از ما انتظار بیشتری دارد و از ما می‌خواهد انتظاراتش را برآورده کنیم. البته می‌دانیم که خدا بخشنده و مهربان است.

**علی درخشان فر:** آن‌ها نشانه‌ی ایثار هستند، زیرا آن‌ها با از بین رفتن خود باعث می‌شوند ما سیراب شویم و از مرگ ما جلوگیری می‌کنند - بله، در طبیعت همه چیز دست در دست هم به سوی مقصدی یگانه می‌شتابند و دستی توانا و مهربان این دست‌ها را با هم صمیمی و همراه می‌کند. پس تمامی آفریده‌ها از جمله درختان، سنگ‌ها و حیوانات هم این پیام‌ها را دریافت می‌کنند - ما با دیگر موجودات در داشتن عقل و تفکر تفاوت داریم، این مسئولیت که ما عقل داریم و باید به همه‌ی چیزهایی که در اطراف ماست فکر کنیم و از پیرامون خود رسم‌بهرتر زندگی کردن را بیاموزیم و خدا را همیشه شکر کنیم برای نعمتهایش.

سؤال ۷: متن زیر را به زیبایی هر چه تمام‌تر کامل کنید.  
چشمان خود را باز کردم  
چه صبح دل‌انگیزی  
و چه عطر و بوی با صفایی  
تمام جانم لبریز از شادی شده بود  
به شاخه‌های سبز درختان نگاه کردم  
گویا همگی به نماز جماعت برخاسته بودند  
و در این میان بلبلان و قمریان آنان یکرنگی به سر داده بودند

یاس‌ها بوی خود را به مشام جان‌های پاک می‌رسانند  
در همان لحظه آرزو کردم که...

### پاسخ

**سید علی رضا میری:** ای کاش تمام آدم‌ها با خواندن نماز و انجام کارهای نیک مانند همین برگ‌ها و بلبل‌ها زیبا شوند و هم چنین دنیای ما را نیز زیباتر کنند تا که حس کنم در دنیای سراسر مهربانی و شادایی و آرامش زندگی می‌کنم.

پاسخ‌های دانش‌آموزان چنان زیبا و با طراوت بود که خواندن آن‌ها را برایم بسیار شیرین می‌نمود و خستگی معمول از تصحیح اوراق امتحانی را ایجاد نمی‌کرد. چگونگی نوشتن مطالب، نشان از زحمات فراوانی داشت که هر کدام از دانش‌آموزان در طول مدت سیری شده برای پاسخ‌گویی به سؤالات متحمل شده بودند به عنوان معلم، درون خود احساس خوش حالی و موفقیت می‌کردم.

بدین‌وسیله توانسته بودم بستری را مهیا کنم تا دانش‌آموزان فارغ از دغدغه‌های درسی و استرس‌های معمول، با علاقه به تفکر در مورد آموزه‌های دینی و اعتقادات خود بپردازند و با استفاده از قدرت استدلال، منطق و عقلانیت خود، سؤال‌های مطرح شده را تحلیل و بررسی کنند.



وبسایت آموزشی آموزش درسی دینی



وبگاه رسمی آموزش در پس دینی

# گام به گام با پیام‌های آسمانی

گفت‌وگو با کارشناسان و مؤلفان  
کتاب‌های دینی جدید دوره‌ی راهنمایی

گفت‌وگو: بهناز پورمحمد



کتاب‌های دینی دوره‌ی راهنمایی را که حدود ۲۵ سال از تدریس آن‌ها در کلاس‌ها می‌گذرد، آقایان حسینی و ابراهیم امینی تألیف کرده بودند. از سال جدید قرار است، کتاب‌های جدید با تألیف آقای کاظمی، در کلاس‌های دینی تدریس شوند. سؤالی که پیش می‌آید، این است که چرا کتاب‌ها تغییر کرد و اگر احتیاج به تغییر کتاب‌ها بود، چرا این قدر دیر اتفاق افتاد؟

● **حجت‌الاسلام مؤسسل:** کتاب‌های دینی هم مثل سزای هر کتاب‌های دیگر تغییر می‌شوند و باید کتاب‌های تدریس در سایر بازنگری قرار گرفته در هر سه دوره راهنمایی و متوسطه، گروه دینی جزو گروه‌هایی است که باید بررسی کتاب‌های تدریس را از آن‌ها جدا معمولاً گروه‌های دیگر در تمام دوره‌ها کتاب‌های تدریس را بررسی می‌کنند که در تمام دوره‌ها کتاب‌های تدریس در گروه دینی است. با مشکلات خاص خودش است. البته بررسی گروه‌های تدریس با کتاب‌هایی که در آن احکام اهل سنت و تشیع وجود دارد، با احتیاط‌هایی که در ساخت دینی مشاهده می‌شود، همگی این عوامل و عوامل دیگر، باعث می‌شوند که روند تغییر کتاب‌ها به طول انجامد. در دوره‌های ابتدایی و دبستان روند تغییر کتاب‌ها تسهیل و تسهیل‌تر می‌شود، چون سطح آن‌ها پایین‌تر است.

کتاب‌های تعلیمات دینی دوره‌ی راهنمایی پس از سه دهه، طی چند سال اخیر، مورد بازنگری جدی در گروه دینی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار گرفت. حاصل این بازنگری، تألیف کتاب‌هایی با شیوه‌ی کاملاً متفاوت و با مطالب متنوع‌تر و جذاب‌تر شده است. مؤلف این کتاب از میان طلاب علوم دینی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم است که طی چند سال تلاش و با کمک مشاوره‌ی کارشناسان گروه دینی و سایر کارشناسان حوزه‌ی علمیه، این کتاب را به مرحله‌ی تألیف نهایی رساند. در این شماره، مصاحبه‌ای با دست‌اندرکاران تألیف این کتاب در گروه دینی صورت گرفت. در این جا با آقایان حجت‌الاسلام مؤسسل (کارشناس مسؤل گروه دینی)، سعید راصد (کارشناس دینی دوره‌ی ابتدایی)، بونیس باقری (کارشناس گروه قرآن) و پرویز آزادی (کارشناس گروه دینی دوره‌ی راهنمایی) مصاحبه‌ای صورت گرفت. است که از نظر آنان می‌گذرد.





برنامه و نقشه‌ای که از دفتر تألیف گرفته بودند کتاب‌ها را تألیف و در اختیار معلمان قرار دادند.

● **در مدت ۲۵ سالگی که از تدریس کتاب‌های دینی دوره‌ی راهنمایی می‌گذرد، آیا پژوهشی از برون‌داد این درس گرفته شده است تا معلوم شود میزان اثربخشی کتاب‌ها چه قدر بوده است و نظر دانش‌آموزان درباره‌ی آن‌ها چیست؟**

● **راصد:** نتایج پژوهش‌های انجام گرفته حاکی از آن است که اغلب مباحث در پایه‌های گوناگون تکرار شده‌اند و این تکرار، انگیزه‌ی یادگیری را در فراگیرندگان به مقدار قابل توجهی تقلیل می‌دهد. نکته‌ی دیگر، سنگینی مفاهیم بعضی از دروس از قبیل برهان علیت، اجتهاد، رهبری و... است که فهم آن را برای مخاطب مشکل می‌سازد. نکته‌ی سوم این است که غالباً مباحث به روش فعال مطرح نشده‌اند و دانش‌آموزان صرفاً شنونده محسوب می‌شوند.

● **اعضای شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های دینی جدید از چه کسانی تشکیل شده‌اند؟**

● **متوسل:** در همه‌ی گروه‌های درسی، شورای برنامه‌ریزی وجود دارد. شورای برنامه‌ریزی از کارشناسانی تشکیل می‌شود که با بحث، تعلیم و تربیت آشنا باشند؛ کارشناسان موضوعی از خود دفتر و خارج از سازمان و چند نفر معلم با تجربه که کتاب‌ها را از نظر آموزشی مورد بحث قرار دهند. در این ترکیب، نقش کارشناسان موضوعی پررنگ‌تر است تا نسبت به مفاهیمی که عرضه می‌شود دقت بیشتری صورت گیرد؛ به خصوص اگر قرار باشد کار جدیدی ارائه شود. قرار شد در گروه دینی، یک گروه قوی از کارشناسان دینی بر کار، نظارت جدی داشته باشند. نویسنده‌ی این کتاب‌ها، آقای کاظمی از دانش‌آموختگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم است تا به این وسیله از همکاری و نظارتخبگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم استفاده‌ی بهیبه شود. آقای **پیشنامزی** و آقای **تقوی** هم در این راستا با آقای کاظمی همکاری و همکاری می‌کردند البته کارشناسان و مسئولان گروه دینی هم در امر تألیف کتاب حضور داشتند تا مطالب را از جنبه‌ی آموزش و ارزش‌یابی تطبیق و هماهنگ کنند.

● **باقری:** در این شورا، عددهای همیشه ثابت و عددهای هم متغیر بودند. در واقع، استخوان‌بندی این راهنما را نمایندگان حوزه‌ی علمیه یعنی حاج آقا **راستگو** و متخصصان موضوعی و معلمان برگزیده یا نمونه که آشنای کامل و با تجربه بودند و همیشه در جلسات شرکت می‌کردند تشکیل می‌دادند. گروه دوم یعنی حاج آقا **پیشنامزی** و آقای **تقوی** هم به این گروه اضافه شدند.

در این ضمن، دوستانی از گروه خارج و دوستان جدید دیگری به گروه اضافه می‌شدند البته کسانی که راهنمای برنامه‌ی ابتدایی را نوشته بودند، در این برنامه هم حضور داشتند تا انتقال تجربه صورت گیرد. ولی اعضای ثابت گروه آقای دکتر **ناصر باهنر**، آقای **راستگو** و آقای **راصد** و خانم **فاطمه رضانی** در آن مرحله قرار داشتند. در واقع، دوره‌ی ابتدایی تقویت شده بود که وارد دوره‌ی راهنمایی شوند. بعداً آقای دکتر **سنگری** هم به گروه اضافه شد.

و معلمان رسیده است. یکی از عمده‌ترین مواردی که باعث شد کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی دیر به دست دانش‌آموزان برسد این بود که درباره‌ی تألیف کتاب با افراد متعددی صحبت شده بود و در آخر هم تألیفات صورت گرفته، مورد پسند دفتر تألیف و کارشناسان واقع شده بود. همین باعث شد کار به نتیجه‌ی مطلوب برسد.

● **راصد:** یکی دیگر از دلایل دیر تألیف شدن کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی این است که دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ابتدا باید یک راهنمای برنامه برای این درس می‌نوشت که این اتفاق دیر افتاد. هشت سال پیش شورای برنامه‌ریزی تشکیل شد. راهنمای برنامه‌ی درسی هم تقریباً شش سال است که به توافق رسیده و سال گذشته، به تصویب شورای عالی رسیده است. نبود این نقشه‌ی راهنما، یکی از دلایل عمده‌ی تأخیر در تغییر کتاب‌های دینی بود. ● **متوسل:** شاید یکی دیگر از دلایل تأخیر در تغییر خود کتاب‌های پیشین بودند که آقایان حسینی و امینی نگاشته و از نظر محتوا، از استحکام بالایی برخوردار بودند. مشکل اصلی کتاب‌های قبلی، بیشتر در جنبه‌ی شیوه‌ی آموزش و فعال بودن آن بود. هم‌چنین، شیوه‌ی ارزش‌یابی و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید، به قلم جدید احتیاج داشت.

● **باقری:** مسئله‌ی دیگر هم این بود که تغییر از نظام متوسطه شروع شد. دفتر تألیف باید با تغییر نظام، کتاب‌های دینی دوره‌ی متوسطه را تغییر می‌داد و همه‌ی کارشناسان مشغول و گرفتار تغییر کتاب‌های دینی این دوره شدند. تغییر بعدی در دوره‌ی ابتدایی صورت گرفت و فاصله‌ی ایجاد شده، باعث تأخیر در تألیف کتاب‌های جدید دینی دوره‌ی راهنمایی شد.

● **با صحبت‌های دوستان، مشخص شد کتاب‌های جدید، راهنمای برنامه دارند که مبنای کار مؤلفان است. مبنای کار مؤلفان قبلی برای کتاب پیشین چه بود؟**

● **متوسل:** هر دو برگزار در زمینه‌ی تألیف کتاب‌های مناسب برای نوجوانان فعالیت داشتند. آقای **ابراهیم امینی**، چندین کتاب با عناوین معرفی اسلام و بیان معارف که مخاطب آن‌ها نوجوانان بودند، تألیف کرده بودند.

آقای حسینی هم به دلیل تجربه‌ی طولانی در آموزش و پرورش، تدریس و حضور در میان نوجوانان، می‌توانستند مطالب آقای **امینی** را با شرایط آموزش و پرورش وفق دهند و در نهایت کتاب مناسب را تألیف کنند و در اختیار دوره‌ی راهنمایی قرار دهند که اتفاقاً کتاب مفیدی بود و از بهترین کتاب‌های تألیف شده در آموزش و پرورش محسوب می‌شد.

نکته‌ی بسیار مهم دیگر این است که آقایان براساس نگاه قدیم به معارف دینی، معارف را به سه بخش اصول دین، فروع دین و اخلاقیات تقسیم و بر همین اساس، کتاب‌ها را تألیف کرده بودند. اما نگاه جدید دیگر در این دسته‌بندی محصور نمی‌شود.

● **باقری:** آقای **امینی** و آقای **حسینی**، وقتی کتاب‌ها را تدوین کردند، این طور نبود که هیچ تجربه‌ای نداشته باشند. آن‌ها هم تجربه‌ی آموزشی داشتند و هم از لحاظ علوم دینی عمیق بودند. بنابراین، تجربیات خود را در اختیار آموزش و پرورش قرار دادند و براساس

نتایج پژوهش‌های انجام گرفته حاکی از آن است که اغلب مباحث در پایه‌های گوناگون تکرار شده‌اند و این تکرار، انگیزه‌ی یادگیری را در فراگیرندگان به مقدار قابل توجهی تقلیل می‌دهد.



وزارتخانه‌های آموزش عالی و عالی‌ترتیب

○ نقشه و برنامه‌ی کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی که تصویب هم شده، با برنامه‌ی قبلی چه تفاوتی دارد و مطالب جدید براساس چه اصولی تقسیم شده است؟

● **متوسل:** آن‌چه در راهنمای برنامه‌ی ترمی نبود، شورای عالی آموزش و تربیت است. تازم هر چه که در کتاب‌های جدید نیارده، پاسخ گرفتند و مجوز را هم بر این قرار گذاشتند که در هر حال چون ما در این دنیا زندگی می‌کنیم، می‌باید راهنمای را بنویسیم، خطراتی را که در راه وجود دارد، بنویسیم و آنها را مقصد در دانشم و بر این اساس، پاسخ سوالان را دریافت کنیم. در مقدمه‌ی این کتاب آمده است: «این کتاب می‌کوشد به چند سوال مهم شما پاسخ بدهد: از کجا آمده‌ام؟ کجا می‌روم؟ چرا می‌روم؟ راه برسان را از چه کسی می‌آموزم؟ چه کسی می‌تواند این راه همراهی می‌کند؟ برای این که منالتم به مقصد برسیم باید چه نوشته‌ی همراه داشته باشیم؟ و سوالان را این‌ها «رویکرد» راهنمای برنامه‌ی ترمی، رویکرد فیسریب‌گراست و یکی از چه ترمی دانش‌آموز می‌کوشد، می‌پزداند.

○ درباره‌ی رویکرد فطرت‌گرا توضیح بیشتری دهید. آیا این رویکرد مختص دوره‌ی راهنمایی است یا سه دوره را شامل می‌شود؟

● **متوسل:** در مقدمه‌ی برنامه‌ی ترمی، آمده است که رویکرد فطرت‌گرا در هر سه دوره لحاظ شده و حکم بر کل برنامه‌ی ترمی

ما رویکرد فطرت‌گرا بر این مسأله که خداوند ما را آسوده براندگی براندگی می‌فرماید است. خداوند در وجود همه‌ی انسان‌ها فطرت و سرشتی قرار داده که خداوند خداشناس، خداپرست و خداجو



است. به غیر دیگر، در نگاه اسلامی که به خداوند باطن ندارد، حسن و بزرگی‌های وجود دارد که آن‌ها را فطرتی می‌گویند. یعنی آن بزرگی، هر انسانی را به سمت خدا می‌کشد و سخته این می‌شود که وقتی ما این رویکرد وارد نسیم، چیزی را از بیرون به بیرون وارد کنیم، موضوعی صحبت می‌شود که در هر فردی موجود است و ما فقط یادآور و تذکره‌سیم. تربیت من مباحث اخلاقی همه‌ی ما که نبودن آن که با دشمن هستند، راست‌گویی، حوب و ادا کردن عوگو را در می‌نویسد. این امر مسأله آموزش بسیار بسیار مهم است و

مذکر می‌شوند و تا کند می‌کند بر اساس اینی فطرت در قرآن داریم: «فطرت الله الی فطر الناس علیها» در این اساس، آن‌چه ما به دانش آموزان می‌گوییم، مفاسد نیست که دانش‌آموز با آن آشنا و از آن مطلع نباشد. همه‌ی این را خداوند نهاد او قرار داده و ما به گونه‌ای آن‌ها را که بر وجودش است، به او یادآوری می‌کنیم تا خودش به‌لیحه برسد.

گروه دینی ستای کار خودشن را کتاب‌های حضرت امام، علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری قرار داده است. برحوم مطهری بر رویکرد فطرت‌گرا تا کند بسیار دارند. در این یکی از کتاب‌هایش به‌طور گفتم شرح داده و فطرت را به عنوان مدار معارف که خداوند در اختیار ما قرار داده است، مطرح می‌کند.

○ در مقابل رویکرد فطرت‌گرا، رویکردهای دیگری هم می‌توانیم داشته باشیم، چه دلیلی برای انتخاب رویکرد فطرت‌گرا وجود داشته است.

● **ازادی:** رویکردهای دیگر هم می‌توانیم داشته باشیم. مثل رویکرد ساختارگرا که بر عرب زبان استفاده می‌کند و رویکرد انتخابی ما بر اساس تعالیم قرآنی است. خدا را معرفی می‌کند و خطی که تعالیم دارد که او را اثبات کند، گویا انسان درون خودش به‌خدا آشنایی دارد و فقط می‌خواهد و راه به یاد می‌آورد.

فطرت با تعالیم اسلامی سرگرا است. به خصوص تا قرآن که منبع اصلی تعالیم دینی است.

**باقری:** کلمه‌ی رویکرد یعنی چه؟  
**راصد:** یعنی این سنت مولوی از نظر که است. این معنی وجود اختلاف مؤمن و کفر و جهود

رویکرد یعنی نوع نگاه ما به برنامه‌ی تربیتی و اجرایی آن برنامه یعنی تعالیم برنامه‌ی آموزگار، روش، محتوا و ارزش‌هایی که به سوی بحث‌تأثیر نگاه ما به آموزش و امتحان قرار دارد و آن در جای جای برنامه‌ی ما دیده شود. برای مثال، جشن چه رویکرد ما رفتارگرایی باشند. محیط یادگیری باید بزرگ و غنی باشد، چرا که در این نگاه، محیط بسیار مؤثر است و تا تعیین آن می‌توان رفتار فرد را تغییر داد.

○ چرا دفتر تالیف سیاست چند نالغی را انتخاب نمی‌کند؟ یا توجه به این که راهنمای برنامه به منزله‌ی نقشه‌ی راه تنظیم شده است؟ نمی‌شود استان‌ها راهنمای برنامه را بگیرند و مطابق با آن کتابی تالیف کنند؟ چنین کاری تاکنون صورت گرفته است؟

● **متوسل:** درباره‌ی کتاب‌های دینی، رسه‌های بحر فی ربانی، ممکن است ایجاد شود. خیلی در حد کاربرد یک کلمه به یک عبارت است. کار نالغی ساخت می‌کند. علاوه بر آن، حساسیت‌هایی که بزرگان دین نسبت به این کتاب‌ها دارند، کار را بسیار سخت می‌کند. شاید برای تالیف کتاب ریاضی، اولیای دانش‌آموزان حساسیت داشته باشند و نظری بدهند که بهتر است از چه روش آموزشی استفاده شود. فقط اطلاعات بین معلم و دانش‌آموز ردوبدل می‌شود. می‌تواند کتاب دینی را زمانی که وارد خانه‌ی دانش‌آموز می‌شود، ترمی

مجلس شورای اسلامی  
وزارتخانه‌های آموزش عالی و عالی‌ترتیب





هر گونه تغییر، لازم‌آش تشکیل شورا و بررسی دوباره‌ی موارد مطرح شده بود. در نهایت هم مؤلف یا درس را اصلاح و یا به طور کلی عوض می‌کرد.

### ○ تغییر کتاب‌های دینی دوره‌ی راهنمایی چگونه صورت می‌گیرد.

● **متوسل:** از مهر ۸۹، کتاب دینی سال اول راهنمایی اجرایی سراسری شد. کتاب دینی دوم از مهر ۹۰ و به همین ترتیب کتاب سوم راهنمایی از مهر سال ۹۱ اجرایی سراسری می‌شوند.

### ○ با تغییر هر کتاب، شیوه‌ی ارزش‌یابی آن هم تغییر می‌کند. کتاب‌های «پیام‌های آسمان» هم هنوز ۲۰ نمره‌ای هستند یا تغییر یافته‌اند؟

● **متوسل:** تغییراتی داده شده که در مقدمه‌ی خود کتاب مطرح شده است. شیوه‌ی ارزش‌یابی به این صورت است که فعالیت کلاسی که در کلاس صورت می‌گیرد، جزو شیوه‌ی آموزشی محسوب می‌شود و در پایان هر درس، سوالاتی می‌آید که بخشی از نمره متعلق به آن فعالیت‌ها در کلاس درس است. نمره هم براساس بیست است، ولی معلمان باید با توجه به بارم‌بندی کتاب، از مقدمه‌ی ابتدای کتاب کمک بگیرند.

### ○ در مورد آموزش معلمان برای کتاب‌های دینی چه اقداماتی انجام گرفته است؟

● **متوسل:** در طول سه سال اجرای آزمایشی، معلمانی که تدریس کتاب‌ها را به عهده داشتند، در دوره‌های آموزشی که تابستان در تهران و مشهد مقدس تشکیل می‌شد، شرکت کردند. سال گذشته مدرسان دوره‌ها در تربیت مدرس در سطح کشور، دوره‌های آموزشی را فرا گرفتند تا معلمان با آمادگی بیشتر سر کلاس‌ها حاضر شوند. هر معلمی در محل خدمت خود ۲۲ ساعت آموزش تدریس کتاب پیام‌های آسمانی را فرا می‌گیرد.

### ○ کتاب جدید نسبت به کتاب‌های قدیم چه ویژگی‌هایی دارد؟

● **متوسل:** کتاب اول راهنمایی شامل ۱۷ درس است. در انتهای هر درس، یک فعالیت به نام «خودت را امتحان کن» قرار گرفته است و اغلب سوالات باز است تا دانش‌آموز در پاسخ‌گویی فعال باشد. بخش دیگری به نام پیشنهاد در نظر گرفته شد که فعالیت در منزل است و الزامی در نمره‌دهی ندارد. این فعالیت را دانش‌آموز می‌تواند با هم کلاسی، خانواده یا معلم انجام دهد.

بخش بعدی کتاب با عنوان «بیشتر بدانیم»، در هر درس، از یک صفحه تا دو سه صفحه متغیر است. مطالب آن براساس همان درس و فقط برای مطالعه است.

محتوای هر درس از ۷ صفحه تا ۹ صفحه متغیر است. در راستای هر درس، مناجات‌هایی از صحنه‌ی سجاده، دعای کمیل یا عقاب انتخاب و گنجانده شده‌اند. در انتها، با چند خط خالی، به دانش‌آموزان اجازه داده‌ایم که آن را ادامه بدهند. در هر درس، حداقل یک یا دو داستان گنجانده شده است. این کتاب از صفحه‌آرایی و تصاویر و طرح‌های زیبایی برخوردار است و در اجرای آزمایشی، مورد استقبال دانش‌آموزان قرار گرفته است.

اهل خانه از آن استفاده می‌کنند؛ یا به عنوان یک منبع اطلاعاتی، یا این که می‌خواهند بدانند بجهایشان از لحاظ دینی در مورد چه ساحتی آموزش می‌بینند و این خود حساسیت به وجود می‌آورد. از طرف دیگر، حوزه‌های علمیه و علما هم حساس هستند تا بدانند معارفی که در این کتاب‌ها به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، چه مقدار از انفاق بالایی برخوردار است. این حساسیت‌ها باعث می‌شود که کار ساده نباشد.

● **باقری:** دفتر تألیف آمادگی خود را برای تألیف کتاب دینی براساس راهنمای برنامه‌ی نوشته شده اعلام کرده است. هر کدام از دوستان در هر جای ایران، می‌توانند راهنمای برنامه را بگیرند و براساس آن تألیف کنند. بر همین اساس، بعضی از دوستان اعلام آمادگی کردند و بعد از نوشتن دو درس انصراف دادند و رفتند. به دلیل این که با کار مطابق برنامه بود، یا اگر هم مطابق برنامه بود، آموزشی نبود. ولی دفتر تألیف هم چنان اعلام می‌کند کسانی که آمادگی دارند، براساس راهنمای برنامه، کتاب تألیف کنند. تألیفات خود را برای کارشناسی، به دفتر معرفی کنند.

### ○ آیا پس از تصویب و تنظیم برنامه، ارتباطی منطقی بین سه دوره دیده می‌شود یا این که هر دوره به موضوعی متفاوت می‌پردازد؟

● **متوسل:** رویکرد در هر سه دوره یکسان است. به طور طبیعی، از نظر محتوا، شکل، ارائه و قلم، از سه دوره به سخت تنظیم شده است (از ابتدایی تا متوسطه). در ابتدایی سعی بر این است که به جنبه‌های ریاضی دین بیشتر توجه شود تا در دانش‌آموزان علاقه به دین و معارف دینی ایجاد شود. در دوره‌های راهنمایی سعی کردیم معارف دین براساس آیات قرآن کریم و روایات با بیان مناسب ارائه شود. خیلی با تفکر عقلانی و استدلالی در این دوره کار نداریم. بیشتر معارف به صورت نقلی است. در دوره‌ی متوسطه سعی بر این بوده که مطالب به صورت استدلالی و نه فلسفی و یا شیوه‌ی فعال‌سازی تفکر دانش‌آموز ارائه شود. بر این اساس، به همه‌ی جنبه‌های دانش‌آموز در طول سه دوره توجه می‌شود.

### ○ چرا اجرای آزمایشی پیام‌های آسمان دوره‌ی راهنمایی تا اجرای سراسری آن که همین امسال است، نسبت به سایر کتاب‌ها به طول انجامید؟

● **متوسل:** اجرای آزمایشی هر کتاب به طور معمول دو سال است. ما نیز این کتاب را دو سال اجرای آزمایشی کردیم. به دلیل نظرانی که از معلمان و کارشناسان دفتر و خارج از دفتر تألیف رسیده بود، نظر ریاست سازمان بر این شد که این کتاب یک سال دیگر هم به صورت آزمایشی اجرا شود تا آن‌چه که معلمان و کارشناسان نسبت به این کتاب نظر دارند، امکان اعمال آن‌ها باشد تا وقتی اجرای سراسری می‌شود، از استحکام محتوایی با شیوه‌های بهتر آموزشی برخوردار شود.

با نظرسنجی صورت گرفته، همه‌ی معلمان نسبت به اصل تغییر کتاب‌های قدیمی به کتاب‌های جدید نظر مثبتی داشتند و مورد استقبال قرار گرفت. اشکالاتی که به محتوا و شیوه‌های کتاب‌های جدید گرفتند، در طول این سه سال بررسی شد. طبیعتاً اعمال

با نظرسنجی صورت گرفته، همه‌ی معلمان نسبت به اصل تغییر کتاب‌های قدیمی به کتاب‌های جدید نظر مثبتی داشتند و مورد استقبال قرار گرفت



ویژه‌نامه‌ی آموزش دین

# تعلیم و تربیت دینی

## پرویز آزادی

کارشناس گروه دینی راهنمایی  
دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

راهنامه‌ی برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی راهنمایی بعد از بزرگسالی خلسات متعدد در شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۹ به تصویب رسید و اساس تألیف کتاب‌های جدید دینی دوره‌ی راهنمایی قرار گرفت که توسط حجت‌الاسلام کاظمی تألیف شد. کتاب دینی جدید سال اول راهنمایی در سال تحصیلی جاری (۱۳۸۹-۹۰) به اجرای سراسری در آمد.

اهتمامی برنامه‌ی درسی تک، عمده و بازده قابل توجهی دارد. همین‌ها از این راهما از این قرار هستند:

### ۱. ضرورت و اهمیت

در این بخش، به فلسفه وجودی این راهما پرداخته شده و ضرورت و اهمیت آن این گونه بیان شده است: «از آن‌جا که معرفت به دین و ارثه‌ی تفکر منسجم در اعتقادات دینی و راه و روش زندگی، سزای آموزش و پرورش است، ضروری است علاوه بر توجه عمومی برنامه‌ها به تعلیم و تربیت دینی، برنامه و درسی خاصی نیز به آن اختصاص یابد.»

### ۲. رویکرد برنامه

این فصل به رویکرد اصلی حاکم بر برنامه که همان رویکرد فطرت‌گراست پرداخته و آن را به خوبی تشریح کرده است. سپس از بیان تئوری و بزرگی برای انسان صحبت کرد، اصول مسج بر رویکرد عبارت‌اند از: ۱. توجه به حفظ کمال‌گرای انسان؛ ۲. توجه به عقلانیت و تفکر؛ ۳. جمع میان عقل و عرفان؛ ۴. توجه به بعد زیاده‌گرای انسان؛ ۵. توجه به رشد معنوی و همه‌جانبه‌ی انسان. همچنین، در این فصل، «رویکردهای مطرح در برنامه‌ی درسی و تناسب آن‌ها با تعلیم و تربیت دینی» تشریح شده است. این رویکردها عبارت‌اند از: فرایند محوری، تلقیق، تعادل میان موضوع محوری و دانش امور محوری، و خلاقیت.

### ۳. اصول حاکم بر برنامه‌ی تعلیم و تربیت دینی

#### دوره‌ی راهنمایی

اصول حاکم بر برنامه، به دو بخش خاص و عام تقسیم می‌شوند:

#### • اصول خاص

۱. تلقیق آموزش قرآن و دینی؛ ۲. محور قرار گرفتن قرآن کریم و ... و سیردهی معنوسین صلوات الله علیه؛ ۳. تنظیم

حکمتها در جهت تبیین برنامه‌ی نظری و عملی زندگی دینی در دینی امروز؛ ۴. توان در سیردهی روحیه‌ی تعبت اعم و عمق قلبی؛ ۵. ایجاد طلب و اشتیاق در مخاطب؛ ۶. فراهم کردن فرصت تجربه و باطن با خود؛ ۷. توسعه‌ی معنای عمیق و زیبایی دین؛ ۸. برآیند دین از حرف‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساخت دین؛ ۹. ارائه‌ی برنامه‌ی جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی؛ ۱۰. ایجاد آمادگی در دانش آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب؛ ۱۱. بست‌گیری برنامه‌ی درسی در جهت وحدت اسلامی؛ ۱۲. حضور تشکیلاتی حضرت امام خمینی اقدس سره در کالبد محتوای آموزش؛ ۱۳. بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین؛ ۱۴. توجه به نیازها و ویژگی‌های دختران و پسران؛ ۱۵. تقویت احساس نیاز به دین؛ ۱۶. توجه به آموزش‌های خاص اهل سنت؛ ۱۷. توجه به آموزش‌های خاص اقصای دینی (اسیخی، یهودی و برهمنی).

#### • اصول عام

۱. توجه به نیازها در برنامه‌ی درسی؛ ۲. استیلا بر علوم روز؛ ۳. پرورش مهارت‌های تفکر؛ ۴. بهره‌مندی از فناوری‌های جدید در برنامه‌ی درسی؛ ۵. رعایت بیوسنگی و استحکام مولوی و عرضی در برنامه‌ی درسی؛ ۶. توجه به ناس امور آن ویژه و استعدادها برتر؛ ۷. توجه به ویژگی‌های عصر جدید؛ ۸. توسعه فضای مناسب مذهبی در آموزش؛ ۹. خوب هویت اسلامی و ملی؛ ۱۰. اعطای پذیرایی برنامه؛ ۱۱. امکان توسعه و تکمیل برنامه و تجدیدنظر در آن.

### ۴. مفاهیم اساسی

مفاهیم اساسی این برنامه بر اساس سؤال‌های اساسی انسان و سؤال‌های متفرع بر آن تنظیم یافته است. این سؤال‌ها از ویژگی انسان و جایگاه او در جهان هستی برخاسته‌اند. این مفاهیم عبارت‌اند از:

۱. کسبتم؟ ← انسان شناسی
۲. از کجا آمدم؟ ← مبدأ (توحید)
۳. به کجا می‌روم؟ ← معاد
۴. در کجا هستیم؟ ← جهان‌شناسی
۵. راهمنمای من در مسیر زندگی کسبتم؟ ← راهمنمای سلامت و ولایت‌فقه





ویژه‌نامه‌ی آموزش دینی

الف) صلاحیت‌های عمومی:

۱. شناخت انسان؛ ۲. آگاهی از چگونگی مراحل رشد کودک از نظر اسلام؛ ۳. علاقه‌مندی و رضایت خاطر از تدریس؛ ۴. آسوه بودن؛ ۵. محبت و ورزشین؛ ۶. ناصح و خیرخواه بودن؛ ۷. داشتن سعه‌ی صدر و منابت در رفتار؛ ۸. داشتن کرامت نفس و اقتدار؛ ۹. حفظ آراستگی ظاهر؛ ۱۰. خلوص نیت و قصد قربت.

ب) صلاحیت‌های تخصصی:

۱. آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی و مبانی آن؛ ۲. توانایی قرائت صحیح و روان قرآن کریم و فهم آیات آن؛ ۳. داشتن علوم مربوط به حوزه‌ی آموزش؛ ۴. آشنایی با علوم و دانش روز؛ ۵. توانایی به کارگیری روش‌های ارزش‌یابی گوناگون متناسب با آموزه‌های دینی؛ ۶. داشتن مدرک کارشناسی با اولویت گرایش کلام و حکمت اسلامی از رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی. گرایش‌های دیگر رشته‌ی الهیات و نیز رشته‌ی فلسفه، در مرتبه‌ی بعد قرار دارد.

### ۱۱. سامان‌دهی به مواد کمک آموزشی

همواره پس از تهیه و تدوین کتاب درسی رسمی آموزش و پرورش، ناشران به تهیه و تولید مواد کمک آموزشی در این زمینه، همانند کتاب، نرم افزار و فیلم اقدام می‌کنند تا تعلیم و تربیت، به نمره‌ی مطلوب خود نائل شود. در این زمینه، اصولی برای تدوین این دسته از مواد آموزشی و کمک آموزشی در حوزه‌های مواد آموزشی (ناظر به زبان، بیان، سازمان دهی محتوا، جنبه‌های علمی و محتوایی)، مخاطب و کارکرد، ارائه شده و لازم است در تدوین این مواد آموزشی، توجه و اهتمام لازم به آن‌ها صورت گیرد تا کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی از اثربخشی لازم و کافی برخوردار باشند.

۶. از کدامین راه؟ چگونه باید بروم؟ ← راه (برنامه‌ی دینی)

۷. همراهان من چه کسانی هستند؟ ← جامعه (امت اسلامی)

۸. موانع و رهنمان راه کدام‌اند؟ ← دشمن شناسی

### ۵. اهداف کلی درس تعلیم و تربیت دینی در دوره‌ی راهنمایی

در این بخش، مفاهیم مبدأ (خدائشناسی)، معاد، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، راهنما (نبوت، امامت و ولایت فقیه)، راه (برنامه‌ی دینی)، جامعه (امت اسلامی)، دشمن‌شناسی، در سه حوزه‌ی شناخت، باور و گرایش، و عمل و رفتار تشریح شده است. در هر حوزه، میزان و نوع تعلیم یا حرکات مربوطه شرح شده است.

### ۶. انتظارات درس تعلیم و تربیت دینی از سایر دروس

در این برنامه، انتظارات درس تعلیم و تربیت دینی از درس‌های آموزش قرآن، زبان و ادبیات فارسی و عربی، مطالعات اجتماعی (تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی)، علوم تجربی و حرفه‌وفن، ورزش، هنر و آمادگی دفاعی تبیین شده است.

### ۷. جدول وسعت توالی مفاهیم در هر پایه

در این بخش، طی جدولی، وسعت و توالی اهداف کلی مذکور در بند پنج، به تفکیک پایه‌ها مشخص شده است.

### ۸. روش‌ها و فنون یاددهی-یادگیری (روش‌های تعلیمی و تربیتی)

در این بخش، روش‌ها و فنونی برای تعلیم و تربیت دینی ارائه شده است که از این قرار هستند: همیاری و مشارکت، پرسش و پاسخ، فضاگویی و داستان، ایجاد فرصت تأمل یا خود، ایجاد فرصت عمل به دین، استفاده از استدلال‌های منطقی، انباز و تشبیه، تذکر، سخن‌زانی، موعظه، ارائه‌ی الگو و آسوه، تشویق و تنبیه، نمایش و ایفای نقش، انجام تحقیق، مطالعه و فعالیت‌های پروژه‌ای، کنفرانس دانش‌آموزی، مشاهده و تحلیل مشاهدات، خلق موقعیت برای داوری، مشاهده (بحث و گفت‌وگو)، بدیعه‌پردازی، سازش فکری، و گردش علمی. هر یک از امور فوق به خوبی در این برنامه تشریح شده است.

### ۹. ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی برای تحقق دو هدف صورت می‌گیرد: ۱. تعیین میزان تحقق اهداف یاددهی و یادگیری؛ ۲. تثبیت و تحکیم آموخته‌ها. ارزش‌یابی از دانش‌آموز در تعلیم و تربیت دینی، باید در دو حوزه صورت گیرد: ۱. ارزش‌یابی از فعالیت‌های رشددهنده‌ی تفکر و تعقل؛ ۲. ارزش‌یابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده‌ی ایمان و احساس دینی. این ارزش‌یابی به دو صورت مستمر و پایانی صورت می‌گیرد.

### ۱۰. ویژگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان

برای تدریس تعلیم و تربیت دینی، معلم باید توانایی‌ها و قابلیت‌هایی داشته باشد این صلاحیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:





ویژه‌نامه‌ی آموزش آمادگی دفاعی

# درس آمادگی دفاعی چگونه به وجود آمد؟

گروه درسی آمادگی دفاعی  
دکتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی



## کلیدواژه‌ها: آمادگی دفاعی، دفاع، جنگ

و جهان پدید آورد که خروج از دایره‌ی وابستگی به آمریکا در همسایگی کشور بزرگی به نام اتحاد جماهیر شوروی (سابق) یکی از مهم‌ترین و محسوس‌ترین تبعات آن بود.

علاوه بر این، عدم وابستگی یکی از کشورهای جوردی خاورمیانه به شرق و غرب، زائلی الگویی جدید برای مبارزه با استبداد، کسب استقلال و آزادی در مهم‌ترین منطقه‌ی تحت‌تحریر جهان و طرح و ارائه‌ی روشی جدید برای مبارزه با رژیم استعلاکرت فئودالیستی از عواقب پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران بود که قدرت‌های سیاسی مغرب‌زمینی جهان نمی‌توانستند نسبت به آن عکس‌العملی نشان بدهند.

تخریب قومیت‌ها و بروز ناآرامی‌های متعدد در چند کشور و اسان کشور، حمله‌ی نظامی ناموفق آمریکا در بحرانی‌ترین کودتای نوزده و بروز شخصیت‌های اندیشمند و نابزرگوار کشور که همگی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از دولت‌های استبداد

مقام معظم رهبری: «دفاع جزئی از هویت هر ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند، زنده نیست؛ هر ملتی هم که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست؛ هر ملتی که اهمیت دفاع را درک نکند، به یک معنا زنده نیست.»

انقلاب اسلامی ملت ایران که از سال ۱۳۳۲ تا به رهبری **امام خمینی** (ره) آغاز شده بود، پس از اوج‌گیری آن در دی‌ماه ۱۳۵۶، سرانجام در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ با سقوط رژیم دیکتاتوری شاه به پیروزی رسید و نظام جمهوری اسلامی در کشور ایران شکل گرفت.

پیروزی ملت ایران که تا به رهبری فقهی اندیشمند و شجاع و با اسقامت و پایداری مردم در راه خدا به دست آمد و حکمیه نظام اسلامی را به دنبال داشت، وضعیت جدیدی را در منطقه





ویژه‌نامه‌ی آموزش آمادگی دفاعی

درس آمادگی دفاعی به وسیله هیئت وزیران، دانش‌آموزانی که این درس را در دوره‌های راهمایی و متوسطه بگذرانند، از دو ماه کسر خدمت سربازی بهره‌مند خواهند شد.

در همین جهت، در جلسه‌ی شماره‌ی ۶۴۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۸۸/۴/۳۰ ماده واحده‌ی «پیش‌بینی و اختصاص درس آشنایی با فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس، برای تدریس در دانشگاه‌ها و مدارس» به تصویب رسیده است.

### ضرورت وجود درس آمادگی دفاعی در حال حاضر چیست؟

از دیدگاه منابع دینی، زندگی و حیات اساسی‌ترین و محوری‌ترین ویژگی موجودات است و تمام مخلوقات عالم دارای درجه‌ای از زندگی و حیات هستند. از دیدگاه قرآن کریم، هر موجودی متناسب با مرتبه‌ی وجودی خود از حیات برخوردار است. در این میان، انسان به عنوان خلیفه الله، با بهره‌مندی از فطرت الهی و آگاهی و اراده‌ی خود و مناسب با تلاش و مجاهدت خویش می‌تواند به بالاترین سطح حیات دست یابد. البته انسان موجودی اجتماعی است و در تعامل با دیگران و از متن اجتماع به درجات کمال می‌رسد. در مسیر کمال انسان، موانع گوناگونی وجود دارند که خداوند استعداد و توانایی دفع آن‌ها را به انسان‌ها عطا کرده است، اما چگونگی و راه‌های دفع موانع، به شرایط، موقعیت، امکانات و نیز تدبیر و اراده‌ی انسان بستگی دارد.

توان دفاع، یکی از استعدادهایی است که به صورت غریزی در تمام موجودات زنده، به عنوان واکنشی طبیعی برای محافظت از جان و حفظ حیات صورت می‌گیرد. اما در انسان مؤمن، علاوه بر عکس‌العملی فطری برای حفظ جان، عمل و اقدامی هوشمندانه و مبتنی بر عقل و منطق است که در عرصه‌ی دین و برای رسیدن به کمال، رنگ و بوی عبادت و جهاد به خود می‌گیرد. بر همین اساس، خداوند در آیاتی از قرآن کریم، به کسانی که مورد ظلم و تعدی متجاوزان قرار گرفته‌اند، رخصت و اجازه‌ی دفاع داده است. از جمله در آیه‌ی ۳۹ از سوره‌ی حج می‌فرماید: «به کسانی که جنگ بر آن‌ها تحمیل شده، رخصت (دفاع و جهاد) داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت نواناست.»

یکی از آثار دفاع، جلوگیری از گسترش تباهی و فساد در عالم است. زیرا اگر ستمگران مقاومتی در مقابل خود نبینند، تا آن‌جا که بتوانند پیش می‌روند و به ظلم، تباهی و خون‌ریزی روی زمین می‌پردازند. به همین دلیل، خداوند در آیه‌ی ۲۵۱ از سوره‌ی بقره می‌فرماید: «اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله‌ی برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید، ولی خداوند نسبت به جهانیان فضل دارد.»

البته آثار فراوانی بر دفاع مترتب است که جلوگیری از تعدی ظالم بر مظلوم، حفظ ارزش‌ها و مراکز فرهنگی، پیش‌گیری از ایجاد ناامنی، جلوگیری از تسلط کافران بر مؤمنان و... از آثار دیگر دفاع تلقی می‌شوند.

سرچشمه می‌گرفت - بخشی از حوادثی بود که به قصد ساقط یا منحرف کردن انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت: ولی هیچ یک نبواست در عزم و اراده‌ی رهبری نظام و مردم مقاوم ایران خلی ایجاد کند.

در جین شرایطی، حکومت بعثی عراق که به رغم اعضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله‌ی شخص **صدام حسین**، از محتوای این قرارداد ناخبرست بود، همواره در پی فرصتی می‌گشت تا به هر نحو ممکن، از عملی شدن آن شانه خالی کند و تنگناهای سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی خود را بهبود بخشد. از این‌رو، موقعیت داخلی ایران و اجماع ناثوخته‌ی قدرت‌های سیاسی جهان علیه کشور ما را بهترین فرصت برای تجاوز به همین ما و الحاق بخشی از خاک سرزمین ایران اسلامی به عراق ارزیابی کرد.

حمله‌ی نظامی ارتش بعثی عراق در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ و وقوع جنگ تحمیلی که با حمایت قدرت‌های سیاسی و نظامی جهان صورت گرفت، کشور عزیز ما را با شرایطی مواجه کرد که سرزمین، هویت ملی و دینی، موجودیت ما و مینم عزیزمان را با خطر روبه‌رو ساخت؛ به گونه‌ای که تمام نهادها و سازمان‌های نظامی و غیرنظامی کشور درگیر این موضوع شدند. دشمنی قدرت‌ها و استکبار جهانی با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، وزارت آموزش و پرورش را در مسیر همکاری و برنامهریزی مشترک با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سپح) قرار داد تا از این طریق، دانش‌آموزان را برای دفاع از دین و سرزمینشان ترغیب و آماده کند؛ گفتنی است که درس «آمادگی دفاعی» یکی از نتایج این همکاری و هم‌فکری مشترک بود.

پس از پایان جنگ تحمیلی و با توجه به ادامه‌ی تهدیدهای قدرت‌های بزرگ در اشکال و ابعاد گوناگون، برای ضرورت آشنایی دانش‌آموزان با موضوع دفاع و مسائل مربوط به آن، در جلسه‌ی شماره‌ی ۵۱۶ شورای عالی آموزش و پرورش، نحوه‌ی ادامه و چگونگی اجرای درس آمادگی دفاعی به تصویب این شورا رسید. براساس رأی صادره به وسیله‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، درس «آمادگی دفاعی» جزو دروس الزامی پسران در پایه‌های سوم راهمایی و اول و دوم متوسطه قرار گرفت (در مرحله‌ی اجرا، مجموع ۶۰ ساعت مصوب شورای عالی آموزش و پرورش برای پایه‌های اول و دوم متوسطه، در پایه‌ی دوم متوسطه متمرکز شد).

یک سال پس از مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، قانون مقررات استخوانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. براساس ماده‌ی ۶۴ این قانون، آموزش و پرورش موظف است با هماهنگی و نظارت سپاه نسبت به اجرای آموزش‌های تئوری و عملی در زمینه‌های دفاع نظامی و غیرنظامی برای دانش‌آموزان، به منظور تحقق بهترین به تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی، اقدام کند.

به موجب قانون، درس آمادگی دفاعی برای پسران دوره‌ی راهمایی با دو ساعت آموزش در هفته و برای پسران دوره‌ی متوسطه با سه ساعت آموزش در هفته تصویب شد. همچنین، در این ماده‌ی قانونی، پیش‌بینی شده که با تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی

درس آمادگی دفاعی،  
منحصر به دوران گذشته  
و زمان جنگ نیست،  
بلکه وجود این درس در  
هر دوره و زمانی، برای  
دانش‌آموزان لازم و  
مفید است



ویژگی‌های آموزشی امامی دفاعی

در طول تاریخ، یگانایران و اتحادیان و برادران عبادتی آن‌ها، به این علت که سواره خدیو جان و سنگدان بوده است، مورد بغض و کینه‌ی ممالین بوده است. همین مردم خدایان در ایام ۱۲۰۰ سوزدهی حج می‌فرماند: «اگر خدیو بغض از مردم را با بغض دیگر دفع نمی‌کرد، سوزدهی را سبب کشتن و مساجدی که راه خدا در آن‌ها سبزه زده می‌شود، سخت و برای می‌شد و قطعاً حد به کسی که این اوز سزاری کشیداری می‌دهد، جز آنکه او سخت نیرومند و سنگسار باشد است.»

همان‌طور که خداوند قرآن می‌فرماید: «چرا مؤمنان را با مؤمنان به برده، حمله به اعتقادات و نمادهای اعتقادی آن‌ها است و با توجه به این که ما همه جنگها و پیوندها بر دینی امروز منتهی از آن که نظامی باشد، فرهنگی است، امامی برای دفاع هم باید بر همین اساس برآمده‌تری شود. نه بعضی دین، چونان سرزمین ما که بعضی عظیم آن‌ها را دامن امور آن کشور می‌دهد، باید با نیروی و سعادت حضرت آیت الله خامنه‌ای، بر خود را ولایت و محور اتحاد مسلمین در عهد حاضر، در قیام و از انوار پهنده‌های

بر عترتی پیامبر مکره اسلام این نیز سوزدهای خود می متعددنی مشاهده می‌شود برای نبویه، در عصر اسلام، وقتی آن حضرت و سران امتش آمدند و بسط و وسعت و شرایطی در سرزمین مکه برای حفظ اعتقادات و سبط و گرسنی اسلام در دست ستم، روش دیگری را انتخاب کردند و هجرت به یزیدیند، تا بدین وسیله این اعتقادات خود را حفظ کنند. اما برای آن که عذبه و عذوبی آن‌ها به بغداد و شرایط مناسبی رسد، برای تمتع دین اسلام در سرزمین وحی، «سغار صبح و نوآوری به مکه بازگشت»

در اسیردهی امام علی (ع) نیز رهبر صبح بلبلانه مشاهده می‌شود آن‌جا که در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هر که پیشنهاد صبح از طرفه دشمن را که حسنی‌ای خدا در آن است رد می‌کند، که اساسی بر سنگدان و از این فکری جو و استیجاب کشور در صبح نامی می‌گردد» [نهج‌السلام، نامه‌ی ۵۳]

ما نیز بر اساس سبب و سیردهی دیگر این اوز و معانی آن مطالبات صبح هستیم، اما صلح خطایی را در کنار خدی سدی به سبب روش‌های معنایی اسلام حسنی‌جو می‌کنیم. بار این، ضامنی توانم صبح را فقط برای خود، جو هم و در مقابل ظلم و ستم به سایر مسلمین و مظلومان می‌بوجه می‌دهد. ما اجازه داریم که صلح خطی نامی، یا سبب به این فراموشی نمی‌مکره اسلام این اوز که می‌فرماند: «هر کس صلح کند، و سبب به امور مسلمین انجامد، مانده است مسلمانی است.» این تقویت نامی؟

آیا برور و اکین مناسب سبب به خطمی که در حق مردم مظلوم افغانستان، عراق، فلسطین و... می‌شود، مناسب توجه به امور مسلمین است؟

ایا استنادی و اعتباری نسبت به استغفار سرزمین ملت مظلوم فلسطین، مناسب انجامد به امور مسلمین است؟

مبارکین، ما برای عمل به فتوای اسلام می‌توانیم مستطیر تأیید ما عدم تأیید آن توسط قدرتهای خاکجه بر مناسب جهانی تمامی امروز، یا سبب، زیرا خود و حکیم در امامت قرآن کریم، نگفتند: «ما را در این باره به صورتی پستی کرده است و می‌فرماند: «هر که برهتد و مضر را از سبب را نمی‌بینی، مگر آن که بر کسی آن‌ها نیروی کسی» [عقده‌ای ۱۲۰]

برنامه‌ی فرسی امامی دفاعی سعی در دامن‌بازی صلح بلبلانی اسلام، دانش امور آن را هوشیار کند تا قدرت مادی گردانان دشمنی به ظاهر همین امروز، بخوردند. این رساله، کلام امام علی (ع) بر بی‌روانم، بران این درس سبب را انگشتان آن‌ها که سبب را نوبسته «مالک اشتر برای صلح خطمی می‌فرماید: «شش ریزه را بپزاید، در دشمن پس از ایشی کردن، زیرا گاهن دشمنی در شک می‌شود تا غافل کند، پس توانیش باش و حسن من خود» می‌فرماید: «پس از دشمن نبوی علی (ع) داشته باش» [نهج‌السلام، نامه‌ی ۵۳]

در این رساله، اگر به گوشه گوشه‌ی این گوی می‌خاکمی دفع کنیم، مشاهده خواهیم کرد که دشمنی امروز سرور از فتوحان کوچک و بزرگی است که گریخته، حریص و اسلحه‌ساز است. گریخته‌اند



در انسان مؤمن دفاع، علاوه بر عکس‌العملی فطری برای حفظ جان، عمل و اقدامی هوشمندانه و مبتنی بر عقل و منطق است که در عرصه‌ی دین و برای رسیدن به کمال، رنگ و بوی عبادت و جهاد به خود می‌گیرد

دشمن امروز را شناسند و در قدم عبادتی، امامی لازم را می‌توانند و «دشمنی این پیوندها کند که از طرف دیگر در عصر حاضر، برافند غیرعاش به عنوان دفاع سوز استعداده از سلاح‌های جنگی، پیش از محوردهی به دفاع همه خانه در کشور مناسب که ساخت مؤلفه‌های آن برای تمام مردم و حسودا جو آن این سرزمین سروری است. این بر همه نیز یکی از اهداف اساسی برنامه‌ی فرسی امامی دفاعی به شمار می‌رود.





دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
- رشد خواتون** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزش • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دستی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاهها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۲ آموزش و پرورش، پلاک ۳۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۸۸۳۱۶۷۸ - ۴۱

در این دنیای پر فتنه، ما منتظریم تا آن یگانه‌ی عدالت‌گستر ظهور کند و با حکومتش، صلح، عدالت، دوستی و امنیت را در سراسر جهان حاکم کند.

ما بر این باوریم که تمام جوانان منتظری که به آن پرچمدار بزرگ عشق می‌ورزند و برای قیامش لحظه‌شماری می‌کنند، باید آساده‌ی دفاع از آرمان‌ها و اعتقادات خویش باشند؛ زیرا ظهور حضرت مهدی (عج) و گسترده شدن عدالت، صلح و دوستی، به سادگی و بدون آمادگی و همراهی پیروانش اتفاق نمی‌افتد.

بنابراین، نگاه اسلام به سوی صلح و دوستی است. اگر این صلح همراه با عزت و حفظ همه‌ی مسئولیت دینی و ملی ما باشد، از آن استقبال می‌کنیم، اما اگر مستکبران خودخواه بخواهند به پهنای ایجاد صلح، نسبت به مسلمانان و ارزش‌های دینی و ملی ما تعرضی داشته باشند، ما مکلفیم که از دین، سرزمین و عزت و حرمت مسلمین دفاع و در برابر آن‌ها مقاومت و پایداری کنیم؛ همان‌گونه که امام حسین (ع) و یارانش در کربلا حماسه‌ی مقاومت و ایثار آفرینند و به فیض عظیم شهادت نایل شدند، اما تسلیم دشمن نشدند و تن به ذلت و خواری در برابر ظالمان ندادند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان، یکی از وظایف اساسی آموزش و پرورش است که بخشی از آن باید در کتاب‌های درسی به فراگیرندگان ارائه شود و با توجه به این که «دفاع» یکی از ضروریات زندگی و از مهارت‌هایی است که همه‌ی افراد باید با مسائل مربوط به آن آشنا باشند، ضرورت دارد تا جوانان جامعه‌ی ما برای نیل به حیات طیبه، نسبت به موضوع دفاع شناخت، نگرش و مهارت لازم را کسب کنند.

همچنین، بخش دیگری از مهارت‌های زندگی، مهارت‌های مربوط به دفاع در برابر زلزله و آموختن کمک‌های اولیه و امداد و نجات است که این موارد نیز در برنامه‌ی درسی آمادگی دفاعی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود.

بنابراین، درس آمادگی دفاعی در پی آن است که دانش‌آموزان:

- نسبت به تهدیدات عصر حاضر و دوستان و دشمنان میهن شجاعت کافی کسب کنند؛
- به روحیه‌ی غیرتمندی، سلحشوری، وطن‌دوستی و اعتمادبه‌نفس در مقابل دشمنان خود و ملت دست یابند؛
- به هویت دینی و ملی خود مباهات کنند؛
- انسان‌هایی ولایت‌مدار، منتظر، معتقد به جهاد و شهادت‌طلب بار آیند؛

تا بتوانند در مسیری حرکت کنند که رضایت خداوند در آن است و مقصد آن حیات طیبه است.

توجه به دلایل و نکات ذکر شده، ما را به این نتیجه می‌رساند که ضرورت وجود درس آمادگی دفاعی، منحصر به دوران گذشته و زمان جنگ نیست، بلکه وجود این درس در هر دوره و زمانی، برای دانش‌آموزان لازم و مفید است.

پی‌نوشت

۱. من اصبح و لم یهنم بامور المسلمين فلیس مسلم

با کسر ۱۵٪

# نامتی با اسکرده



«رشد آموزش راهمینی بحصیلی» خواهان اربابان روز افزون با شما محاطبان عرب بر انند. کوشانی عزیز، شما می توانند از طریق بست و راهنامه، مطالبتان را به دفتر مجله رسانند. افرادی که اسامی آن‌ها در زیر افنده اسند، مطالبشان از فروردین ۱۳۹۶ به دفتر مجله رسیده و برای بررسی به شورای کارشناسی مجله ارسال شده است تا در صورت تأیید در بوبت جاب قرار گیرد. ما هم نادآوری می کنیم. کسانی دقیق بی و سماردی تعاستن را روی الازقان بانداست کبید مستطیر نوشته‌های تما همیم!

حمیدرضا شهسوار، مریم عباسی، راضیه کمالی دهقان، طاهره جهانیان، عباس مسکتنی، مرضیه ناظم زاده، محبوبه زمانی بخش، الهام امینی تهرانی، مریم زارعیان جهرمی، فاطمه عابدی، اکرم احمدی، علی عربانی دانا، زینب گلبراری، رضا گلی اسکاردی، مریم رشیدی الانستی، فریده فهیمی مجرد، سعیده اصلاحی، زهرا صادقی ارانی، طیبه احمدی، مهسا رجیبان، بهروز تورانی، انیس خوش لهنجه، امید عزیز، یوسف رسولی و محمدرضا شهساز.



## همت مضاعف، کار مضاعف برگ اشتراک مجله‌های رشد

### شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله در خواستی. به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آرمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت است.
۲. ارسال اصل قبض بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست سفارش. (کپی قبض را نزد خود نگه دارید).

• نام مجله‌های درخواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نسبی کامل نیست:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره‌ی پستی:

• در صورتی که شما مشترک مجله بوده‌اید، لطفاً شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید.

افضا:

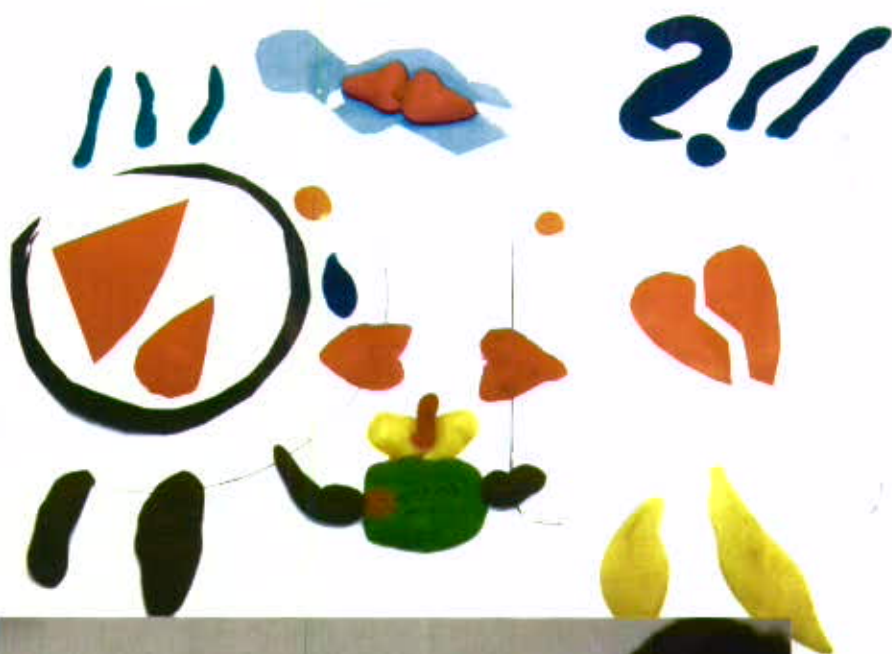
- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۲۳۶۶۵۶-۷۷۲۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۲۰۱۴۸۲

### یادآوری:

- هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل بودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.



# گفت و گوهای ما صدای بلند فکر کردن ما است؟



## گلچینی از سخنان وزیر آموزش و پرورش و دکتر حدادعادل و دکتر محمدیان در نشست «و درنگی در راه»

به مناسبت انتشار دویست و پنجاهمین شماره‌ی «رشد معلم»



دکتر حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر

آموزش و پرورش

- اهداف مجلات رشد باید خدمت‌رسانی و تربیت انسان و جامعه‌ی رشید باشد. این مجلات باید به تمام نیازهای جامعه، متناسب با پیشرفت‌های روز، پاسخ دهد.
- مجلات رشد همانند مغز متفکر آموزش و پرورش است.



دکتر غلامعلي حدادعادل، رئیس

کمیسیون فرهنگی شورای عالی

علمی

- امروز مادر جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که برای معلمان و دانش‌آموزان، در هر سطحی و هر رسته‌ای، مجله‌های خاص وجود دارد و این حکایت از رشد آموزش و پرورش در جامعه‌ی ماست.



حجت‌الاسلام و المسلمین،

دکتر محمدیان، رئیس سازمان

پوهنی و فرهنگی آموزشی

- مجلات رشد هدفی جز بسترسازی برای تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش و اعتلای زمینه‌های تربیتی در مدارس نداشته و ندارند.